



سال نو مبارک

فهرست

- سرمقاله: زنان می توانند! / مدیر مسئول ۴
- یادداشت: نقش مردان در تحقق برابری جنسیتی / شهیندخت مولاوردی ۵
- گفتگو با خانم رقیه حاتمی پور فرشی / لاله راستگار ۱۱
- درهای توریسم به روی زنان گشوده می شود
- بانک داری برای فقرا / الهام راد ۱۴
- گفتگو با خانم ملیحه قمصری / زهرا رضایی ۱۷
- عدم ریسک پذیری زنان محصول شرایط اجتماعی است
- گفتگو با منیره آمدی / طیبه اسدی ۲۱
- تجربه ای که در حدی یک ایده باقی ماند!
- گوناگون / زهرا رضایی ۲۵
- آیا زنان از زمین ارث می برند؟ / اشرف گرامی زادگان ۲۹
- حذف نابرابری زن شاغل در بخش مستمری / مینا جعفری ۳۱
- سایه شوم هوو بر سر زن ایرانی ۳۳
- اخبار / مریم فرزانی ۳۴
- چای سبز، اکسیر جوانی و سلامتی ۳۸
- باید و نبایدهای مایکروفر ۳۹
- ماهنامه زنان لغو امتیاز شد ۴۲
- طرح حساب پس انداز ایران / فاطمه تهرانی ۴۳
- داستان کوتاه: امانتی / ترجمه رضا نجفی ۴۴
- سینما: همیشه پای یک مرد در میان است / دکتر شهرام خرازی ها ۴۷
- اخبار سینمایی / روفیا تیرگری ۴۹
- انتخابات مجلس هشتم: حصار تنگ فیلترینگ ۵۷
- معرفی کتاب: ۶۲
- بخش انگلیسی: هاروت آزاریان ۶۳
- فنانندگان ممتزه نظر به مجم مطالب فارسی، در این شماره بخش عربی حذف شده است.

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: اشرف گرامی زادگان

مدیر اجرایی: حسین فرزانی

گرافیسیت: طاهره السادات طاهری

طرح روی جلد: منیژه رحیم زاده

حروفچینی: حقوق زنان

لیتوگرافی: طلوع

چاپ: رجا

نشانی: تهران - بزرگراه نواب صفوی - ساختمان بینالود ۲ - زنگ ۴۰۵ -

کدپستی ۱۳۱۴۵-۳۶۳-۵۵۴۳۹۱۷۰-تهران-صندوق پستی: ۳۶۳-۱۳۱۴۵

تلفن: ۰۹۱۲۱۳۰۲۷۷۵

تلفکس: ۵۵۴۳۹۱۷۲

شماره سریال بین المللی: ۱۵۶۱-۳۶۷۴

نشانی اینترنتی: WWW.Hoghooghezanan.com

پست الکترونیکی: info@Hoghooghezanan.com

✪ نویسندگان و مترجمان ارجمندی که مایلند آثارشان در مجله‌ی

حقوق زنان انتشار یابد، به همراه مطالب، درباره تحصیلات، شغل،

آثار پژوهشی و ترجمه‌ی خود توضیحی کوتاه ضمیمه کنند.

✪ مطالب در صورت امکان تایپ شده و تنها بر یک روی کاغذ

نوشته شده باشد و یا بر روی «سی دی» یا «دیسکت» ارسال شود.

✪ مطالب ترجمه شده باید با یک نسخه از متن اصلی همراه باشد.

✪ مطالب فرستاده شده بازگردانده نمی شود.

✪ «حقوق زنان» در ویرایش و کوتاه کردن مطالب آزاد است.

✪ هرگونه استفاده از مطالب و تصاویر اختصاصی نشریه حقوق زنان

منوط به کسب اجازه از مدیر مسئول است.

✪ «حقوق زنان» در موضوع فعالیت‌های آموزشی، خدماتی و

فرهنگی هنری آگهی می پذیرد.

نقش مردان در تحقق برابری جنسیتی

شهیندخت مولاوردی



نقش مردان در مسیر دستیابی زنان به برابری جنسیتی چیست؟ آیا اساساً می‌توان نقشی برای مردان در این زمینه قائل شد؟ ضرورتها، دلیل و چرایی نقش قائل شدن برای مردان و پیامدها و نتایج عدم مشارکت و همراهی آنان با زنان در این مسیر کدام است؟ چه نقش‌ها و وظائفی را می‌توان برای مردان در این خصوص متصور شد؟ اصولاً برابری جنسیتی به چه معناست و نابرابری جنسیتی چه تبعاتی را بر جامعه به بار می‌آورد؟ اینها سؤالاتی است که سعی شده است در این مطلب - در حد بضاعت و توان - به آنها پاسخ داده شود:

۱- برابری جنسیتی به چه معناست، لازمه آن چیست و اهمیت و تأثیر آن کدام است؟

هنوز در بسیاری از کشورها تحت تأثیر فرهنگ جهان شمول مردسالاری از تصدیق این واقعیت سرباز زده می‌شود که تفاوت‌های زنان و مردان در دستاوردها و فعالیت‌ها، پیامد نقش‌های جنسیتی جامعه-ساخته است نه پیامد تفاوت‌های تغییرناپذیر زیست‌شناختی. هرچند بسیاری از تفاوت‌های موجود غیرقابل انکارند، اما در مجموع نمی‌توان گفت تفاوت‌های ذاتی و نه اکتسابی و تربیتی زنان و مردان، آنقدر که تصور می‌شود زیاد و عمیق باشد. حرف این است که هیچ‌کس نباید به دلیل جنسیت از حقی محروم یا مجبور به تبعیت از شیوه و سبک خاصی از زندگی بشود، حرف در چگونگی این تفاوت‌هاست. اینکه برخی برابری جنسیتی را با برابری جنسی یکی پنداشته و القا می‌کنند که در صورت تحقق برابری زن و مرد، تفاوت‌های آنان نادیده گرفته شده و زنان مثل و مشابه مردان خواهند شد، غالباً برداشت درستی از موضوع نداشته و برخی نیز برای تخطئه دستاوردهای جنبش زنان عمداً به این تاکتیک دست می‌یازند. برابری جنسیتی به معنای داشتن پایگاه یکسان برای زنان و مردان در جامعه است. برابری جنسیتی

موارد لازم است که به صورت متفاوت با آنها رفتار شود. این تفاوت برای جبران محرومیت‌های تاریخی و اجتماعی زنان است. در واقع عدالت جنسیتی که به معنای توازن در دسترسی مردان و زنان به منابع اجتماعی و اقتصادی است، شرایطی را که در آن مردان و زنان بتوانند به صورت برابر در همه زمینه‌ها مشارکت فعالانه داشته باشند فراهم می‌آورد. لازمه برابری جنسیتی آن است که ارزشها، هنجارها، اعتقادات، نظام حقوقی، ارکان و سازمان‌های حکومتی و نظام‌های تصمیم‌گیر و سیاستگذار نسبت به ضرورت برابری فرصت‌ها، امکانات و عدالت جنسیتی حساس شوند و بدین ترتیب به دنبال مشارکت فعال زنان و کنترل آنها بر منابع همپای مردان و نه جدای از آنها باشند.

امروزه برابری جنسیتی مسئله محوری توسعه و به نوبه خود یکی از اهداف مهم آن در تمامی جوامع بشری است و در صورت عدم تحقق آن کارآمدی سیاست‌های توسعه‌ای به گونه‌ای اساسی تضعیف می‌شود، لذا مسئله از چشم‌انداز خسارت‌هایی که به واسطه نابرابری زنان بر کل جامعه تحمیل می‌شود (و نه صرفاً از چشم‌انداز منافع زنان) مورد توجه قرار می‌گیرد. "کارشناسان بانک جهانی در کتاب **جنسیتی کردن توسعه: از راه برابری جنسیتی در حقوق، منابع و صداها** که یک راهنمای عمل فراگیر در خصوص پیوند زنان و توسعه است، از یک راهکار سه بخشی برای پیشبرد برابری جنسیتی جانبداری می‌کنند: ۱- اصلاح نهادها برای برقراری حقوق انسانی و فرصت‌های برابر برای زنان و مردان ۲- تحقق توسعه اقتصادی برای تقویت انگیزه‌ها به منظور دستیابی به منابع و مشارکت برابرتر ۳- انجام تدابیر فعالانه برای جبران نابرابری‌های پایدار در تسلط بر منابع و تأثیرگذاری سیاسی. این کارشناسان برابری جنسیتی را از جنبه برابری در برابر قانون، برابری فرصت‌ها (شامل برابری

به معنای تشابه مرد و زن نیست یا اینکه مرد و زن باید از فرصت‌ها، امکانات، حق انتخاب و دسترسی و کنترل منابع به صورت مشابه استفاده کنند. منظور این است که نقش زنان و مردان به صورت برابر در جامعه به رسمیت شناخته شود و ارزشگذاری گردد. برابری جنسیتی به معنای برخورداری زنان و مردان از شرایط برابر برای دستیابی به حقوق اجتماعی، فرصت مشارکت و سهم شدن در توسعه و برخورداری از منافع توسعه و شرکت در فرآیند برنامه ریزی است. منظور از برابری جنسیتی، وجود هنجارها، نگرشها و برداشت‌های ضروری برای کسب موقعیت یکسان برای زنان و مردان در جامعه است، بدون اینکه تفاوت‌های بیولوژیکی آنها نادیده گرفته شود و زنانگی و مردانگی باعث محرومیت و ظلم علیه هر یک شود. بدین ترتیب عدالت جنسیتی زمینه ساز برابری جنسیتی خواهد بود. وقتی زنان و مردان از برابری کامل برخوردار نیستند، در برخی

زنان می توانند !

در شماره قبل از سهم زنان از اقتصاد گفتیم و این که ضرورت توسعه و رشد آن به حضور زنان وابسته است و کشوری که از این نیروی مهم انسانی سود نبرد، به چشم انداز مطلوب دست نمی یابد. هر چند که ورود به این موضوع نیاز به بررسی و تحقیق بیشتری دارد تا مشخص شود که چرا زنان تاکنون نتوانسته اند به پیشرفت قابل ملاحظه ای در اقتصاد دست یابند و وضعیت کنونی آنان چرا مطلوب نیست و در آینده چگونه می توانند موقعیت خود را در این حوزه تثبیت کنند ولی در رسانه ای چون این نشریه، ضرورت نشان دادن مصادیقی از حضور و پاسخ گرفتن از کسانی که در محیط های اقتصادی فعالیت می کردند ما را به این نتیجه رساند که این بینش وجود دارد که زنان می توانند و باید که در عصر کنونی همپای مردان به حوزه سرمایه گذاری راه یابند و توانایی خود را در معرض دید جامعه قرار دهند زیرا که کمترین ثمره آن به بهره مندی بیشتر و دسترسی سهل تر به امکانات در خانواده منجر خواهد شد. خانواده ای که در هیاهوی تغییرات جامعه برای دستیابی به حداقل امکانات، کسب تحصیلات، داشتن شغل مناسب و رفاهی نسبی باید تلاش مضاعفی را در پیش گیرد. در قبل یادآور شدیم عصری که فقط مردان کارکنند و برای اداره خانواده نتوانند زمانی را برای دیدن اعضای آن صرف کنند گذشته است. هزینه های زیاد خانه و خانواده مردان را مجبور به تعدد شغل کرده و از زمان استراحت آنان کاسته است. خانواده نیاز به زمانی دارد که بدون هراس از افزایش هزینه و مشکلات در دسرساز آن رفاه، همدلی و اوقات فراغت نیز داشته باشد و برای بهبود شرایط روحی و معنوی خود نیز برنامه ریزی کند. خانواده هنگامی خانواده ای مطلوب است که با برنامه تنظیم شود و با برنامه استمرار یابد و بخصوص روابط درونی آن تقویت شود. در کمال تاسف در می یابیم که در این زمینه نه تنها برنامه ای تدوین نمی شود بلکه هر آنچه را که می توان به امنیت خاطر این کانون افزود را نیز از دست می دهد. آموزش و استمرار کسب علم توسط فرزندان - بخصوص دختران- که زمانی امتیاز آنان شمرده می شد با تعیین سهمیه و کاستن از حجم حضور دختران در دانشگاه ها، فشار روحی و روانی تازه ای را بر بخشی از این مجموعه وارد کرده است. قائل شدن سهمیه جنسیتی به ضرر زنان و دختران به بهانه های واهی که بی شک به کاهش حضور دختران در این عرصه منجر می شود، نشان می دهد راهی برگزیده و شایسته را که در پیش روی دختران ما قرار

داشت بدون هیچ جایگزینی - به خلایق بدون برنامه تبدیل کردند و خانواده ها را به مشکلات جدیدی مبتلا نمودند. بدین ترتیب افتخار حضور ۶۲ در صدی دختران در دانشگاه ها را بر نتابیده و بدون ایجاد و توسعه آموزش های فنی و حرفه ای و یا خوداشتغالی و ده ها راه دیگر دختران ما را به سستی، کاهلی و تنبلی سوق دادند تا با نشستن در خانه به مشکلات خانواده افزوده شود. حال آن که زمان ایجاب می کند که فرزندان بخصوص دختران با کسب علم و دانش و با اشتغال به کیفیت خانواده بیفزایند.

اکنون عصری است که باید به کیفیت خانواده اندیشید و این که همه اعضای آن باید با آموزش و همکاری، دست به دست هم بدهند و برای رشد اعضای آن و همچنین مجموعه آن تلاش کنند.

ضرورت حضور زنان در صحنه های اقتصادی این نوید را می دهد که در ارتقای کیفی خانواده نقش زنان قابل توجه باشد و بتوان از وجود آنان به تعالی بیشتری در خانواده رسید.

در طی بررسی های متعدد این نتیجه که زنان باید در صحنه های اقتصادی حضوری فعال و گسترده داشته باشند آشکار شده است. نمونه هایی که در دو شماره اخیر نشریه آورده ایم نشان می دهد که خودباوری، تلاش و برنامه این زنان، آنان را به مسیری صحیح رهنمون شده که ثمره اش را خود و خانواده شاهدند. ما حتی تجربیاتی را که زنان آن را آزمودند ولی هنوز به نتیجه مطلوب آن دست نیافته اند را نیز برای عبرت آموزی آوردیم تا بدانیم که شکست بی شک تنها یک شکست نیست و تجربه به دست آمده مهارتی است که ما کسب کرده ایم و این خود یک پیروزی به حساب می آید.

هر چند که موضوع زنان در اقتصاد در این دو شماره نشریه مختصر شد و حق مطلب ادا نگردید ولی ما به طور خاص صفحه ای را برای ورود به این حوزه اختصاص داده و حفظ می کنیم تا فراموش نشود که باید زنان در این حوزه حضوری موثرتر داشته باشند تا به جایگاه تصمیم گیری و تصمیم سازی برسند. باشد که ایجاد مراکز اقتصادی از جمله تاسیس تعاونی ها، تشکیل صنوف، خلق مشاغل جدید، بازارچه های خوداشتغالی و هر شرکت خصوصی که تشکیل و تاسیس شود منجر به گسترش و توسعه کشور شده و به مرور فرهنگ پذیرش محور اقتصادی را برای زنان ما به ارمغان خواهد آورد. بی شک زنان در این حوزه نیز مانند آموزش و بهداشت ضرورت نقش خود را تثبیت خواهند کرد.

سنتی در خصوص رفتارهای خشونت آمیز در خانه دیده می شود و میزان توجه به وظایف پدری بیشتر شده است و تصور و دیدگاههای بسیاری از مردان در قبال مسئولیت پدری تا حد قابل توجهی تغییر یافته است.

اما تصورات مربوط به تغییرات یاد شده ممکن است چندان فراگیر و منطبق با واقعیات فراوان نباشد. چرا که هنوز نمی توان باور کرد که بیشتر فکر و ذکر پدران حول فرزندان و کارهای خانه بچرخد و هنوز تعداد اندکی از مردان با موضوع نابرابری های جنسیتی دست و پنجه نرم می کنند و هنوز مردان به اندازه لازم و کافی ایفاگر نقش اساسی خود در تحقق برابری جنسیتی نشده اند. تبعیضها و شکاف های جنسیتی که در سراسر جهان زندگی زنان را روزانه متأثر می سازد شاهدهی بر این مدعاست که دستیابی به برابری جنسیتی نیازمند همیاری، تعامل، همفکری، همت و اراده زنان و مردان است و زنان به تنهایی قادر نیستند به نابرابری های جنسیتی خاتمه دهند.

قبل از هر چیز باید گفت که مردان، بخشی از مشکل و در عین حال بخشی از راه حل این مسئله به شمار می روند. به گفته مایکل فلاو، استاد دانشگاه ملی استرالیا در رشته زنان و مطالعات جنسیتی، هر وجهی از نابرابری

اینکه برفی برابری جنسیتی را با برابری جنسی یکی پنداشته و القا می کنند که در صورت تمقق برابری زن و مرد، تفاوت های آنان نادیده گرفته شده و زنان "مثل و مشابه" مردان خواهند شد، غالباً برداشت درستی از موضوع ندارند.

جنسیتی را در نظر بگیریم - از قبیل خشونت علیه زنان، نابرابری در زمینه قدرت سیاسی، تقسیم کار زنان و مردان به دو صورت بی مزد و بامزد و تصورات فرهنگی ظالمانه و بی ارزش کننده درباره زنان - بخشی از مشکل مربوط به رفتارها، نگرشها، شناختها و روابط مردانه است، بخشی که این نابرابری ها را شکل می دهد و موجب تداوم آنها می شود.

به همین جهت مردان لزوماً بخشی از راه حل قضیه نیز به حساب می آیند. اگر مردان تغییر نکنند نمی توان انتظار داشت که طرح عدالت جنسیتی نیز تحقق پیدا کند. لذا شرکت دادن مردان در جنبش هایی که هدف عدالت جنسیتی را دنبال می کنند، از اقدام های عملی و پسندیده - بلکه ضروری و لازم - است. مردان نشان داده اند که می توانند از عدالت جنسیتی چه در زندگی شخصی و چه در فعالیت های سازمان یافته حمایت کنند.

نمونه کاملاً آشنا عمل گرایی مردان علیه خشونت جنس مذکر است که در استرالیا ابتدا توسط "مردان مخالف حمله جنسی" به اجرا درآمد. همچنین تعداد اندکی از مردان، برنامه های فمینیستی و حمایت کننده از این جنبش را در مواردی از قبیل بهداشت مردان، تحصیلات پسران و وظایف پدری گنجانیده و بکار گرفته اند. حمایت عمومی و سازمان یافته مردان از عدالت جنسیتی در تاریخ نیز سابقه داشته است. (حمایت گروهی از مردان در قرون هیجده و نوزده از حق رأی زنان و برابری آنان با مردان) در مقیاس گسترده تر، یکی از دستاوردهای عمل گرایی مردان طرفدار جنبش فمینیسم تشکیل گروههای ضد خشونت بوده است که برای مثال از سوی برخی نهادها، از جمله سازمان ملی مردان مخالف سکس گرایی در آمریکا، شبکه اروپایی مردان طرفدار فمینیسم و مردان متحول کننده شبکه در بریتانیا صورت گرفته است.

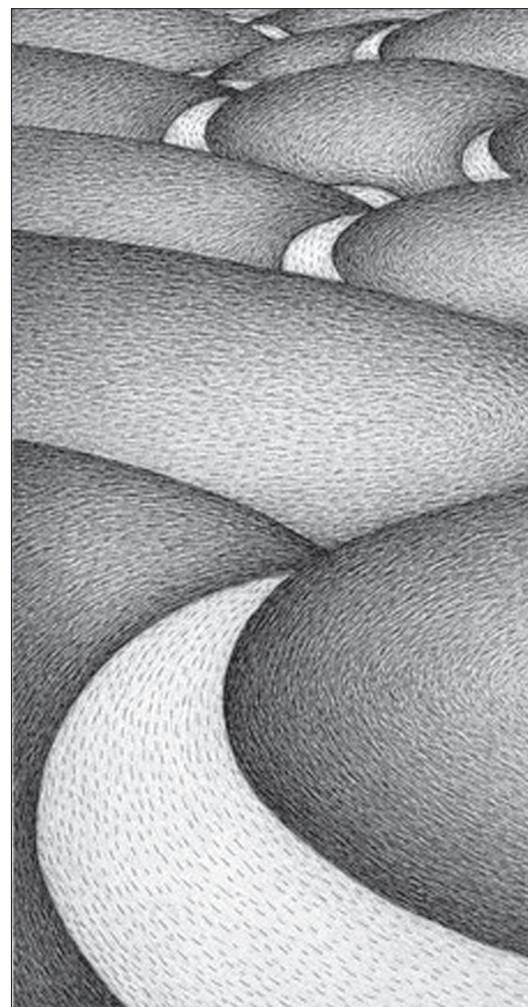
اگرچه هر روزه افراد بیشتری به برخی

جریانها و مبارزه ها از جمله "مبارزه یقه سفیدها" می پیوندند، اما باید هشدار داد هنوز تعداد مردانی که به طور مستقیم در اقدام های مربوطه و عمل گرایی مردان طرفدار حقوق زنان شرکت می کنند چندان زیاد نیست. به نظر وی عامل برانگیختگی مردان در هر حالتی بیشتر به موارد مورد علاقه شان برمی گردد تا اموری که با برتری های جنسیتی نسبتی دارد. برخی از مردان به واسطه وفاداری خود و روابط نزدیکی که با یک زن دارند، از جمله مادر، همسر، دوست، خواهر یا دختر به درک درستی از آن بی عدالتی که در حق زنان روا می شود و آنان را عذاب می دهد، نائل می آیند و ضرورت دست زدن به اقدامی را در این رابطه احساس می کنند. گروهی دیگر از مردان حمایتشان را به اشکال مختلف در محدوده فعالیت های اصولی سیاسی صورت می دهند که از جمله می توان به عدالت اقتصادی، صلح طلبی، مباحث مربوط به طرح سبز یا سیاست های غیر عادی اشاره کرد. عده ای نیز با مواردی کلنجار می روند که با تجربه های خود آنان از خشونت و سوءاستفاده جنسی از مردان و در مواردی زنان، البته در هیئت کودک یا نوجوان ارتباط دارد. اعتماد، عشق، احترام و شوهر و پدری خوب بودن، تمایل هایی است که مردان دارند و در زمره راهکارها و منابع دیگر قرار می گیرند.

۴- اگر نابرابری های جنسیتی از میان برداشته شود آیا دستاوردی نیز نصیب مردان می شود؟

مایکل فلاو در پاسخ به این سؤال معتقد است که در این صورت این امکان در اختیار مردان قرار می گیرد که از دست نوعی زندگی خاص رهایی یابند، یعنی یک زندگی سرشار از خشونت، جدایی، رقابت آزاردهنده، سرکوب احساسی و عدم سلامت جسمانی. مردان باید از امتیازات ناعادلانه خود دست بشویند اما قطعاً این اتفاق در بیرون از محدوده جهانی پدرسالارانه بهایی ناچیز است در مقابل بستن پیمانی با زنان و کودکان برای ایجاد اعتماد و صداقت بیشتر و هم چنین برقراری روابط عادلانه و لذت بخش با آنها. اگر قرار است تحقق برابری جنسیتی با مشارکت مؤثر مردان همراه باشد آنها ناگزیرند این برنامه را با مشارکت مستقیم زنان انجام دهند.

شالوده اصلی توجه مردان به مبحث عدالت جنسیتی، مشارکت و اتحاد دو جانبه میان هر دو جنس زن و مرد است. زنان و مردان در این مسیر با یکدیگر همراه هستند و بازسازی رفتار جنسیتی نیازمند اقدام ها و فعالیت های مشترک



پاداش‌ها برای کار و برابری دسترسی به سرمایه انسانی و دیگر منابع تولیدی که فرصت‌ها را ایجاد می‌کند) و برابری تأثیرگذاری (توانایی تأثیرگذاران و کمک کردن به فرآیند توسعه) تعریف می‌کنند.

طبق این تعریف به دو دلیل برابری جنسیتی براساس برابری نتایج مطرح نمی‌شود: نخست - فرهنگها و جوامع گوناگون می‌توانند از راههای متفاوتی برای پیگیری برابری جنسیتی حرکت کنند و دوم - برابری بر این دلالت دارد که زنان و مردان مختارند تا نقش‌های متفاوت (یا مشابه) و نتایج متفاوت (یا مشابه) را مطابق با تمایلات و اهداف خود برگزینند.

از نظر بسیاری از صاحب‌نظران در جهان، جنسیت یک موضوع مربوط به کارآمدی توسعه است، نه فقط موضوعی در ارتباط با اصلاح سیاسی یا مهربانی نسبت به زنان. شواهد نشان می‌دهد که هرگاه زنان و مردان به طور نسبی برابر باشند، اقتصاد اغلب سریعتر رشد می‌کند، تهیدستان سریعتر از فقر نجات پیدا می‌کنند و رفاه مردان و زنان و کودکان تقویت می‌شود.

چندین گزارش مهم بانک جهانی شواهد مستحکم تجربی ارائه می‌کند که تقسیم کار مبتنی بر جنسیت و نابرابری‌هایی که این تقسیم کار ایجاد می‌کند در بلندمدت و کوتاه مدت به توسعه و رشد اقتصادی کمتر و کاهش آهسته‌تر فقر منجر می‌شود، هم‌چنین ناکارآمدی‌هایی را در خصوص کار در خانوار و اقتصاد به طور کلی ایجاد می‌کند. این یافته‌ها آشکار می‌کند که مسائل جنسیتی یک بعد مهم نبرد جهانی علیه فقر است. ارتقای برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان به عنوان شیوه‌ای کارآمد و پیش‌شرطی برای مبارزه با فقر، گرسنگی و بیماری و غلبه بر آن توسط سند توسعه هزاره قلمداد شده است و به طور کلی مسایل جنسیتی برای دستیابی به هشت هدف توسعه هزاره اهمیت حیاتی دارند.

گزارش کمیسیون اجتماعی و اقتصادی سازمان ملل برای آسیا و اقیانوسیه خاطر نشان می‌سازد که تبعیض جنسیتی در این منطقه از طریق ایجاد محدودیت شغلی برای زنان سالانه ۴۲ تا ۴۷ میلیارد دلار زیان به بار می‌آورد.

۲- نابرابریهای فراوان جنسیتی که امروزه در حقوق اساسی بشر، در منابع، فرصت‌های اقتصادی و سهم سیاسی به رغم دستاوردهای اخیر شایع است چه هزینه‌هایی دارد و آیا این هزینه‌ها صرفاً به زنان و دختران بار می‌شود؟
در اصل نابرابریهای جنسیتی مانع توسعه

شواهد نشان می‌دهد که هرگاه زنان و مردان به طور نسبی برابر باشند، اقتصاد اغلب سریعتر رشد می‌کند، تهیدستان سریعتر از فقر نجات پیدا می‌کنند و رفاه مردان و زنان و کودکان تقویت می‌شود.

می‌شوند و برای داشتن جهانی عاری از فقر باید به تلاشهایی برای رفع این نابرابریها دست زد. اینگونه نابرابری‌ها در حقوق اساسی، آموزش‌های ابتدایی و متوسطه، اعتبار مالی و شغلی یاد توانایی مشارکت در زندگی عمومی هرچند بیشترین هزینه مستقیم خود را برای زنان و دختران به بار می‌آورند، هزینه‌های کامل نابرابری جنسیتی در نهایت به همه افراد جامعه آسیب می‌زند. نادیده گرفتن نابرابری‌های جنسیتی هزینه‌های بسیاری برای رفاه مردم و توانایی کشورها در دستیابی به رشد ملموس، زمامداری کارآمد و نیز کاهش فقر دربر دارد. آثار و هزینه‌های نابرابری جنسیتی در سراسر جهان به اشکال گوناگون احساس می‌شود.

تبعیض علیه بخش‌هایی از جمعیت یک کشور بر اساس نژاد، جنسیت، قومیت یا خاستگاه دینی بر محیط اجتماعی کلی کشور تأثیر می‌گذارد و چشم‌اندازهای توسعه، حکمرانی خوب و کارآمدی نهادهای جامعه را کاهش می‌دهد. مطالعات نشان می‌دهد که دربرگیرندگی و تنوع دیدگاهها تصمیم‌گیری درباره تخصیص منابع را بهبود می‌بخشد..... امروزه نابرابری جنسیتی (به معنی دسترسی نابرابر به فرصت‌ها و امنیت برای زنان و دختران) به مسئله‌ای مهم و آشکار برای اقتصاد کشورهای در حال توسعه به ویژه منطقه خاورمیانه تبدیل شده است.

درواقع مسئله برابری جنسیتی اغلب از زاویه اجتماعی، مردم‌شناختی یا سیاسی بررسی می‌شود، اما هزینه‌های نابرابری اغلب در سطح اقتصادی نیز جلوه‌گر می‌شود. درواقع ضرورت اقتصادی نیز استفاده بیشتر از ظرفیت اقتصادی زنان را برای کمک به روند توسعه پایدار در کشورهای در حال توسعه الزامی می‌کند. به این ترتیب آشکار می‌شود که از دیدگاه کارگزاران جهانی و صاحب‌نظران امور توسعه در سطح جهان، مسایل زنان در اصل به کل جامعه مربوط می‌شود و جدا از منافع خود زنان در پیگیری مسایل و حقوق خویش، کلیت جامعه نیز در اینجا علایق شگرفی دارد که

برنامه‌ریزان توسعه را وادار می‌کند در این زمینه درگیر شوند.

از یک سو برای تضمین بهتر پویایی جامعه باید از توانمندیها و ظرفیتهای نیمی از پیکره آن به خوبی بهره‌جست و از سوی دیگر شناخت و پیگیری مسایل زنان برای کل جامعه اهمیت دارد. به این دلایل هیچ‌گاه مسایل زنان، انجام مطالعات مربوط به زنان و نیز دفاع از حقوق زنان فقط به خود آنان مربوط نمی‌شود.

۳- آیا مردان در تحقق برابری جنسیتی نقش دارند؟ چه نقش‌هایی بر عهده آنان است؟

شاید در بدو امر به ذهن خطور کند که امروزه اوضاع نسبت به دهه‌ها و سده‌های قبل خیلی تغییر کرده است و مردان در مقایسه با پدران و نیاکان خود بینش گسترده‌تری پیدا کرده و بسیار از آنان از اعتماد و احترام بیشتر و همچنین حقوق مساوی در روابط خود با همسران و شرکای زندگیشان خشنود هستند و از ایجاد روابط گسترده‌تر با دوستان زن و مرد و پرداختن به وظایف پدری در قبال کودکان خود لذت می‌برند و نیز حمایت مردان از کارکردن زنان در بیرون از محیط خانه روز به روز افزایش یافته است و مردان جوان مسئولیت بیشتری در قبال تنظیم خانواده و زادآوری احساس می‌کنند و نشانه‌هایی از کاهش توافق مردان با باورهای



سطح بین‌المللی را تشکیل می‌دهد.

بند ۵۸-اراده و تعهد سیاسی در همه سطوح امری حیاتی در تضمین جاری‌سازی دورنمای جنسیتی در روند اتخاذ و اجرای سیاستهای جامع و عملی در همه حوزه‌ها می‌باشد. وجود این تعهدات در سیاست‌های مذکور از اهمیت زیادی در گسترش بیشتر چارچوب لازم برای تضمین دسترسی برابر زنان به منابع اقتصادی و مالی و کنترل بر آنها، آموزش، خدمات و نهادها و نیز مشارکت آنان در تصمیم‌سازی و مدیریت برخوردار می‌باشد. فرآیند سیاست‌گذاری مستلزم همکاری زنان و مردان در همه سطوح است. علاوه بر این مشارکت فعال مردان و پسران و تشویق آنان به شرکت در کلیه تلاشها برای دستیابی به اهداف کارپایه عمل‌پکن و تحقق آن ضرورت دارد.

بند ۶۰- زنان نقش مهمی در خانواده برعهده دارند. خانواده واحد اساسی جامعه و نیروی قدرتمندی برای انسجام و یکپارچگی اجتماعی به شمار می‌رود و بدین جهت لازم است که تقویت گردد. حمایت ناکافی از زنان و حمایت ناکافی از خانواده‌های آنان بر کل جامعه اثر گذاشته و تلاشهای انجام شده برای دستیابی به تساوی جنسیتی را تضعیف می‌سازد..... سهم اجتماعی و اقتصادی زنان در تأمین رفاه خانواده و اهمیت اجتماعی نقش مادری و پدری افراد کماکان مورد توجه کافی قرار نمی‌گیرد. نقشهای مادری و پدری والدین و قییم‌های قانونی در خانواده و در پرورش کودکان و اهمیت نقش همه اعضای خانواده در رفاه و سلامت آن امری شناخته شده است و نباید مبنایی برای اعمال تبعیض قرار گیرد..... به منظور دستیابی به همکاری کامل در هر دو عرصه عمومی و خصوصی، لازم است که زنان و مردان توانایی منطبق ساختن خود و تقسیم برابر مسئولیتهای شغلی و خانوادگی را کسب نمایند.

بند ۲-۸۲- تشویق برنامه‌هایی برای تواناسازی زنان و مردان در زمینه انطباق مسئولیتهای شغلی و خانوادگی خود و تشویق مردان به مشارکت

راه برابری جنسیتی از درون خانواده آغاز می‌شود و زن و شوهر به عنوان شرکای برابر با تمرین آن و انتقال آن به فرزندان خود، ادامه مسیر را در جامعه هموار می‌کنند.



اجتماعی پائین‌تر و در نتیجه دلگرمی اندک برای ایجاد آشتی بین مسئولیتهای شغلی و خانوادگی شده است. فقدان سیاست‌های دوستدار خانواده در سازمان کار این مشکلات را افزایش می‌دهد. میزان اجرای مؤثر قوانین و نظام‌های عملی حمایتی همچنان ناکافی است. تا زمانی که مردان مشارکت کافی در انجام وظایف و مسئولیت‌ها نداشته باشند اختلاط کار بی‌مزد و مسئولیت مراقبت از کودکان در خانواده‌ها و جوامع همچنان باعث ایجاد فشار نامتناسب کار بر زنان می‌شود. هنوز زنانی وجود دارند که بخش بیشتر کار بی‌مزد را انجام می‌دهند.

بند ۵۱- تجربه نشان داده است که دستیابی کامل به هدف تساوی جنسیتی تنها در قالب تجدید رابطه میان ذینفعان مختلف در همه سطوح میسر می‌شود. مشارکت کامل و مؤثر زنان بر پایه تساوی در همه عرصه‌های جامعه امری ضروری در کمک به تحقق این هدف به شمار می‌آید.

بند ۵۲- دستیابی به تساوی جنسیتی و توانمندسازی زنان مستلزم جبران نابرابریهای موجود میان زنان و مردان و دختران و پسران و هم‌چنین تضمین حقوق، مسئولیتهای، فرصتها و امکانات برابر آنان می‌باشد. تساوی جنسیتی بر این امر دلالت دارد که نیازها، منافع، تجارب و اولویتهای زنان و مردان یکی از ابعاد اصلی طراحی، اجرا، نظارت ملی و پیگیری و ارزیابی کلیه اقدامات در همه حوزه‌ها، از جمله در

(د) تمهید خط‌مشی‌هایی، از جمله در آموزش در راستای تغییر نگرش‌هایی که تقسیم کار بر مبنای جنسیت را تقویت می‌کنند و از این طریق ارتقای مفهوم تقسیم مسئولیت خانوادگی در مورد کار در خانه و بویژه در خصوص مراقبت از کودکان و سالمندان.

بند ۱۸۰- (ب) طرح و تأمین برنامه‌های آموزش از طریق رسانه‌های گروهی و مدارس جهت ارتقای آگاهی از برابری جنسیتی و نقشهای جنسیتی غیر کلیشه‌ای زنان و مردان در درون خانواده، تأمین خدمات و تسهیلات حمایتی مانند مراقبت از کودکان در محل کار و ترتیبات کاری انعطاف‌پذیر.

در سند پکن + ۵ که پنج سال بعد از برگزاری چهارمین کنفرانس جهانی زن در بیست و سومین نشست ویژه مجمع عمومی تحت عنوان، "زنان ۲۰۰۰: تساوی جنسیتی، توسعه و صلح برای قرن بیست و یکم"، در ژوئن ۲۰۰۰ در نیویورک به تصویب رسید نیز مواردی در این خصوص به چشم می‌خورد، از جمله: در بند ۲۱ که به موانع حوزه بحرانی زنان و اقتصاد اختصاص دارد، آمده است: پیشرفت حرفه‌ای زنان در اغلب موارد به سبب فقدان ساختارها و اقداماتی که برای مسئولیت‌های مادری و خانوادگی اهمیت قائل شود، همچنان دشوارتر از مردان است. در برخی موارد کلیشه‌های دیرپای جنسیتی منجر به قرار گرفتن مردان کارگر در موقعیت

و دو جانبه است.

مشارکت مردان با زنان یک نمونه ارزنده و الهام بخش در همکاری های مشترک است و مشکلی از عمل گرایی است که در همه جا گسترش می یابد و نابرابری های جنسیتی را دگرگون کرده و از میان می برد. اینگونه مردان با زنان و سازمانهای خاص آنان همکاری نزدیک دارند و فعالیت های خود را هم سو با آنها پیش می برند. آنان با گروه های مختلف زنان مشورت می کنند، به خاطر تأمین سرمایه و منابع دیگر به رقابت بر نمی خیزند و زمینه ساز ایجاد رشته های محکمی از ارتباط و اعتماد هستند.

۵- چه واکنش هایی در قبال حضور مردان در مسایل مربوط به جنسیت ممکن است بوجود آید؟

به نظر مایکل فلاد واکنش های مختلف در قبال حضور مردان در مسایل مربوط به جنسیت به واسطه امتیازهای نظامهای پدرسالارانه ممکن است ایجاد شود: اولین امتیاز آن است که توجه و علاقه رسانه ها به گروههای مختلف مردان نسبت به همان گروه ها در میان زنان بیشتر است که دلیل عمده آن مشروعیت فرهنگی و جایگاهی است که به حرفهای مردان داده می شود. دومین امتیاز آن است که مردان به واسطه اعمال خود در زمینه عدالت جنسیتی شایسته تحسین دانسته می شوند (بوئزه از سوی زنان) که اغلب تناسبی با تلاش های آنان ندارد و از حد آن بسیار فراتر می رود. هرگونه اقدام مثبت مردان ممکن است مورد تقدیر و تحسین قرار گیرد وقتی که نسبت به بی تفاوتی مردان دیگر سنجیده می شود. سومین امتیاز - مردان از این توانایی برخوردارند که به منظور جذب برخی از حمایتها و سرمایه ها که به ندرت به زنان اعطا می شود، حقوق قانونی موجود را به خدمت گیرند. البته این مورد را می توان به صورت امتیاز راهبردی نیز درآورد.

۶- آیا اسناد و مجامع بین المللی نقشی برای مردان و پسران در تحقق برابری جنسیتی قائلند؟

دستیابی به برابری جنسیتی نیازمند همیاری، تعامل، همفکری، همت و اراده زنان و مردان است و زنان به تنهایی قادر نیستند به نابرابری های جنسیتی خاتمه دهند.



ظهور برسانند تعهدی که الهام بخش نسل نوینی از زنان و مردان بشود تا به خاطر جامعه ای عادلانه تر به همکاری با یکدیگر برخیزند.

بند ۱۰۷-

ج) ترغیب مردان به مشارکت برابر در مراقبت از کودکان و کار خانواده و تقبل سهمی که بابت حمایت مالی خانواده هایشان باید بپردازند حتی در مواردی که با آنها زندگی نمی کنند؛

د) تقویت قوانین، اصلاح نهادها و پیشبرد هنجارها و رویه هایی که تبعیض علیه زنان را از میان برمی دارند و زنان و مردان هر دو را ترغیب می کنند در قبال رفتار جنسی و زادآوری خود مسئولیت پذیر باشند.

بند ۱۰۸-

ه)..... تسهیل پیشبرد برنامه هایی که به مردان آموزش دهد و آنان را قادر سازد به منظور پیشگیری از ایدز و دیگر بیماریهایی که انتقالشان از طریق دستگاه جنسی است، مسئولیت های خود را در این زمینه پذیرا شوند.

بند ۱۷۹-

ج) تضمین وجود فرصت هایی برای زنان و مردان از طریق قوانین، انگیزه ها و یا ترغیب آنان در این راستا که با محفوظ بودن شغل خود از مرخصی ویژه والدین استفاده نمایند و مزایای ویژه والدین را دریافت کنند، ارتقای تقسیم برابر مسئولیت های خانواده میان زنان و مردان، از جمله از طریق قوانین، انگیزه ها و یا ترغیب مقتضی؛

موضوع مشارکت مردان با زنان در دستیابی به برابری جنسیتی و نقش آنان در این رابطه از نظر اسناد بین المللی و فعالیت های دیگر مجامع بین المللی نیز مورد غفلت واقع نشده است: در **اعلامیه پکن** که مصوب چهارمین کنفرانس جهانی زن در سال ۱۹۹۵ است به توصیه هایی برمی خوریم که می تواند با مبحث مورد نظر گره بخورد و در این چارچوب به کار گرفته شود، از جمله:

بند ۱۵- حقوق، فرصت ها و دسترسی برابر به منابع، تسهیم برابر مسئولیت های خانواده میان مردان و زنان و مشارکت هماهنگ آنان در تحقق رفاه خود و خانواده هایشان و نیز در تحکیم دموکراسی اموری خطیرند.

بند ۱۶- امحای فقر بر اساس رشد اقتصادی پایدار، توسعه اجتماعی، حفظ محیط زیست و عدالت اجتماعی مستلزم مداخله زنان در توسعه اقتصادی و اجتماعی، فرصت های برابر و مشارکت کامل و برابر زنان و مردان به عنوان کارگزاران و بهره برداران توسعه پاینده و مردم مدار است.

بند ۲۵- ترغیب مردان تا در کلیه اقداماتی که در جهت برابری زن و مرد به عمل می آید، مشارکت کامل داشته باشند.

در **کارپایه عمل پکن** که به همراه اعلامیه فوق الذکر در آن کنفرانس تصویب شده است، از جمله اشاره شده است:

بند ۴۰- امر خطیر برای جامعه بین المللی آن است که از خود تعهدی نو نسبت به آینده به

گفت و گو با خانم رقیه حاتمی پور فرشی

درهای توريسم به روی زنان گشوده می شود

لاله راستگار

Laleh.rastgar@gmail.com

رقیه حاتمی پور فرشی، بنیانگذار و مدیر عامل آژانس مسافرتی فلامینگو و شرکت سرمایه گذاری فلامینگو، پس از پایان تحصیلات متوسطه در سال ۱۳۵۹، به دلیل همزمان شدن با انقلاب فرهنگی، بلافاصله وارد بازار کار شد. او فعالیت اجتماعی خود را از شهر زادگاهش، تبریز آغاز کرد و ابتدا در سمت کارشناس پروژه ها در سازمان مسکن و شهر سازی استان آذربایجان شرقی، به عنوان تنها پست دولتی خویش، به مدت یک سال و نیم مشغول به کار شد. با این حال وی از شغل بعدی خویش، در یک شرکت خصوصی عمرانی، که در آن پنج درصد سهام شرکت را به وی واگذار کرده بودند، به عنوان اولین گام در جهت تثبیت جایگاه اجتماعی خویش نام می برد. وی پس از اتمام فعالیت آن شرکت در سال ۶۴ به تهران آمد و رشته نساجی را انتخاب کرد. با وجود ایده های خوب، شرایط نامناسب صنعت نساجی کشور وی را ناگزیر به ترک این رشته کرد. او با وجود داشتن همسر و دو فرزند در سال ۱۳۷۰ به ادامه تحصیل در رشته مدیریت بازرگانی پرداخت و هم اکنون در رشته مدیریت گردشگری مشغول به تحصیل می باشد. وی در حال حاضر عضو هیئت مدیره و خزانه دار انجمن صنفی دفاتر سفر و گردشگری استان تهران، رئیس کمیسیون گردشگری اتاق بازرگانی ایران و ایتالیا، عضو هیئت موسس تشکل بانوان کار آفرین در امر تجارت، دارای کارت بازرگانی از اتاق بازرگانی و صنایع و معادن، عضو اتاقهای بازرگانی و صنایع ایران و ایتالیا، ایران و فرانسه، ایران و استرالیا، ایران و چین و ایران و روسیه می باشد. در سال ۱۳۷۳ وی به همراه همسرش، شرکتی را در کشور امارات متحده عربی جهت ارائه خدمات توریستی و بازرگانی در مناطق آزاد به نام فلامینگو تاسیس کردند. وی از این شرکت و تجربه ای که از چگونگی روند و گسترش صنعت توریسم در کشور امارات متحده عربی به دست آورده است، به عنوان نقطه شروع فعالیت آژانس مسافرتی فلامینگو یاد می کند. از آغاز فعالیت آژانس مسافرتی فلامینگو، سال ۱۳۷۸، تاکنون این سازمان روند رو به رشد بسیار خوبی داشته است. وی نمونه ای از مدیریت موفق زنان در عرصه اقتصادی است. گفتگوی ما در محل دفتر آژانس انجام شد که تقریباً تمامی کارمندان آن را زنان تشکیل می دهند. محیطی صمیمی، کارمندانی خوشرو و مدیری با مشغله های بسیار.

کنار بزنند و در سطوح مدیریتی جامعه حضور پیدا کنند. ان شاء الله آقایان هم بدون نظر گرفتن جنسیت آن را پذیرا خواهند بود.

گاهی عنوان می شود که حضور زنان در پستهای مدیریتی صوری است نه واقعی. خصوصاً در حوزه اقتصاد و تجارت که معمولاً در جامعه ما مختص مردان تلقی می شود. نظر شما چیست؟

نخست باید بگویم که من این موضوع را در حوزه کار خودم کاملاً تکذیب می کنم. هرگاه من کاری را طراحی کرده ام با مشکلاتی هم روبرو بوده ام. اما تا به حال موقعیتی پیش نیامده که کسی به من

هستند نمی شود. در حال حاضر پتانسیل عظیمی در میان زنان ما وجود دارد. به عنوان مثال آمار قبولی زنان در دانشگاه هارتمی بالای ۶۳ درصد کل شرکت کنندگان را تشکیل می دهد. این نشان می دهد که زنان ما هم علاقمند هستند و هم توانمند. اما گاهی به دلیل مشغله های خانگی و احساس مسئولیت برای امور همسر داری و فرزند داری فرصت کافی برای حضور در بازار کار پیدا نمی کنند. البته من نمی گویم که فضا برای کار زنان خیلی مناسب است. اما زنان باید سعی کنند موانع و مشکلات را با همت و قابلیت خویش

به عنوان شروع، شما میزان مشارکت زنان در فعالیتهای اقتصادی و میزان اثر گذاری زنان در لایه های مدیریتی اقتصاد کشور را چگونه می بینید؟

متأسفانه میزان مشارکت زنان در لایه های مدیریت تخصصی اقتصادی بسیار کم است. مطابق آماري که من از طریق یک سری سایتهای اینترنتی به دست آورده ام، عددی یک رقمی، در حدود ۷/۳ درصد را تشکیل می دهد. که البته این آمار از میان زنان شاغل جامعه گرفته شده است و شامل آن خیل عظیمی از زنان که خانه نشین

برابر در مسئولیت های خانوار و مراقبت از کودکان.

بند ۳-۸۲- تدوین یا تقویت سیاستها و برنامه هایی برای حمایت از نقشهای چندگانه زنان در زمینه کمک به رفاه خانواده در اشکال مختلف آن به نحوی که اهمیت اجتماعی نقش مادری و مادر بودن، تربیت فرزندان، نقش والدین و قیم های قانونی در پرورش کودکان و مراقبت از سایر اعضای خانواده را مورد تأیید قرار می دهد. سیاستها و برنامه های فوق بایستی مشوق تقسیم مسئولیت های والدین، زنان و مردان کل جامعه در این زمینه باشند.

بند ۴-۸۲- طراحی، اجرا و تشویق سیاستها و خدمات دوستدار خانواده از جمله خدمات مراقبتی قابل دسترس، کیفی و متناسب با توان مالی خانواده برای کودکان و سایر وابستگان، طرحهای مربوط به مرخصی والدین و طرحهای دیگر در این خصوص و فعالیت در جهت حساس سازی افکار عمومی و سایر بازیگران ذیربط نسبت به امر تقسیم برابر مسئولیت های شغلی و خانوادگی بین زنان و مردان.

بند ۱۰-۸۲- تدوین سیاستها و اجرای برنامه هایی بویژه برای مردان و پسران در زمینه تغییر نگرشها و رفتارهای کلیشه ای در مورد نقش ها و مسئولیت های جنسیتی به منظور تشویق تساوی جنسیتی و نگرشها و رفتارهای مثبت.

بند ۱۱-۸۲- تقویت فعالیت ها در زمینه ایجاد آگاهی جنسیتی و آموزش تساوی جنسیتی میان زنان و مردان، دختران و پسران با هدف از بین بردن تداوم کلیشه های زیان بخش

بند ۶ (اعلامیه سیاسی مصوب اجلاس ویژه)- تأکید بر ضرورت مشارکت مردان و پذیرش مسئولیت مشترک با زنان در زمینه ارتقای تساوی جنسیتی

بند ۱۰ (اعلامیه سیاسی مصوب اجلاس ویژه)- اعلام تعهد نسبت به تضمین تحقق جوامعی که در آن شاهد فعالیت زنان و مردان در کنار یکدیگر در جهت ساختن دنیایی که همه افراد قادر به برخورداری از تساوی، توسعه و صلح در قرن بیست و یکم باشند.

افزون بر اسناد فوق الذکر در نشست جهانی توسعه اجتماعی (۱۹۹۵) و جلسه مروری بر آن (۲۰۰۰) و همینطور اجلاس ویژه مجمع عمومی در خصوص ایدز (۲۰۰۱) نیز بر نقش مردان و پسران در کسب برابری جنسیتی تأکید و اشاره شده است.

همچنین دستور کار چندین پانل و نشست گروه کارشناسی که قبل از اجلاس سالیانه

هیچ کس نباید به دلیل جنسیت از حق محروم یا مجبور به تبعیت از شیوه و سبک فاسی از زندگی بشود. مرف در پگونگی این تفاوت هاست.

کمیسیون مقام زن برگزار می شوند به این موضوع و از جمله چشم اندازهای آتی در مورد ارتقای برابری جنسیتی از منظر مردان و زنان جوان اختصاص یافته است و در پیشنهادات ارائه شده بر ضرورت مشارکت پسران و مردان در تلاش برای تحصیل برابری جنسیتی و اجرای کارپایه عمل و نتایج پکن +۵ و اینکه مردان و پسران باید نقش مهمی را در تخریب مردسالاری سنتی و شکل دادن انتظارات اجتماعی و فردی منصفانه تر در رابطه با نقش زنان و مردان ایفا کنند، تأکید شده است.

بدین ترتیب مردان با نقشهای چندگانه ای که در زمینه تحقق برابری جنسیتی برعهده دارند، از جایگاه ویژه ای در این روند برخوردارند و در صورت عدم مشارکت و همکاری آنان، اگر نگوییم این روند متوقف می شود، حداقل می توان ادعا کرد که دستیابی زنان به برابری جنسیتی و به تبع آن بهره مندی کل جامعه از این وضعیت با کندی و تأخیر مواجه خواهد شد و این دودی است که به چشم همگان خواهد رفت. نقش تعیین کننده مردان در کسب برابری جنسیتی و اهمیت و تأثیر حضور آنان در کنار زنان برای ساختن دنیایی که در آن عزت، فرصت و قدرت عادلانه تقسیم شود، امروزه دیگر کمتر مورد نفی و کتمان قرار می گیرد. این امر بویژه در جوامعی که تحقق عدالت اجتماعی که عدالت جنسیتی نیز شعبه و شاخه ای از آن است را وجهه همت خود قرار داده اند باید تأمل

برانگیز باشد، علی الخصوص جامعه ای که کتاب مقدسش بارها به خلقت انسانها از زن و مرد و از نفسی واحد و کرامت ذاتی بشر - اعم از زن و مرد - پرداخته است.

جان کلام اینکه راه برابری جنسیتی از درون خانواده آغاز می شود و زن و شوهر به عنوان شرکای برابر با تمرین آن و انتقال آن به فرزندان خود، ادامه مسیر را در جامعه هموار می کنند تا زن و مرد همپای هم - نه جلوتر و نه عقب تر از هم - و نه جدا از هم، در تحقق جهانی عاری از فقر، گرسنگی، بیماری و بی عدالتی گام بردارند و از تمامی توان و ظرفیت و شایستگی و استعدادها و خدادادی خود در سوق جوامع به سمت فلاح و آرامش و صلح بهره گیرند. آیا فلسفه خلقت چیزی غیر از این است؟

هیچ کس نباید به دلیل جنسیت از حق محروم یا مجبور به تبعیت از شیوه و سبک خاصی از زندگی بشود، حرف در چگونگی این تفاوت هاست. اینکه برخی برابری جنسیتی را با برابری جنسی یکی پنداشته و القامی کنند که در صورت تحقق برابری زن و مرد، تفاوت های آنان نادیده گرفته شده و زنان مثل و مشابه مردان خواهند شد، غالباً برداشت درستی از موضوع ندارند.

امروزه برابری جنسیتی مسئله محوری توسعه و به نوبه خود یکی از اهداف مهم آن در تمامی جوامع بشری است.

ارتقای برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان به عنوان شیوه ای کارآمد و پیش شرطی برای مبارزه با فقر، گرسنگی و بیماری و غلبه بر آن توسط سند توسعه هزاره قلمداد شده است.

مردان نشان داده اند که می توانند از عدالت جنسیتی چه در زندگی شخصی و چه در فعالیت های سازمان یافته حمایت کنند.

شالوده اصلی توجه مردان به مبحث عدالت جنسیتی، مشارکت و اتحاد دو جانبه میان هر دو جنس زن و مرد است.



تسهیلات خاصی را برای شرکت در این فعالیتها یا برگزاری آنها، برای زنان شاغل در این حرفه در نظر گرفته اند؟

شما من را به یاد موضوع مهمی انداختید. آژانس مسافرتی فلا مینگو، مبتکر تورهای مخصوص بانوان بوده است. زمانی که ما این طرح را به سازمان گردشگری، میراث فرهنگی و صنایع دستی ارائه دادیم، معاونت محترم سازمان، از این طرح بسیار حمایت کردند و باعث دلگرمی ما شدند. در مورد سایر فعالیتهایی که توسط زنان و یا در ارتباط با مسئله زنان در حوزه گردشگری اتفاق افتاده است، از طرف معاونت سازمان حمایت شده است. همانطور که می دانید سفر باعث تمدد اعصاب است و اگر خانم ها برنامه های مخصوص داشته باشند، تبعات مثبت آن را می توانیم در خانواده ببینیم.

جامعه ما یک جامعه مردانه است. نظر شما راجع به اینکه گفته می شود، مردان عرصه مشارکت اقتصادی را در اختیار گرفته و برای خویش حفظ کرده اند، چیست؟

من کاملاً تایید می کنم که جامعه ما یک جامعه مردانه است. علت اینکه گاهی فضا برای فعالیت زنان محدود است، اینست که آقایان فکر می کنند اگر زنان فعال شوند، عرصه بر ایشان تنگ می شود. عملکرد زنان، در محیط کار و در خانواده، خصوصاً در تربیت فرزندان، نقش مهمی در تغییر این دیدگاه در جامعه دارد. فرهنگ سازی باید از بطن خانواده آغاز شود. زنان باید فرزندانشان را طوری تربیت کنند که این دیدگاه سنتی در نسل آینده وجود نداشته باشد.

شما نقش مردان خانواده را در این مسئله چطور می بینید؟ آیا می توانند نقش مثبت ایفا کنند؟

صد در صد. اگر در خانواده همکاری وجود نداشته باشد، نه تمرکز کافی برای تولید فکر و اندیشه وجود خواهد داشت، نه آرامش برای اجرای آن. در شرایط کنونی، تشویق پدران و همسران می تواند در پیشبرد اهداف زنان بسیار مفید باشد.

از لحاظ قانونی، در زمینه کاری شما آیا قانون خاصی وجود دارد که شما را به دلیل زن بودن از کاری منع کند؟

متأسفانه زنان مجوز فعالیت در قالب مدیریت تورهای زیارتی را ندارند. البته می توانند یک مدیر مرد برای برگزاری تورهای زیارتی معرفی کنند. در سایر زمینه ها مثل تور گردانی یا برگزاری سمینارها و همایش های داخلی و بین المللی منع قانونی وجود ندارد. البته گاهی با اعمال سلیقه ها و شیطنت هایی در کارمان مواجه می شویم که آن هم با صبر، حوصله و درایت حل می شود.

سابقاً، زنان برای سفر کردن به اماکن مختلف، در مورد گرفتن هتل مشکل داشتند. آیا این مشکل

زنان باید از راه های قانونی و صمیمی که فعلاً در جامعه ما وجود دارد جایگاه خود را مشخص کنند و آن را از جامعه بخواهند وگرنه جامعه خود به خود چیزی را به آنها اعطا نخواهد کرد.

در حال حاضر هم وجود دارد؟

خیر. خوشبختانه به علت همکاری خوبی که نیروی انتظامی با حوزه گردشگری داشته، این مشکل حل شده است. زنان دیگر نیازی نیست که به اداره اماکن مراجعه کنند و صرفاً ارائه کارت شناسایی کافیتست.

زنان متاهل هم؟

بله. فقط اگر همراه همسرشان هستند، باید مدرکی دال بر همسر بودن همراهشان ارائه کنند.

اجازه سفر از طرف همسر برای زنان متاهل، چقدر بر کار شما و امکان مسافرت کردن زنان تاثیر منفی دارد؟

اینکه زنان متاهل با اجازه همسرشان می توانند مسافرت کنند، هم مسئله ای فرهنگی و هم مسئله ای قانونی است که ما اثراتش را روی تورهای بانوان دیدیم. تورهایی که مورد استقبال واقع می شوند، صرفاً تورهایی یکروزه و تورهایی زیارتی است. تورهایی چند روزه تفریحی اصلاً مورد استقبال واقع نمی شوند.

نظر شما راجع به میزان مشارکت اقتصادی زنان در ایران در مقایسه با سایر کشورهای جهان و کشورهای همسایه، خصوصاً کشورهای حوزه خلیج فارس چیست؟

پتانسیل ناشی از تمایل زنان به حضور در حوزه گردشگری، در کل منطقه، بسیار چشمگیر است. این مسئله خصوصاً در کنگره هایی که مادر قاهره، شارجه و امارات شرکت کردیم، بسیار چشمگیر بود. حمایت دولتمردان و نهادها، از نظر سطح برگزاری و در اختیار گذاشتن امکانات مالی و اجرایی و نیز از نظر حمایت معنوی که از زنان به عمل می آورند، بینظیر است. خصوصاً کشورهای حوزه خلیج فارس از این منظر بهره های تبلیغاتی، سیاسی و اقتصادی فراوانی برده اند. همه ساله همایش های گسترده ای با حضور نمایندگان از بانک جهانی، بانک اسلامی، اتحادیه عرب، سازمان ملل و سایر نهادهای بین المللی اسلامی و NGOها در این کشورها برگزار می شود.

یعنی در این کشورها فعالان حوزه گردشگری را به دلیل زن بودن هم حمایت می کنند؟

بله. در حال حاضر، زنان در جامعه جهانی در کانون توجهات خاص هستند. به طوریکه سازمان جهانی گردشگری شعار امسال را "درهای توریسم به روی زنان گشوده می شود" گذاشته است. این شعار انرژی زیادی را خانواده گردشگری زنان ایجاد کرده است. پیرو این قضیه در تمامی همایش هایی که در حوزه خلیج فارس صورت گرفته، گردشگری یکی از رشته های مطرح برای سرمایه گذاری می باشد.

به عنوان آخرین سوال، ضرورت حضور زنان در عرصه های مختلف اقتصادی را برای سیاست گذاران چگونه تبیین می کنید؟

برای زنان برنامه ریزی کنید. زنان ۵۰ درصد انرژی مفید جامعه را تشکیل می دهند. متعهد، متخصص و قابل اعتمادند. زنان می توانند بازو و همراه شما در تمام زمینه های اقتصادی از خرد تا کلان باشند.





بگوید کاری را انجام بده یا انجام نده یا حضورم در محیط کار مانند یک مجسمه حالت سمبلیک داشته باشد. حداقل اینست که من نپذیرفته ام. در مورد این مسئله به صورت عمومی باید عرض کنم که خیر، اینطور نیست. ما در حال حاضر زنان موفق داریم که در زمینه های مختلف مشغول مدیریت هستند. حتی پروژه های سختی مثل راه سازی و عمران. روزنامه جام جم به نقل از مدیرکل شیلات استان هرمزگان، در خبر آورده بود که اخیرا زنان وارد صنعت پرورش کروکودیل شده اند و مدیریت آن بر عهده یک خانم است. به هر حال این کار خشنی است. به نظر من زنان باید از راه های قانونی و صحیح که فعلا در جامعه ما وجود دارد جایگاه خود را مشخص کنند و آن را از جامعه بخواهند. وگرنه جامعه خود به خود چیزی را به آنها اعطا نخواهد کرد. ما باید مستقل عمل کنیم. من معتقد هستم آن دسته از زنانی که در جایگاه های مدیریتی و تصمیم گیری مشغول به کار هستند، با مشکلات سنگینی دست و پنجه نرم می کنند تا بتوانند جایگاه خود را حفظ کنند.

در حوزه اقتصاد خرد، مثل مشاغلی که زنان در قالب خانواده بر عهده می گیرند، یا گاهی در حوزه تعاونی ها که معمولا اعضای خانواده هم در آن شریک هستند، گاهی نقش زنان به عنوان یک عنصر فعال و تاثیر گذار در نظر گرفته نمی شود. یعنی توجیه اقتصادی برای آن منظور نمی شود. نظر شما چیست؟

ببینید، فقط ۱۳ درصد کل جمعیت زنان کشورمان، در حوزه های مختلف شاغل هستند.

که این رقم شامل کل حوزه دولتی، خصوصی، تعاونی ها و زنان سرپرست خانوار می شود که رقم پایینی است ولی کل این آمار، جمعیت فعال و تاثیر گذار هستند. جالب است بدانید، از کل آمار شاغلین شهر کرج، بیش از ۶۰ درصد را زنان تشکیل می دهند که اغلب آنها زنان سرپرست خانوار هستند. به همین دلیل، برای حمایت از زنانی که سرپرست خانوار هستند، طرح احداث شهرک صنعتی بانوان در کرج جزو برنامه های پیشنهادی دولت بوده است.

در جمع بندی شرایط موجود، جهت مشارکت اقتصادی زنان در جامعه، اولین مسئله ای که خودنمایی می کند، وضعیت آموزش و تعلیم و تربیت است. نظر شما راجع به کیفیت فعلی آموزش در کشور و تاثیر آن در ترغیب زنان برای ورود به عرصه تجارت و اقتصاد چیست؟

ما آموزش منسجم بر اساس استانداردهایی که بتواند آگاهی های اقتصادی و مهارتهای زندگی به زنان بدهد، نداریم. یا اگر هست دارای کیفیت نیست و سطح پایین است. متأسفانه معادلت کرده ایم مسائل را بدون در نظر گرفتن استانداردهای جهانی و آنطور که خودمان بلد هستیم انجام بدهیم. باید استانداردهای به اثبات رسیده دنیا را استفاده کرد. حتماً لازم نیست که اختراع را مجدداً اختراع کنیم. تنها کاری که باید بکنیم اینست که آن را با فرهنگ بومی خود تطبیق دهیم. من از مسئولین و برنامه

بیش از ۶۰ درصد از کل آمار شاغلین شهر کرج را زنان تشکیل می دهند که اغلب آنها زنان سرپرست خانوار هستند.

ریزان امور زنان خواهش می کنم اجازه ندهند برای تربیت نسل آینده، خصوصاً زنان و دختران، آموزشهای سطح پایین رواج پیدا کند. از آموزش های حرفه ای و استانداردهای جهانی منطبق بر فرهنگ بومی و خانوادگی ایران استفاده کنند. این امر می تواند به حل بسیاری از مسائل و مشکلات زنان در جامعه کمک کند. موانع حضور زنان در اقتصاد کشور نوعاً یک مسئله فرهنگی است. یعنی انتظار جامعه از زن که صرفاً خود را وقف خانواده کند. البته نباید مسائل مربوط به خانواده را به عنوان موانع فرهنگی نام برد. بلکه باید از جنبه های مثبت آن برای پیشبرد امور استفاده کرد. باید یک تعادلی بین تعهد اخلاقی انسان به خانواده و تعهد او به جامعه ایجاد کرد. اگر زنان دارای استقلال مالی، خود باوری و خود اشتغالی باشند، هرگز به جهت

مشکلات معیشتی دچار مسائل حیثیتی و بزهکاری نخواهند شد. زنی که خود کفا و خود اشتغال باشد، هرگز تمایلی ندارد به محیط های ناامن اجتماعی که به حیثیت و آبروی او لطمه می زند، وارد شود. فضای باز فعالیت اقتصادی برای زنان می تواند جایگزین راهکارهای خشن و ممانعت ها شود.

دولت در زمینه آموزش زنان برای ورود به عرصه های اقتصادی، برنامه هایی داشته است. به نظر شما چرا تا به حال نتیجه خوبی حاصل نشده است؟

اقدامات دولت باید صد در صد منسجم باشد. دولت باید با نهادهای زنان، انجمنها و NGO هایی که در این خصوص تشکیل شده همکاری تنگاتنگ داشته باشد. این آموزش ها باید ساماندهی شود. پراکنده عمل کردن این نهادها به تنهایی یا دولت به تنهایی، نتیجه کامل را در پی نخواهد داشت. بهترین کاری که دولت می تواند در این زمینه انجام دهد تقویت بخش خصوصی است.

مسئله بعدی، منابع مالی است. آیا نهادهایی مثل تالارهای بورس، بانکهای خصوصی یا نهادهایی که به نحوی در ارتباط با تجارت و صنعت هستند، تسهیلات خاصی را برای زنان در نظر گرفته اند؟

برای ورود به عرصه اقتصاد، داشتن منابع مالی از اهمیت بالایی برخوردار است. من زنان خوش فکر زیادی را دیده ام که به دلیل نداشتن سرمایه کافی، نتوانسته اند طرح یا کارگاهشان را راه اندازی کنند. دولت در این مورد می تواند مثل سایر کشورهای دنیا وارد عمل شود و حمایت خاص از زنان به عمل آورد. البته من از امور انجام شده در این زمینه توسط دولت یا سایر نهادهایی که فرمودید زیاد اطلاع ندارم چون تاکنون توسط سرمایه شخصی خودم کار کرده ام و هیچگونه کمک دولتی دریافت نکرده ام. فکر می کنم که دولت در قالب یکسری بنگاه های زود بازده یا توسط تعدادی از تعاونی ها کمک های کوچکی را در این زمینه انجام داده است. اگر کمک های بزرگی انجام شده است، از انسجام و چگونگی آنها اطلاع ندارم. برای کمک به زنان در زمینه مسائل مالی باید سیستمهای تعاونی ها را تقویت کرد و به پروژه هایی که توسط زنان ارائه می شود، توجه خاص مبذول داشت. معمولاً توانایی یک خانم برای اجرای طرح مورد نظرش، اشتغال زنان دیگر را در پی خواهد داشت که این مسئله خود، به حل مشکلات ناشی از بیکاری زنان منجر خواهد شد.

در حرفه شما شرکت در سمینارها و نمایشگاه های بین المللی و داخلی اهمیت زیادی دارد. آیا

بضاعت در ۳۷ هزار روستای بنگلادش جزو دریافت کنندگان وام از این بانک هستند. این بانک روزانه ۷۵ میلیون دلار، اقساط دریافت کنندگان وام را دریافت می کند. ۹۴ درصد از وام گیرندگان زنان هستند و بنابر آمار منتشره از سوی بانک ۹۸ درصد از وام ها به طور کامل به بانک بازگشته است که چنین امری در تاریخ بانکداری رکوردی بی نظیر محسوب می شود.

این بانک تاکنون ۵/۱ میلیون دلار وام به ۵۳ میلیون فقیر داده است و طی برنامه ای موسوم به برنامه افراد نیازمند به ۵۵۰۰ بی سرپناه کمک کرده است. بر اساس آمار بانک جهانی در سال ۱۹۹۷، ۷/۶ میلیون نفر در سرتاسر جهان از طریق اعتبارات خرد از فقر و فلاکت نجات یافته اند.

البته بانک گرامین برای تأمین بودجه و اعتبار خود به جذب سرمایه نیز نیازمند است. از جمله این اقدامات تأمین مالی بانک، «طرح گرامیفون» است که شرکت نروژی تیلینور نیز در آن مشارکت ۵۱ درصدی دارد. هدف این طرح اعطای امکانات مخابراتی به روستاهای دور دست کشورهای آسیایی و آفریقایی است. از اقدامات دیگر، طرحی به نام «گرامین دانون فود» است که از طریق مشارکت بانک گرامین با شرکت فرانسوی دنون اقدام به حمایت از تولید شیر خشک های ارزان قیمتی کردند که حاوی مواد مغذی و ویتامین برای معالجه کودکان فقیر مبتلا به کم خونی است.

روی صفحه اصلی سایت اختصاصی محمد یونس که به معرفی فعالیت ها و برنامه های وی اختصاص دارد چند عبارت به چشم می خورد از جمله این که: مردم فقیر به کمک های خیریه ای نیاز ندارند. وی معتقد است فقر مردم از تبلی یا حماقتشان نیست، بلکه به خاطر نداشتن یک حامی مالی هر چند کوچک است، فقر یک مشکل ساختاری است نه شخصی. همچنین به زعم وی فقر تهدیدی برای صلح است و بانک گرامین در طول ۳۰ سال فعالیت خود طی اتخاذ استراتژی اعتبارات خرد، با کاهش فقر توانسته است در ایجاد صلح نقش قابل توجهی را ایفا کند. او با این باور که حتی فقیرترین مردم هم انگیزه و خلاقیت لازم برای شروع تجارت های کوچک دارند، وام های کم مبلغ، در حد وام های ۱۲ دلاری را در اختیار مردم قرار داد. دریافت کنندگان وام، این پول ها را صرف کارهایی مثل خرید گاو شیره، خرید چوب بامبو برای ساخت چهارپایه، خرید کاموا برای بافتن شال و یا دیگر فعالیت های درآمدزا می کردند. محمد یونس و بانک وی دقیقاً برخلاف بانک های بزرگ جهان عمل کردند که فقط به فکر اعطای وام به ثروتمندان هستند و فقرا را از یاد برده اند. در واقع با تأسیس بانک گرامین محمد

تمرکز اصلی بانک گرامین بر روی فقیرترین قراست که در این میان زنان معمولاً بیشترین تعداد را به خود اختصاص می دهند. امروزه ۹۰ درصد وام گیرندگان بانک زنان هستند.

یونس توانست استراتژی اعتبارات خرد را به عنوان یکی از راه حل های موثر برای رفع فقر در دنیا ترویج دهد. اکنون پس از تجربه موفق بانک گرامین در اعطای اعتبارات خرد این استراتژی در ۵۸ کشور از جمله ایالات متحده، کانادا، فرانسه، هلند، نروژ و نیز بیشتر کشورهای آسیایی، آفریقایی و آمریکای جنوبی در حال اجرا است.

معمولاً اعطای اعتبارات خرد توسط بانک در چارچوب چند اولویت صورت می گیرد:

● تمرکز اصلی بر روی فقیرترین قراست که در این میان زنان معمولاً بیشترین تعداد را به خود اختصاص می دهند. بنابراین یکی از نقاط تمرکز کار زنان اند. ضمن این که در اعطای اعتبار معمولاً نیازهای اقتصادی، اجتماعی افراد فقیر در نظر گرفته می شود.

● وام گیرندگان معمولاً در گروه های هماهنگ سازمان دهی می شوند. از این طریق روحیه مشارکت و تعامل گروهی بین افراد هم افزایش می یابد. گروه های اولیه ۵ عضو دارند و در داخل مراکزی وارد می شوند که وابسته به بانک است. این مراکز فرصت تصمیم گیری و برنامه ریزی در مورد اعتبارات خرد را برای گروه فراهم می آورند. افرادی در این مراکز کار می کنند که برگزاری جلسات گروه ها را به طور مرتب برعهده دارند ضمن این که دقیقاً آشنا با محل و منطقه هستند.

● وام های مشروط که به طور خاص برای افراد فقیر در نظر گرفته می شوند. این وام ها معمولاً مقادیر کمی را در بر می گیرند و بدون ضمانت داده می شوند، بازپرداخت آنها به طور هفتگی در طول سال هم امکانپذیر است و معمولاً برای اجرای پروژه هایی است که در برخی فعالیت ها

هم اکنون پس از تجربه موفق بانک گرامین در اعطای اعتبارات خرد این استراتژی در ۵۸ کشور دنیا از جمله ایالات متحده، کانادا، فرانسه، هلند، نروژ و نیز بیشتر کشورهای آسیایی، آفریقایی و آمریکای جنوبی در حال اجرا است.

درآمدهای سریع ایجاد می کند. به علاوه انتخابی هستند و به افرادی داده می شود که صاحب یک مهارت یا حرفه خاص هستند. نظارت بر هزینه آن نیز توسط اعضای گروه و کارمندان بانک انجام می شود و...

● اجرای هماهنگ دستورالعمل های توسعه اجتماعی که نیازهای اساسی ارباب رجوع بانک را در نظر می گیرد. این امر در واقع به ۱۶ تصمیم کلیدی اشاره دارد که توسط بانک گرامین تهیه شده و سرلوحه عمل بانک و مشتریان وی قرار گرفته است. این ۱۶ تصمیم در بردارنده پیام ها و شعارهایی است که موضوعات آموزش، بهداشت، محیط زیست، مشارکت گروهی و... را در بردارد.

● گسترش اوراق عرضه تا نیازهای افراد فقیر را در بر بگیرد. این برنامه از جمله برنامه های جانبی بانک در کنار اعتبارات خرد است تا بتواند برخی از مشکلات اساسی مردم فقیر را تحت پوشش قرار دهد. به طور مثال اختصاص اعتبار برای تأمین آب لوله کشی و آب آشامیدنی سالم یا اختصاص اعتبار برای زراعت های فصلی از طریق خرید محصولات کشاورزی و...

۱۶ تصمیم کلیدی کدامند؟

بانک گرامین ۱۶ دستورالعمل کلیدی را سرلوحه کار خود و مشتریان قرار داده است که به شرح ذیل اند:



بانک داری برای فقرا

الهام راد

محمد یونس بعدها با توسعه این ایده در سال ۱۹۷۴ بانک گرامین را برای مبارزه با فقر تأسیس کرد. ایده تأسیس این بانک وقتی به سراغ او آمد که بنگلادش با قحطی و گرسنگی دست به گریبان بود. او در آن زمان به این نتیجه رسیده بود که می توان با اعطای وام های کوچک، کارهای بزرگی انجام داد که از عهده وام های بزرگ بر نمی آید.

در سال ۱۹۷۶، وقتی دانشجویان محمدیونس در دانشگاه چیتاگونگ و در جریان تحقیقات میدانی خود با زنی مصاحبه کردند که با چوب بامبو صندلی می ساخت، دریافتند که اگر به این زن وام اندکی برای خرید چوب بامبو داده شود قادر به ساخت هفته ای ۱۰ صندلی است که سود اندکی دارد، اما در بهبود وضعیت زندگی او مؤثر است. پروفیسور یونس بر این اساس نتیجه گرفت حتی میزان وام اندک متناسب با نیاز او می تواند نقش مهم و مؤثری در زندگی او و خانواده اش داشته باشد. لذا وی نخستین وام را در سال ۱۹۷۶ پرداخت کرد. ضمن این که به برگزاری کلاس های آموزشی برای زنان پرداخت. در این کلاس های آموزش می داد که چگونه می توان، با وام های اندک وضعیت زندگی خود را بهبود بخشید. از همان ابتدا بیشترین افرادی که با وی سروکار داشتند گروهی از فقرا بودند که هیچ بانک تجاری به آنها وام نمی داد؛ زنان بیوه، زنانی که شوهرانشان آنها را ترک کرده بودند، کارگران زمین های اربابان، رانندگان، رفتگران و حتی گدایان. سرانجام همین وام های کوچک تحت عنوان اعتبارات خرد توانست به یک راه حلی عملی برای مبارزه با فقر روستایی در بنگلادش تبدیل و باعث الهام گرفتن دیگر کشورهای در حال توسعه برای انجام برنامه های مشابه شود.

اکنون بانک گرامین ۱۰۸۴ شعبه در بنگلادش دارد و ۱۲۵۰۰ کارمند در این بانک ها مشغول به کارند. در حالی که ۲/۱ میلیون نفر از افراد کم

حدود ۹۸ درصد صورت می گرفت. این بانک با دادن وام به ۷ میلیون نفر که ۹۷ درصد آنها زن هستند، به این افراد کمک می کند که راهی برای امرار معاش بیابند مثلاً با خریدن مرغ، یا به دست آوردن تلفن همراه برای اجاره دادن، یا خریدن مواد خام برای ساختن محصولات برای فروش. به گفته محمد یونس هم اکنون ۵۸ درصد وام گیرندگان بانک در بالای خط فقر قرار دارند.

محمد یونس در سال ۱۹۴۰ در روستای «باسوا»ی بنگلادش به دنیا آمد و دوران طفولیت خود را در همانجا سپری کرد. سپس برای طی دوران تحصیلات ابتدایی و دبیرستان به روستای «چیتاگونگ» رفت و از همان جا بود که در دانشگاه «داکا» پذیرفته شد و چندی بعد نیز به سمت استادی اقتصاد همان دانشگاه رسید. او توانایی خود در زمینه تجارت و اقتصاد را با تأسیس «شرکت خودکفایی» همزمان با تحصیل در دانشگاه «داکا» نشان داد. محمد یونس همچنین موفق به دریافت بورس تحصیلی از دانشگاه «فندربیلت» ایالت تنسی ایالات متحده شد و مدرک دکترای اقتصاد را از این دانشگاه دریافت کرد. وی برای اولین بار کارش را با اعطای یک وام ۲۷ دلاری به ۴۲ زن روستایی آغاز کرد. وام به آنها داده شد تا بتوانند مواد خام لازم برای ساختن صندلی های حصیری را بخرند و از راه فروش آنها زندگیشان را بگذرانند و وام او را بازپس دهند.

بانک گرامین علاوه بر اعطای وام به مشتریان خود ۱۶ تصمیم کلیدی را سرلومه کار خود و مشتریان قرار داده است که مباحث توسعه ای بهداشتی، زیست محیطی و... را در بر دارد.

آکادمی نوبل قبل از اعطای جایزه صلح خود در سال ۲۰۰۶ طی گزارشی اعلام کرد: اعتبارات خرد خصوصاً در جوامعی که زنان در شرایط سخت اجتماعی و اقتصادی زندگی می کنند، بسیار اهمیت دارد، زیرا رشد اقتصادی و سیاسی بی مشارکت زنان ممکن نیست و محمد یونس که رؤیای از بین بردن فقر در جهان را دارد، نشان داد که حتی فقیرترین فقرا هم می توانند در توسعه و بهبود شرایط خود نقش داشته باشند.

محمد یونس، اقتصاددان ۶۶ ساله بنگلادشی، مشهور به بانک دار فقرا در تاریخ یکشنبه ۱۰ دسامبر ۲۰۰۶ (۱۹ آذر) در اسلو پایتخت نروژ جایزه صلح نوبل را به خاطر تلاش هایش برای زدودن فقر به عنوان اساسی برای استقرار صلح را دریافت کرد.

محمد یونس سال هاست تلاش خود را معطوف محو فقر در کشور خود کرده است و نام بانک گرامین یادآور این تلاش خستگی ناپذیری وی است. در واقع بانک گرامین در زبان بنگالی به معنی بانک روستایی است بانکی که با دادن اعتبارات کوچک (micro credits) به مردم کمک می کند تا از فقر نجات یابند.

مزدا بیگم یکی از زنانی که از بانک گرامین وام گرفته بود و در مراسم اعطای جایزه صلح نوبل هم حضور داشت: با یک جمله قدردانی خود را از بانک گرامین و محمد یونس در مقابل همه حضار بیان کرد که: «پدر و مادرم مرابه دنیا آوردند، اما بانک گرامین به من زندگی بخشید».

اما بانک گرامین اولین بانک وام دهنده در دنیا بود که اعتبارات کوچک را برای مردم فقیر فراهم آورد. این بانک وام های بسیار کمی (به طور متوسط ۲۰۰ دلار) به فقرا بنگلادش می داد که قادر به وام گرفتن از بانک های متعارف نبودند. هیچ وثیقه ای برای این وام ها مورد نیاز نبود و بازپرداخت آنها بر اساس یک سیستم پرداخت با میزان بازپرداختی در

ملیحه قمصری: عدم ریسک پذیری زنان محصول شرایط اجتماعی است

زهرا رضایی



فعال بوده اید و از نزدیک با زنان شاغل در این حوزه آشنا هستید، موقعیت زنان در اقتصاد ایران را چگونه ارزیابی می کنید؟

آنچه در عمل دیده میشود این است که زنان در همه حوزه ها فعال تر شده اند، یکی از دلایل این مسئله به خاطر افزایش جمعیت و افزایش تعداد زنان تحصیل کرده است. دوم اینکه بر اساس اصل خرد، جامعه به سوی شایستگی و کارایی حرکت کرده است و در این شرایط نگاه جنسیتی حذف می شود و طبیعتا مثل سابق به زن نگاه نمی شود. البته هنوز نگاه جنسیتی به زنان به طور کامل حتی در کشورهای پیشرفته و دموکراتیک هم حذف نشده است، اما در کل موقعیت زنان در تمام زمینه ها بهتر شده است. البته حوزه اقتصاد به گونه ای است که اگر زنی شایستگی به حد اکثر رساندن سود را داشته باشد، مقاومت در برابرش خیلی کمتر از حوزه های اجتماعی و سیاسی است. به طور کلی فکر میکنم رشد آمدها مثل رشد کودک است همانطور که نمی توان جلوی رشد کودک را گرفت، نمی توان رشد خرد را نیز متوقف کرد.

در عین حال باید به این مسئله هم توجه کرد که زنان کمتر وارد حوزه اقتصاد می شوند چون بیشتر نگران هستند، می ترسند، این حوزه برایشان مبهم است، ضریب ریسک پذیری کمتر (البته این مساله ریشه در مسائل اجتماعی و فرهنگی دارد) و بنیه مالی ضعیف تری نسبت به مردان دارند. مردها چون این امکانات را دارند بیشتر وارد این حوزه می شوند. البته رشد در اقتصاد برای زن ها سخت تر است چون تعدادشان کمتر است و باورهای سنتی نیز زنان را از ورود به حوزه اقتصاد منع می کند. مثال روشن این ادعا آن است که حتی یک زن نیز در بازار تهران فعالیت نمی کند. البته در حوزه اقتصاد نیز مثل سایر حوزه ها زنان برای داشتن حقوق مساوی باید بیشتر کار کنند تا حس اعتماد را جلب کنند چون کسب این اعتماد در اقتصاد سخت تر است.

در یکی از آخرین روزهای سال ۱۳۸۶ برای مصاحبه با خانم قمصری راهی دفتر کار ایشان در میدان آرژانتین شدم. برخورد بسیار دلنشین ایشان مقدمه ای شد تا گفت گوی صمیمانه ای را با یکدیگر داشته باشیم و به جرات می توانم بگویم که از ایشان بسیار آموختم و روحیه تواضع و بلند نظری ایشان برایم ستودنی بود. خانم قمصری از اعتقادش به شایسته سالاری گفت و اینکه زنان باید برای موفق بودن سخت تلاش کنند. گفته های وی نیز موید دنباله روی اش از همین مسیر برای زنانی است که به حوزه اقتصاد و فراتر از آن به کسب تجربیات با ارزش علاقه مند هستند. خانم قمصری متولد سال ۱۳۳۹ در تهران، متاهل و دارای دو فرزند است. وی دارای لیسانس حسابداری و فوق لیسانس مدیریت است و اکنون دانشجوی دکتری در رشته مدیریت می باشد. فعالیت کاری خود را از سال ۱۳۵۶ شروع کرده و تا سال ۱۳۶۷ کار مالی، حسابداری و حساسی از کارآموزی تا مدیریت حساسی را انجام داده است. پس از آن حدود ده سال در بورس فعالیت کرده و هم اکنون از اعضای اصلی تجدید ساختار بورس محسوب می شود. خانم قمصری در بورس مشاغلی همچون مدیر پذیرش شرکت ها، مدیر نظارت بر شرکت ها، مدیر نظارت بر بازار و مشاور دبیر کل بورس را بر عهده داشته است. وی پس از بورس نیز مدت ده سال با شرکت های سرمایه گذاری همکاری داشته است. در سال ۱۳۸۰ مدیر عامل شرکت سرمایه گذاری ایران و فرانسه را بر عهده گرفته و نماینده ایران در اولین صندوق سرمایه گذاری خارجی با عنوان ایران فاند Iran Fund می باشد. وی همچنین از سال ۱۳۷۳ در دانشگاه مشغول تدریس است و صاحب چندین مقاله در مجلات معتبر می باشد.

به عنوان اولین سوال و با توجه به این که شما سالها در حوزه اقتصاد



می آیند. در وهله اول تنها دو نفر از اعضای می توانند وام دریافت کنند. سپس بسته به عملکرد آنها در بازپرداخت وام دو نفر بعد می توانند درخواست اعطای وام نمایند و در نهایت نفر پنجم است که وام دریافت می کند. بر اساس تجربیات بانک به طور معمول زنان در بازپرداخت وام نسبت به مردان دقیق تر و منظم تر هستند و در زمینه کارآفرینی بسیار مورد اطمینان تر از مردان هستند. اغلب زنان با دریافت وام، موقعیت و جایگاه خود را بهبود می بخشند، وابستگی خود را به همسرانشان کمتر می کنند و وضعیت خانه و استانداردهای تغذیه فرزندان خود را بهبود می دهند. امروزه ۹۰ درصد وام گیرندگان بانک زنان هستند. بر اساس آخرین گزارش بانک در سال ۲۰۰۷ این رقم به ۹۷ درصد معادل ۷ میلیون و ۳۴ هزار نفر رسیده است. بر اساس آخرین گزارش بانک در سال ۲۰۰۷ تعداد ۱۵ هزار وام گیرنده در سال ۱۹۸۰، عضویت در بانک تنها در ۴ سال بعدی به ۱۰۰ هزار نفر رسید. تعداد کلی وام گیرندگان بانک به ۲ میلیون و ۳۴ هزار نفر رسیده است که در این میان زنان بیش از ۲ میلیون و ۲۴ هزار نفر (۹۷ درصد) آنها را در ۸۰۲۵۷ روستا و در ۲۴۶۸ شعبه بانک اختصاص می دهند. پس اندازه های گروهی به ۷ میلیون و ۸۵۳ هزار تاکا (۱۶۲ میلیون دلار) رسید که بیش از ۱۵۲ میلیون دلار آن توسط زنان پس انداز شده بود. با افزایش میانگین درآمد اعضای بانک نرخ آموزش در افراد عضو بانک گرامین نسبت به سایر افراد افزایش یافته است. تاکنون ۶ میلیارد و ۵۵ میلیون دلار وام اعطاء شده است. از سال ۱۹۹۵ بانک تصمیم گرفت که برای تأمین بودجه خود دیگر هیچ بودجه خارج از بانک را دریافت نکند. لذا آخرین سرمایه گذاری در سال ۱۹۹۸ صورت گرفت و بانک از آن زمان تاکنون بودجه مورد نیاز خود را از پس اندازهای مشتریانانش تأمین کرده است. نرخ سود پس انداز در بانک ۸/۵ تا حداکثر ۱۲ درصد است. یکی از نکات مورد توجه بانک اعطای اعتبار به گدایان است. گدایی معمولاً آخرین راه حل فرد برای نجات از فقر است. بانک

• ما می توانیم از ۴ اصل بانک گرامین شامل نظم، اتحاد، جرأت و سخت کوشی در همه مراحل زندگی خود پیروی کنیم.
 • رفاه و کامروایی را می توانیم برای خانواده های خود ایجاد کنیم.
 • مانمی توانیم در خانه های مخروبه زندگی کنیم. ما می توانیم خانه های مان را تعمیر نموده و کار کنیم تا در اولین فرصت خانه جدیدی را بسازیم.
 • ما می توانیم در همه سال سبزیجات را رشد و پرورش دهیم. می توانیم به قدر کفایت از آن مصرف کرده و بقیه را بفروشیم.
 • در طول فصول سال می توانیم تا حد ممکن نهال بکاریم.
 • ما می توانیم برنامه ریزی کنیم که خانواده های کوچکتری داشته باشیم. هزینه های خود را به حداقل برسانیم و بتوانیم بهداشت خود را رعایت کنیم.
 • ما می توانیم به فرزندانمان آموزش دهیم و تضمین کنیم که برای پرداخت شهریه تحصیلی آنها پولی به دست آوریم.
 • ما می توانیم فرزندان و محیط زیست خود را پاکیزه نگهداریم.
 • ما می توانیم از آب لوله کشی استفاده کنیم، اگر در دسترس نبود می توانیم از آب سالم در بطری استفاده کنیم.
 • ما می توانیم از دستشویی بهداشتی استفاده کنیم.
 • ما نمی توانیم هر چیزی که ای را در عروسی پسرمان قبول کنیم و نمی توانیم قول هر چیزی که ای را برای عروسی دخترمان بدهیم. می توانیم خود را فارغ از هر گونه نگرانی در مورد چیزی که نگه داریم. ما نمی توانیم فرزندانمان را در سنین کودکی وادار به ازدواج کنیم.
 • ما نمی توانیم هیچ عمل غیر عادلانه ای را بر دیگران تحمیل کنیم و نباید به دیگران هم اجازه چنین کاری را بدهیم.
 • ما می توانیم به طور جمعی سرمایه گذاری های بزرگتر را برای کسب درآمدهای بیشتر برعهده بگیریم.
 • ما می توانیم هر زمان برای کمک به دیگران آماده باشیم. اگر فردی در شرایط دشوار قرار داشت، می توانیم به او هر کمکی بکنیم.
 • اگر هرگونه عمل خطایی را در مرکز ببینیم می توانیم گردهم جمع شویم و به تعیین نظم کمک نماییم.
 • ما می توانیم در همه فعالیت های اجتماعی به طور گروهی شرکت کنیم.

شکستن چرخه فقر

از طریق اعتبارات خرد

یکی از نقاط قوت استراتژی های بانک گرامین افزایش تعهد فردی و اجتماعی افراد است. به این صورت که افراد به عضویت گروه های ۵ نفره در

به این افراد نیز وام می دهد مگر این که مرتکب جرمی شده و یا در فعالیت های غیر قانونی وارد شده باشند. در میان این افراد نابینایان، معلولین و افرادی که دچار ناراحتی های جسمی هستند نیز حضور دارند. بانک گرامین یک برنامه اختصاصی نیز برای این افراد تدارک دیده است که تاکنون حدود ۹۸۵۰۰ نفر به عضویت این برنامه درآمده اند. علاوه بر این بانک گرامین در زمینه مسکن فقرا، تأمین هزینه تحصیلی فرزندان آنها از مدرسه تا دانشگاه، آموزش و بیمه نیز وام می دهد. طبق گزارش سال ۲۰۰۷ بانک هم اکنون ۲۳۰ دانشجو در حال تحصیل در رشته های پزشکی، ۴۰۳ نفر مهندسی و ۶۰۴ نفر در حال تحصیل در دیگر رشته های دانشگاهی هستند. همچنین تاکنون مبلغ ۸ میلیارد و ۵۶ میلیون دلار صرف اعطای وام جهت ساخت و تعمیر مسکن شده است. به علاوه وام های کارآفرینی خرد نیز از جمله سایر تسهیلات بانک برای فقرا است. اگر فردی از وام گیرندگان بانک تا قبل از پایان سررسید اقساط بانک فوت کند، بر اساس برنامه بیمه ای که بانک در این قبیل موارد در نظر گرفته است، وام فرد مزبور صفر خواهد شد. در این شرایط یک صندوق بیمه تأسیس شده است که با سود پس انداز مشتریان و وام گیرندگان در بانک تأمین اعتبار می شود. معمولاً ۳ درصد از سود پس اندازها در این صندوق ذخیره می شود. برنامه هایی نیز برای راه اندازی خطوط تلفن سیار در روستاها و یا ایجاد مهارت در زمینه کامپیوتر و اینترنت (اطلاعات و ارتباطات) طراحی شده و به اجرا درآمده است. بر اساس آخرین آمار و گزارش ها فعالیت های بانک در زمینه های مختلف فقر زدایی، آموزش، اطلاعات و ارتباطات، تحصیل و آموزش و... توانسته است نقش بسیار مهمی را در افزایش شاخص توسعه انسانی در کشور بنگلادش ایفا کند. طبق این گزارش ها ۶۴ درصد از خانواده های وام گیرنده بانک شرایط زندگی آنها از خط فقر عبور کرده است. ضمن این که از میان ۲۴۳۲ شعبه بانک ۱۶۸۸ شعبه آن نشان های افتخار (سبز رنگ) را در زمینه بازپرداخت وام دریافت کرده اند. ۱۸۰۱ شعبه نشان دارنده نشان آبی در زمینه افزایش سود و سرمایه دریافت کرده اند.

منابع:

- ۱- قلبی برای محبت، دستی برای کمک. منبع شرق الاوسط. مترجم سعید آقا علیخانی. منبع سایت آنالاین هفته نامه تابان (اینترنت) ۸۵/۷۹
- 2- Grameen Bank At a Glance, Muhammad Yunus, October, 2007, Muhammad Yunus.org

زنان نمی توانند از زن بودن خود برای رسیدن به هدف استفاده کنند و با عنوان اینکه زنان امساستی عمل می کنند از زیر بار مسئولیت شانه فالی کنند.

دادن اعتبارات خرد به زنان زمینه فعالیت اقتصادی آنها را فراهم می کند.

البته قطعاً زنان ایرانی از بسیاری از زنان منطقه بویژه اعراب موفق تر هستند و قابل مقایسه نیستند. چرا که زنان ایران از صدها سال پیش فعال بوده اند و این به شرایط جامعه ایران نیز بستگی دارد که هزاران سال پیش در مسیر تجارت قرار داشته است. بر اساس تجربه ای که دارم زنان ایرانی باهوش تر از زنان دیگر منطقه بوده و نشان داده اند که در سیاستگذاری تجربه بیشتری دارند.

برخی معتقد هستند که زنان موفق در عرصه اقتصاد همسران یا پدران موفق در این حوزه داشته اند و یا با استفاده از منابع مالی آنها وارد این حوزه شده اند، نظر شما در این زمینه چیست؟

به نظر من این مساله یعنی استفاده از موقعیت و منابع مالی خانواده می تواند برای مردان هم وجود داشته باشد پس نمی توان با استناد به چند مورد آن را به همه زنان نسبت داد. البته نقش همسر در موفقیت یک زن قابل انکار نیست همانطور که مردان موفق نیز حتماً از حمایت همسرانشان برخوردار هستند.

از تجربیات خود به عنوان زنی که سالها در عرصه اقتصاد فعالیت موفق داشته برای خوانندگان بگوئید.

به نظر من برای هر شغلی باید یک مطالعه نسبی و اولیه داشت. فرد باید سرمایه گذاری کند، کار کند و زحمت بکشد. در حوزه اقتصاد باید جسارت تصمیم گیری داشته باشد و این هم یک دفعه بدست نمی آید بلکه با تمرین و به

در حوزه اقتصاد نیز مثل سایر حوزه ها زنان برای داشتن حقوق مساوی باید بیشتر کار کنند تا مس اعتماد را جلب کنند چون کسب این اعتماد در اقتصاد سفت تر است.

خود من بورس را بعد از یک دوره ده ساله فعالیت در حوزه مالی و حسابرسی تجربه کردم. در آن زمان همانطور که گفتم زنی در بورس کار نمی کرد اما اکنون زنان حضور بیشتری دارند و در حوزه اداری، کارگزاری و کارشناسی فعالیت می کنند و بسیاری از معامله گران را زنان تشکیل می دهند. اما در حوزه سرمایه گذاری وضعیت به گونه دیگری است.

واقعیت این است که بورس یک فضای معاملاتی است و انتظار می رود بتواند انتظار همه گروههای جامعه را بر آورده کند. به نظر من با توجه به شرایط اقتصادی و سیاسی کنونی بازار خیلی فعال نیست اما با این وجود زنان حضور خوبی داشته اند. زنان از اواخر دهه ۱۳۷۰ وارد حوزه سرمایه گذاری شدند و اکنون شاهد زنان بسیار قوی در این بخش هستیم. اما چون زنان در فرهنگ زندگی ما همیشه نگران آینده هستند و چیزی را برای روز مبادا نگه می دارند، ترجیح می دهند سرمایه اشان را در خرید طلا به کار اندازند. از این رو بخش اعظم ذخائر زنان برای روز مبادا را طلا تشکیل می دهد، آنها می توانند با وارد کردن این سرمایه به بازار تحول قابل توجهی ایجاد کنند.

چون سرمایه طلائی که در اختیار زنان است، بخشی از سرمایه ملی است که عملاً از بازار سرمایه خارج شده است. در واقع به خاطر فرهنگ موجود در جامعه زنان ترجیح می دهند به جای سرمایه گذاری در بورس طلا بخرند چون مطمئن تر است، خرید و فروش آن راحت تر است، طلا برایش ملموس تر است اما بورس برایش مبهم است. البته بخشی از این مساله مربوط به فقدان سیستم تامین اجتماعی در جامعه و نگرانی از آینده است. به طور کلی پرجاذبه ترین سرمایه گذاری برای زنان طلا است.

شما به خاطر مشاغلی که داشته اید با زنان مختلفی از کشورهای منطقه ملاقات و تعامل داشته اید، از این روموقعیت زنان ما نسبت به زنان منطقه را چگونه می دانید؟

واقعیت این است که اتکا به نفت در کشور ما باعث شده فقر به شکل گسترده وجود نداشته باشد و به همین خاطر زنان کمتر برای جبران آن مجبور به فعالیت اقتصادی می شوند. البته در مناطق محروم که فقر ملموس تر است، زنان هم فعال تر هستند و از طریق صنایع دستی، کشاورزی و دامپروری فعالیت می کنند. اما در کشورهایی مثل هند و پاکستان که فقر بیشتر است زنان فعالیت اقتصادی بیشتری دارند. به عنوان مثال در هند بانک زنان وجود دارد که با

آموزان تجربه حضور در شرایط اقتصادی را کسب کنند. به عنوان مثال در ژاپن مایتور بورس در مدارس نصب شده و دانش آموزان بین ۱۴ تا ۱۸ ساله به طور واقعی در خرید و فروش سهام شرکت می کنند. به این ترتیب آنها دوره های آموزشی را در این مرحله طی می کنند.

البته با توجه به این که نیمی از جمعیت این کشور و بیش از فارغ التحصیلان دانشگاهی را زنان تشکیل می دهند پس ضروری است برای برگرداندن نیروی این گروه به جامعه تمهیداتی اندیشیده شود. یکی از این تمهیدات الگو سازی از سوی دولت است. یعنی تعدادی از زنان موفق به عنوان الگو معرفی شوند، این کار برای تقویت خود باوری زنان و شکوفاشدن استعداد هایشان ضروری است.

با توجه به این که شما سالها در بورس حضور داشته اید موقعیت زنان در بورس را چگونه ارزیابی می کنید؟



فعالیت های اقتصادی زنان در حوزه های دولتی، خصوصی و تعاونی را چگونه ارزیابی می کنید؟

فعالیت های اقتصادی حوزه دولتی چارچوب بندی شده و انتصابی است اما هرچند تعداد زنان در این بخش کم است اما حضور خوبی داشته اند. در بخش خصوصی و تعاونی زنان فعال تر بوده اند. در شهرها و مراکز استانها خانم ها در بخش خصوصی فعال تر هستند و در روستاها و شهرهای کوچک و در تعاونی ها.

به نظر شما محدودیت زنان تا چه اندازه می تواند در کارایی و استخدام آنها موثر باشد؟

برخی از واقعیات فرهنگی-اجتماعی رانمی توان نادیده گرفت. من به عنوان کارفرما اگر بخواهم در یک پست سازمانی کسی را استخدام کنم به شرایط وی توجه می کنم. خانم ها محدودیت هایی در زندگی خود دارند که کارفرماها خیلی از آن راضی نیستند. مثل محدودیت هایی که در زندگی زناشویی و انجام وظایفشان به عنوان مادر و همسر بر عهده دارند.

به همین دلیل آنها نمی توانند ساعات کار طولانی داشته باشند و با مشغولیت ذهنی بیشتری از مردان کار می کنند. اما از سوی دیگر در عمل زنان با هوش تر هستند، دقت بالاتری دارند، وفاداری سازمانی بیشتری دارند و با پیشنهاد شغل بهتر محل کار خود را عوض نمی کنند.

با توجه به این که در نظام آموزشی نوعی نگاه تبعیض آمیز نسبت به زنان وجود دارد به نظر شما نقش آموزش در تقویت توانایی زنان برای ورود به حوزه اقتصاد چیست؟

واقعیت این است که پایه های اعتماد به نفس انسان در سنین قبل از ۱۵ سالگی ریخته می شود. اما اتفاقی که در مدارس ما می افتد این است که خودباوری در دانش آموزان تقویت نمی شود و شکوفایی استعدادها مورد توجه نیست. یعنی دانش آموزان با سیستم برنامه ریزی یکسان تربیت می شوند و نمی توانند هدفی برای خود قائل شوند. برای جبران این مسئله باید سیستمی بر اساس اصل دانایی در مدارس اجرا شود تا در چارچوب آن استعداد دانش آموزان شکوفا شده و بتوانند در آینده با اعتماد به نفس بیشتری وارد اجتماع شوند.

گروهی معتقدند برای تقویت حضور زنان در کشورهایی مثل ایران که زنان با محدودیتهایی در زمینه ورود به اجتماع روبرو

زنان کمتر وارد حوزه اقتصاد می شوند چون بیشتر نگران هستند، می ترسند، این حوزه برایشان مبهم است، ضریب ریسک پذیری کمتر و بینه مالی ضعیف تری نسبت به مردان دارند.

بوده اند، دولت باید در مقابل این موانع تسهیلاتی ایجاد کند. آیا به نظر شما دولت در جهت تقویت حضور زنان تسهیلاتی ایجاد کرده است؟

موضوع حضور زنان در اقتصاد هیچگاه در دستور کار دولت جمهوری اسلامی ایران قرار نگرفته است. در واقع شاید دولتمردان نسبت به این موضوع بی تفاوت بوده اند. بعد از انقلاب اسلامی دیدگاه های متفاوتی در عرصه اقتصادی مطرح بوده است. بعد از پایان جنگ تحمیلی ۸ سال دوران سازندگی و بعد از آن هم دیدگاه های اصلاح طلبان و اکنون نیز نگاه جدیدی را شاهد هستیم. اما حتی در دوره اصلاح طلبان هم که در کلام از تقویت حضور زنان دفاع می شد تسهیلاتی در جهت حضور از یک سو و رفع موانع از سوی دیگر در اقتصاد ایجاد نشد.

البته به نظر من زنان نباید منتظر تسهیلات دولتی باشند و اصولاً نیز منطقی نیست که دولت حضور زنان در اقتصاد را الزامی کند و مثلاً اعلام کند در فلان وزارت خانه در صد مشخصی از پست های سازمانی به زنان اختصاص یابد. بلکه اصل باید بر شایسته سالاری استوار باشد و فارغ از نگاه جنسیتی هرکس شایستگی بیشتری دارد باید صاحب پست شود.

همانطور که شما هم فرمودید یکی از موانع حضور زنان در اقتصاد وجود این عقیده در جامعه است که زنان ریسک پذیری کمتری نسبت به مردان دارند، به نظر شما چرا ریسک پذیری زنان کمتر است؟

با توجه به این که نیمی از جمعیت این کشور و بیشتر فارغ التحصیلان می دهند پس ضروری است برای بازگرداندن نیروی این گروه به جامعه تمهیداتی اندیشیده شود.

یکی از عواملی که ریسک پذیری زنان را کاهش می دهد باورهای سنتی است. من وقتی در سال ۱۳۶۷ وارد بورس شدم تنها زن فعال در این حوزه بودم که با واکنش های تندی نیز مواجه می شدم. بسیاری از ابتدا مرا از ورود به این حوزه منع می کردند چون معتقد بودند حوزه ای کاملاً مردانه و با ریسک بالاست که از عهده یک زن چنین کاری بر نمی آید. در ریشه یابی از این مساله به باورهای گریز از ریسک دوران کودکی می رسیم. یعنی مادران و پدران بخش زیادی از ترس دختران را به آنها القا می کنند. دختر، زن پیرامون خود یعنی مادرش را ریسک پذیر نمی بیند و در روش های تربیتی نیز یاد می گیرد که از موقعیت های پر ریسک اجتناب کند. ضمن این که با بزرگ تر شدن بچه ها و ورود آنها به اجتماع عملاً امنیت اجتماعی برای پسرها بیشتر از دخترهاست و به همین خاطر پدر و مادرها مرتباً از دخترانشان می خواهند برای اجتناب از موقعیت های خطرناک محتاطانه برخورد کنند.

در مراحل بالاتر و مثلاً در حوزه اقتصاد باز هم این فشارها وجود دارد. اگر زنی تمام دارایی اش را در کاری سرمایه گذاری کند و موفق نشود نسبت به مردی که موقعیت همسانی با او دارد بیشتر تحت فشار است و نقدهایی که به وی وارد می شود باعث می شود زنان دیگر کمتر ریسک ورود به این حوزه را بپذیرند. بنابراین عدم ریسک پذیری زنان ژنتیکی نیست بلکه محصول شرایط اجتماعی است.

پیشهادات شما برای بهبود این وضعیت چیست؟

با توجه به اهمیت و نقش خانواده ابتدا باید در این چارچوب کودکانمان را برای حضور در اقتصاد آماده کنیم. بهتر است از ابتدا محدودیت هایی برای بودجه ای که در اختیار آنها گذاشته می شود تعیین شود و مثلاً به او بگوییم در طول یک ماه هزینه های خود را باید از پولی که در اختیارش گذاشته می شود تامین کند و بدون برنامه پول در اختیارش نگذاریم. یا در سنین بالاتر در تابستانها او را تشویق کنیم که کاری نیمه وقت داشته باشد و اندکی از هزینه های تحصیلی خود را تامین کند.

حال آنکه ما عملاً از کودکانمان می خواهیم که فقط درس بخوانند و با این کار آنها را از موقعیت های واقعی که در آینده با آن روبرو خواهند شد دور می کنیم. مدارس و سیستم آموزشی نیز در این زمینه نقش مهمی دارند. باید فضای مجازی در مدارس ایجاد شود تا دانش



شرکت سرمایه گذاری برای زنان

تجربه ای که در حد یک ایده باقی ماند!

طیبه اسدی

سال های مدیری است که زنان با هدف ورود به نه تنها صحنه اقتصاد کشور بلکه سطوح کلان آن تلاش کرده و می کنند. برای جامه عمل پوشاندن به این خواسته، برنامه ها، سمینارها و جلسات متعددی توسط مراکز دولتی و غیردولتی به اجرا در آمده تا به بررسی راهکارها، چالش ها و موانع پیش روی فعالیت اقتصادی زنان پرداخته شود. برای عملیاتی کردن این ایده آل ها طرح هایی مانند: ایجاد بانک زنان، تأسیس شرکت اقتصادی زنان و... هم در ارتباط با ارتقای حضور کمی و کیفی زنان در عرصه اقتصاد کشور معرفی و ارائه شده و بعضاً زمان نسبتاً زیادی بر روی برخی از طرح ها و عملیاتی کردن ایده ها صرف شده است. از همان ابتدا برخی این اوقات را تلف شده می پنداشتند و به جهت اقتدار مردان در عرصه اقتصاد، حضور زنان را در عمل کم رنگ یا غیر موثر می پنداشتند. اما گذشت زمان نشان داد که این گفت و گوها ذهن زنان بسیاری را برای دستیابی به این حوزه فعال و درگیر کرده است و چه بسا افرادی که هر چند با مشارکت جمعی موفق به ورود به این حوزه در سطحی وسیع نشده بودند، به صورت انفرادی موفقیت های خوبی را کسب کردند. بسیاری در کنار خانواده و برخی نیز همکاران غیرخویشاوند را برای فعالیت اقتصادی خود برگزیدند. یکی از ایده های طرح شده آن هم توسط یک سازمان غیردولتی ایجاد شرکت سرمایه گذاری برای زنان بود که در دو سال گذشته از سوی مؤسسه مطالعات و تحقیقات زنان مطرح و عملیاتی کردن آن دنبال می شد. جلسات متعددی در این مؤسسه برگزار شد تا این ایده شکل بگیرد و قوام یابد. اما ناگهان همه چیز متوقف شد! نظر به اهمیت این موضوع و تلاشی که مؤسسه برای مطالعه و تحقق طرح شرکت مذکور از خود نشان داد، ضمن انجام یک مصاحبه با خانم منیره آمدی، مدیرعامل مؤسسه مطالعات و تحقیقات زنان، خواستیم از چرایی و علل توقف کار اطلاع حاصل کنیم. سؤال اصلی این بود که آیا این تجربه به شکست منجر شد یا خیر؟ و در صورت شکست دلایل آن چه بود؟ آیا این نگرش که عرصه اقتصاد مردانه است، بر روند پیشرفت کار تأثیر گذاشت یا جدید الیورود بودن زنان در این حوزه، موانع و چالش های اقتصادی در کشور، سیاست گذاری ها و قوانین موجود، اتکای آشکار و پنهان و سنتی زنان به مردان و... از دیگر عوامل توقف بود. در واقع کوشش شد تا چند و چون برگزاری جلسات، چگونگی طرح ایده شرکت سرمایه گذاری زنان و.. را در مصاحبه با مدیرعامل مؤسسه مطالعات و تحقیقات زنان که کار برنامه ریزی و برگزاری این جلسات را برعهده داشت، طرح کنیم. امیدواریم که پاسخ های ایشان بتواند تاحدی شما خوانندگان عزیز را با اهمیت و شناخت چالش ها و موانع انجام هر نوع فعالیت اقتصادی بزرگ برای زنان آشنا کند.

تدریج حاصل می شود. عامل دیگر به روز بودن است که در اقتصاد ضروری است. اقتصاد به سرعت در حال تغییر است و ما مجبوریم با کسب علم و دانش چه به شکل آکادمیک یا طی دوره های تخصصی خود را با این تغییرات منطبق سازیم. بعلاوه رفتارهای اقتصادی پیچیده است و کسی که می خواهد در این حوزه فعالیت کند نمی تواند با اصول ساده ای که بر یک بنگاه اقتصادی کوچک حاکم است در سطح گسترده تر نیز به همان شیوه عمل کند. فرد باید در جهت کاهش ریسک همیشه برنامه ریزی کند و یکی از راههای این مساله استفاده از رأی صاحب نظران است. هر چقدر هم که در کار خود موفق باشد نباید خود را بی نیاز از مشورت بداند. برای موفق بودن در حوزه اقتصاد باید وارد قواعد بازار شد، در بازار کلام و اعتبار فردی حرف اول را می زند.

کسب اعتبار هم در بازار به سادگی به دست نمی آید و برای کسب آن رعایت اصول اخلاقی تجارت ضروری است. یعنی در معامله باید به اصل برد-برد توجه داشته باشیم و نباید به گونه ای عمل کنیم که برد ما مساوی با باخت دیگری باشد. در این صورت فرد نمی تواند در دایره

زنان نباید منتظر تسهیلات دولتی باشند و اصولاً نیز منطقی نیست که دولت مضمون زنان در اقتصاد را الزامی کند بلکه اصل باید بر شایسته سالاری استوار باشد و فارغ از نگاه جنسیتی هرکس که شایستگی بیشتری دارد، باید صاحب پست شود.

بازار باقی بماند چون فاقد اعتبار به عنوان بزرگ ترین سرمایه فردی در بازار است. اگر شما نتوانید اعتماد افراد را در بازار به دست آورید نمی توانید اعتبار کسب کنید و موفق باشید.

پس زنان نمی توانند از زن بودن خود برای رسیدن به هدف استفاده کنند و با عنوان اینکه زنان احساساتی عمل می کنند از زیر بار مسئولیت شانه خالی کنند. مساله مهم دیگر این که وظیفه همه ما است که آموخته هایمان را به نسل بعد از خود انتقال دهیم. البته این مساله در حوزه اقتصاد سخت تر است چون در اقتصاد

هر موقعیت ویژگی منحصر به فرد و تجربه متفاوتی دارد و تجربه آموزگار بی رحمی است یعنی تا چیزی از آدم نگیرد، چیزی به آدم یاد نمی دهد. من خودم سعی کرده ام در تمام مراحل وظیفه انتقال تجربه را انجام دهم. در مدت ده سالی که در بورس بودم تجربیاتم را به عوامل زیر مجموعه خود انتقال دادم و امروز خوشحالم که از میان افرادی که مسئولیت آنها را در بورس بر عهده داشتم برخی کارگزار و برخی از سرمایه گذاران موفق کشور هستند و امیدوارم آنها نیز نصیحت مراد را در این زمینه گوش کرده و تجربیاتشان را به دیگران منتقل کنند.

در پایان اگر سخنی با خوانندگان دارید بفرمائید؟

ابتدا از شما به خاطر فرصتی که در اختیار من گذاشتید سپاسگذارم و برایتان آرزوی موفقیت دارم. در پایان می خواهم بگویم که اگر یک باردیگر به دنیا بیایم باز هم کار در حوزه اقتصاد را انتخاب می کنم اما این بار سعی می کنم از عرض زندگی ام بیشتر استفاده کنم چون طول زندگی در اختیار ما نیست و ما می توانیم با استفاده مناسب از عرض زندگی، موفقیتمان را تضمین کنیم.



مشکلی در این خصوص هست که بعضی حوزه اقتصاد را یک حوزه مردانه تلقی می‌کنند این نوع نگاه در بین مدعوین و شرکت کنندگان هم وجود داشت یا نه؟

ببینید این دیدگاه نتیجه رسوخ یک فرهنگ و نگاه مردسالارانه در جامعه است. اما ما مسلمانان در اسلام حضرت خدیجه (س) را داریم که از بزرگترین تاجران و سرمایه‌گذاران زن در عصر خود بودند. سرمایه‌گذاری و تجارتی که موجب رشد و نمو اسلام شد. نکته مهم این است که زنان از همان ابتدا سرمایه‌گذاری و فعالیت اقتصادی خود را به عنوان یک حق مسلم و واقعی خود در نظر بگیرند. حتی حضرت زهرا (س) نیز در قضیه فدک رسماً وارد میدان شد.

فدک ارثی بود که حضرت محمد (ص) برای ایشان به جای گذاشته بود. حضرت زهرا (س) اگر چه دنبال مسائل مادی نبودند ولی مشخصاً وارد مناقشه فدک شدند و موضوع را به عنوان حق مسلم خود دنبال کردند. جریان تاریخی فدک نیز دقیقاً به همین دلیل اتفاق افتاد. حتی در مهریه علمایی معتقدند که تعیین مهریه در ابتدای ازدواج از طرف مرد نیز به رسمیت شناختن استقلال اقتصادی زن از طرف مرد است. چرا ما نباید از الگوهای خوب تاریخی خود برای ایجاد استقلال اقتصادی در زنان استفاده کنیم؟ چرا حضرت خدیجه (س) الگوی ما قرار نگیرد که با سرمایه خود توانست در جهت رشد و اعتلای اسلام گام بردارد؟ در سال‌های اخیر هم ما نمونه‌های زیادی از فعالیت اقتصادی زنان را شاهد بوده ایم.

به هر حال در طول دو سال و نیم تقریباً آن هسته مطالعاتی هر هفته مدت سه ساعت جلسه داشت و در همین جا من از همه کسانی که در طول این مدت تقریباً طولانی، بدون هیچ چشمداشتی فقط به منظور اعتلای وضعیت زنان در جلسات شرکت می‌کردند، تشکر می‌کنم. در این دو سال و نیم توانستیم با برگزاری این نشست‌ها اطلاعات لازم را برای ایجاد یک شرکت سرمایه‌گذاری بدست آوریم همه اسناد آماده شد و حتی این موضوع هم مورد بحث قرار گرفت که این شرکت وارد چه نوع فعالیت‌های اقتصادی شود و در چه زمینه‌هایی حرکت کند.

حدود ۶ جلسه رسمی بزرگ برگزار شد که در هر جلسه، گروهی از زنان و مردان علاقمند به سرمایه‌گذاری دعوت شده بودند. توجه کنید که ما کار را با رویکرد جنسیتی شروع کرده بودیم و این که حداقل ۷۰ درصد

موسسه مطالعات و تحقیقات زنان فود نمی فواست کار اقتصادی انجام دهد بلکه تلاش می‌کرد تا بررسی‌های لازم را برای بستر سازی تأسیس یک شرکت سرمایه‌گذاری بزرگ زنان با تعداد زیادی سهام دار انجام دهد.

از سهامداران شرکت زن باشند و یا مدیریت آن هم ترجیحاً توسط زنان انجام شود اما نه به این معنا که مردان در شرکت حضور نداشته باشند بلکه حضور هر دو جنس را برای یک کار موفق ضروری می‌دانیم.

در جلسات بزرگ گروه‌هایی مانند دانشگاهیان، فرهنگیان، زنان سرپرست خانوار و یا اعضای سازمان‌های غیردولتی زنان را دعوت کردیم.

تحت چه عنوان و یا حول چه محوری این افراد دعوت می‌شدند؟

قرار بر این بود که از همان ابتدا اعلام شود که قصد داریم یک شرکت سرمایه‌گذاری زنان ایجاد کنیم. اگر علاقمند به موضوع هستید، می‌توانید در این جلسات شرکت کنید و علاقه خود را به مشارکت در ایجاد این شرکت با پر کردن فرم‌های مخصوص اعلام کنید.

برای فعالیت این شرکت چه اهداف و آرمان‌هایی را در نظر گرفته بودید؟

چشم‌انداز اولیه این بود که شرکت سرمایه‌گذاری زنان در جهت دستیابی به توسعه همه جانبه برای گسترش مالکیت در میان عموم زنان و از طریق جذب منابع مالی خرد زنان با هدف کسب سود و ایجاد بنگاه‌های اقتصادی کارآمد فعالیت کند و نرخ بهره‌وری منابع انسانی و اشتغال را با اتکاء به سرمایه‌های زنان افزایش دهد. هدف کلی این بود که شرکت سرمایه‌گذاری حتی در شرکت‌های دیگر و طرح‌ها و

**یک چالش بزرگ در موزه سرمایه
گذاری زنان، پائین بودن قدرت
ریسک زنان است. معمولاً زنان اگر
هم در فعالیت اقتصادی وارد شوند
وقتی است که ۹۰ درصد امساس
امنیت را داشته باشند.**

ایده‌های مربوط به بخش‌های مختلف اقتصادی با توجه به کسب سود مناسب برای سرمایه‌گذاران و با تأکید بر آیتم‌های ذیل حرکت کند:

- مسئولیت اجتماعی و توسعه پایدار
- توانمندسازی زنان
- ایجاد و افزایش سطح اشتغال در کشور
- اشاعه نوآوری و کارآفرینی
- ارتقای سطح مشارکت زنان در حوزه‌های مختلف اقتصادی

این اهداف مورد نظر شما برای فعالیت شرکت سرمایه‌گذاری زنان بود؟

بله و برای رسیدن به این اهداف باید سرمایه‌خرد افراد بویژه زنان جذب می‌شد و در حوزه سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی مولد، مدیریت می‌شد تا سود و ثروت مناسبی را برای کشور و مردم و به خصوص زنان در پی داشته باشد.

نتیجه چه شد؟

متأسفانه بنا به دلایلی کار متوقف شد. یک دلیل مهم توقف کار این بود که؛ افرادی که در طول کار و در جلسات شرکت داشتند، به خصوص مردان دارای تجربه‌های بزرگی در امر سرمایه‌گذاری بودند. لذا اعتقاد داشتند که این شرکت باید یک شرکت سهامی عام باشد تا بتواند از فرایند خصوصی سازی بهره‌مند شود. از سویی ایجاد یک شرکت سهامی عام با مسائل و چالش‌های خاصی هم مواجه بود. به طور مثال قوانین کشور در رابطه با اخذ مجوز تأسیس شرکت سهامی عام در حال تغییر بود و شرایط ایجاد آن سخت‌تر می‌شد.

از طرف دیگر برخی زنان حاضر در جلسات بدلیل تجربه تاریخی ریسک کمتر زنان معتقد بودند که باید ابتدا یک شرکت سهامی خاص ایجاد شود و پس از آن با گسترش فعالیت و دستیابی به توان و ظرفیت کافی راه تبدیل شدن به شرکت سهامی عام را در پیش بگیرد. همین چالش فعلاً سبب توقف کار شده است تا ببینیم بالاخره کی و با چه وضعیتی می‌توانیم به تحقق ایده‌ای که برایش بسیار زحمت کشیدیم، بپردازیم.

موضوع دیگر که بر روند تأسیس شرکت تأثیر گذاشت، مسائل مدیریتی کشور، جابجایی‌ها، تغییر بخشنامه‌ها و... بود.

فکر نمی‌کنید که توقف کار به غیر از مسائل عدم ثبات وضعیت موجود در کشور، اختلاف نظر در عام یا خاص بودن شرکت دلیل دیگری هم داشت؟ مثلاً ترس و وحشت زنان از حضور در این حوزه از فعالیت اقتصادی. شاید شما نیاز به مدت زمان

دلایل و انگیزه های اصلی که موجب شد شما برای ایجاد یک شرکت سرمایه گذاری زنان مطالعاتی را شروع کنید چه بود؟ این حرکت چرا و از کجا آغاز شد؟

اساساً چند انگیزه و عامل مهم برای ایجاد یک هسته مطالعاتی بررسی تأسیس شرکت سرمایه گذاری عام زنان نقش داشت که در واقع شاید بتوان گفت جرقه های اولیه ایجاد این سازوکار اقتصادی را در ذهن ما زد که من به مهمترین آنها می توانم اشاره کنم. اول این که ضروری بود فرهنگ سرمایه گذاری را به خصوص در میان زنان رواج دهیم. به نوعی که افراد به خصوص زنان بتوانند با پس اندازهای خرد خود وارد حوزه سرمایه گذاری شوند و ضمن ایجاد اشتغال در کشور موجب کسب سود برای آنان گردد لذا در مدت ۲/۵ سال مباحث زیادی مورد مطالعه قرار گرفت. این که زنان ما همواره از فرارسیدن روز مبادایی می ترسند و با توجه به ساختار فرهنگی، اجتماعی و قانونی موجود که معمولاً مسئولیت تأمین منابع مالی و اقتصادی بر عهده مردان گذاشته می شود و حتی اگر هم زنانی فعالیت اقتصادی داشته باشند، باز هم در بسیاری از اوقات منابع مهم مالی توسط مردان تأمین می شود، نگرانی از این روز مبادایی احتمالی در درون همه زنان وجود دارد.

بنابراین زنان به یک پشتوانه محکم نیاز دارند تا بتوانند به منابع اقتصادی دسترسی کافی داشته باشند. زنان وقتی نمی توانند سرمایه گذاری کنند، به دلیل همین دغدغه روز مبادا معمولاً پولهای مازاد خود را به طلا و جواهر تبدیل می کنند که در واقع مروج یک فرهنگ غلط است. به جای این که پول سرمایه گذاری شود، شغل و ثروت تولید کند، در دست افراد می ماند و صرفاً در طول زمان ممکن است قیمت آن افزایش پیدا کند. در حالی که می شود با سرمایه گذاری، هم به این افزایش قیمت رسید و هم سبب ایجاد اشتغال و افزایش تولید شد. و همین نگرانی است که در زمان ازدواج معضل میزان مهریه را پیش می آورد و برای تضمین دوام زندگی و نرسیدن به روز مبادا، مهریه های سنگین پیشنهاد می شود. در این صورت اگر مرد به دیون و تعهدات خود گردن نهد، زن چطور می تواند سرپا بایستد. همه این معضلات باز هم به نوعی ریشه در مسائل اقتصادی دارد.

از طرف دیگر زنان سرپرست خانوار به عنوان یکی از گروه های مهم آسیب پذیر جامعه وجود دارند که حمایت اقتصادی و توانمندسازی آنان نیز ضروری است. این زنان باید بتوانند با خرید سهام اندک سرمایه گذاری

ضروری بود فرهنگ سرمایه گذاری را به فصوص در میان زنان رواج دهیم. به نوعی که افراد به فصوص زنان بتوانند با پس اندازهای خرد خود وارد حوزه سرمایه گذاری شوند و ضمن ایجاد اشتغال در کشور موجب کسب سود برای آنان گردد.

کنند حال تحت پوشش هر جایی که هستند از جمله کمیته امداد و سازمان بهزیستی و غیره به هر حال باید سهامی مانند سهام عدالت برای این زنان خریداری شود تا این زنان بتوانند به یک مستمری جاری از ناحیه سود سرمایه گذاری خود دست یابند. مهم ترین که سرمایه گذاری باید در خانواده ها به تدریج به یک فرهنگ تبدیل شود. ما بعد از بررسی آمار زنان مؤسس شرکتها در سازمان ثبت شرکتها به این نتیجه رسیدیم که زنان بسیار کمی تأسیس کننده شرکتها در حوزه سرمایه گذاری هستند.

همه این موارد حکایت از این می کرد که زنان باید در فعالیت اقتصادی بیشتر از آنچه هم اکنون حضور دارند، وارد شوند. از طرف دیگر در آن زمان بحث اجرایی کردن اصل ۴۴ قانون اساسی هم مطرح شده بود. و اینکه درمان قطعی همه معضلات و مشکلات اقتصادی کشور واگذاری کار مردم به مردم است و با سرمایه گذاری بخش خصوصی مشکلات کشور کاهش می یابد. و دولت عملاً باید از موقعیت سرمایه گذاری به یک سیستم نظارتی تبدیل شود. ما علاقمند بودیم بتوانیم با این مطالعات بستری را فراهم کنیم که زنان هم، در اجرایی شدن اصل ۴۴ سهم داشته باشند.

یعنی شما از یک بررسی و مطالعه شروع کردید تا به یک نتیجه عملی دست پیدا کنید؟ بله تقریباً دو سال و نیم کار شد. نشست های متعددی با متخصصین مختلف، از زنان و مردان اقتصاددان، مدیران اقتصادی با تجربه در بخش دولتی و خصوصی، بانکها، بیمه ها، نشست های تخصصی کوچک و بزرگ و با حضور

نگرانی از آن روز مبادای احتمالی در درون همه زنان وجود دارد. بنابراین زنان به یک پشتوانه محکم نیاز دارند تا بتوانند به منابع اقتصادی دسترسی کافی داشته باشند.

گروه های مختلف علمی، فرهنگی، دانشگاهی و حتی زنان خانه دار برگزار کردیم. تا بفهمیم این زنان چقدر علاقه به مشارکت در ایجاد یک شرکت سرمایه گذاری دارند؟ چقدر به حوزه سرمایه گذاری گرایش دارند؟ و.. توجه کنید که موسسه مطالعات و تحقیقات زنان خود نمی خواست کار اقتصادی انجام دهد بلکه تلاش می کرد تا بررسی های لازم را برای بستر سازی تأسیس یک شرکت سرمایه گذاری بزرگ زنان با تعداد زیادی سهام دار انجام دهد. همانطور که می دانید مؤسسه در طیف گسترده ای از مباحث زنان می تواند مطالعات و تحقیقات انجام دهد که مسلماً مطالعات وضعیت اقتصادی زنان نیز از این امر مستثنی نمی باشد.

شما دو سال و نیم به طور مداوم کار کردید و از زنان تاجر، فعال اقتصادی، بازرگان و... دعوت به عمل آوردید. هدف اصلی شما از این کار چه بود، جلب مشارکت آنها، سنجش میزان علاقه و تمایل آنها به فعالیت اقتصادی و یا کسب تجربیات، چالش ها و شکست های شان؟

در وهله اول می خواستیم میزان مشارکت آنها را بسنجیم. چون به تدریج این آرمان شکل می گرفت که ایجاد شرکتی در دستور کار قرار گیرد که زنان هم سرمایه گذار آن باشند و هم به مدیریت آن بپردازند.

بنابراین از زنانی در این نشست ها دعوت می کردیم که اگر در آینده هم این شرکت ایجاد شود، پتانسیل و ظرفیت و علاقه لازم برای مدیریت آن را داشته باشند.

در واقع هم ظرفیت سازی، هم کسب تجربیات و هم زمینه برای جلب مشارکت گروه های مختلف زنان مطرح بود؟ بله.

معمولاً چه افرادی بیشتر در این طرح مطالعاتی که دستیابی به یک برآیند عملی را هم در دستور کار داشت، بیشتر با شما همکاری می کردند؟ دلایل شان و نوع نگاه شان به موضوع چه بود؟

ما یک هسته مطالعاتی شکل دادیم که شامل اساتید دانشگاه در حوزه اقتصاد، دوستانی از اتاق بازرگانی و بانک های مختلف کشور در رده های مسئولیتی بالا و کارشناسانی از بیمه، مدیرانی از بخش خصوصی و مدیرانی با تجربه مدیریتی در خارج از کشور بود و مطالعات به آنجا انجامید که طرح تشکیل یک شرکت سرمایه گذاری زنان در کشور طراحی شد و همه هم از این ایده استقبال کردند.

گوناگون

بانک توسعه زنان در ونزوئلا

زهرا رضایی

هستند که بانک هیچ سودی نداشته و حدود ۴۰ درصد بدهی دارد، اما دولت از این بانک حمایت می‌کند و معمولاً از محل درآمدهای نفتی اعتباری را به این بانک تخصیص می‌دهد. نورا می‌گوید: «هدف بانک سودآوری نیست. ما می‌خواهیم زندگی افراد را بهبود دهیم.»

تنها بخشی از فعالیت‌های بانک توسعه زنان ونزوئلا به تخصیص وام‌های کوچک اختصاص دارد. این بانک علاوه بر آن به آموزش و توسعه فرصت‌های کسب و کار برای زنان نیز می‌پردازد. در دوره‌های آموزشی مهارت‌های فنی، کارآفرینی و مدیریت کسب و کار آموزش داده می‌شوند که نورا از آن با عنوان «اقتصاد عامیانه» یاد می‌کند.

نورامی‌گوید: «اقتصاد به روابط بین انسان‌هایی که ملزومات زندگی را تولید می‌کنند می‌پردازد. این رابطه یا رابطه بهره‌کشی است یا رابطه همیاری. مادر بانک تمام تلاشمان معطوف به ایجاد یک اقتصاد مبتنی بر همیاری است. برای این کار آموزش، اعتبار و هر منبعی که لازم باشد فراهم می‌کنیم.»

این بانک در مناطق مختلف انجمن‌های اقتصادی زنان را تشکیل می‌دهد و با آن‌ها ارتباط مستقیم برقرار می‌کند. برای مثال در استان‌های جنوبی ونزوئلا عده زیادی افراد سرخ‌پوست زندگی می‌کنند که بسیار فقیر هستند. این افراد حتی از وجود چنین بانکی باخبر نیستند و اگر هم خبر داشته باشند نمی‌توانند هزینه سفر تا کاراکاس را تأمین کنند. بانک زنان از طریق ایجاد این انجمن‌ها و ارتباط با آن‌ها فرصت‌های کاری را شناسایی کرده و آموزش و منابع مالی مورد نیاز را برای راه‌اندازی کسب و کار فراهم می‌کند. بانک توسعه زنان همچنین در زمینه توسعه گردشگری به ویژه در مناطق جنوب که برای گردشگران اروپایی جذابیت ویژه‌ای دارد، انجمن‌های زنان را حمایت می‌کند.

فقیرترین خانواده‌ها ایجاد و بنابراین به حدود یک میلیون و سیصد هزار نفر کمک کرده است. حدود ۹۶ درصد از این وام‌ها به زنان داده می‌شود. البته وام‌ها به افراد تعلق نمی‌گیرد بلکه برای دریافت وام باید یک تعاونی معرفی شود. این تعاونی‌ها عمدتاً اعضای یک خانواده یا عده‌ای دوست هستند که لزوماً باید توسط یک زن اداره شوند و اکثریت اعضا باید زن باشند.

فاریا می‌گوید: «همین وام اندک زندگی را نجات داده است. تا وقتی این بانک در کاراکاس کار می‌کند کسی از گرسنگی نمی‌میرد.»

نورا کاستانیدا، رئیس بانک توسعه زنان ونزوئلا می‌گوید: «در ۱۹۹۹ وقتی قانون اساسی جدید در حال تدوین بود از تشکل‌های زنان خواستند که پیشنهادایمان را ارائه دهیم. طی چهار ماه ما هر روز با هیئت قانون‌گذاری در ارتباط بودیم و درباره قوانین بحث می‌شد و اعضای این هیئت به اهمیت تاریخی تلاش‌های ما پی بردند.»

نورا کاستانیدا، موسس که سی سال سابقه استادی در دانشگاه مرکزی ونزوئلا را دارد می‌گوید: «معتقد است آنچه در دانشگاه از اقتصاد آموخته، یعنی اقتصاد مکتب شیکاگو، مروج نظام سرمایه‌داری و مثل ویروسی است که باید از شرش خلاص شد. منتقدان این بانک مدعی

فاریا، زن ۴۴ ساله‌ای که به تنهایی سه فرزندش را سرپرستی می‌کند، با پرونده‌ای که خودش آماده کرده بار دیگر به دفتر بانک توسعه زنان ونزوئلا آمده تا یک وام ۵۰۰ هزار بولیواری (به نرخ سال ۲۰۰۴ حدود ۲۵۰ هزار تومان) دریافت کند. می‌گوید تقریباً مطمئن است که وام را دریافت خواهد کرد و با این پول می‌تواند شرکتش را به طور رسمی ثبت کند و دو کارگر جدید را به کار بگیرد تا کیک و ماستی را که تولید می‌کند برایش در محله توزیع کنند. بار اول که اسم این بانک را شنیده بود، مردد بود که برای خرید اجاق و وسایل دست دوم آشپزخانه و استخدام کارگر به او وام خواهند داد یا نه، اما بعد از این که در کلاس‌های این بانک شرکت کرد، فهمید که نوشتن طرح تجاری چندان هم سخت نیست. خیالش هم از بابت ضامن و سوابق بانکی راحت شده بود و دیگر می‌دانست که به آن‌ها نیازی ندارد.

بانک توسعه زنان ونزوئلا در هشتم مارس ۲۰۰۱ تأسیس شده و تا به حال بیش از ۶۰ هزار وام با میانگین ارزش حدود یک میلیون تومان به زنان داده است. این وام‌ها بیش از ۲۱۷ هزار شغل برای





بیشتری داشتید. شاید عدم خودباوری و ترس از سرمایه گذاری در میان زنان در عدم موفقیت کار شما تأثیر خود را به نوعی گذاشت؟

البته یک چالش بزرگ در حوزه سرمایه گذاری زنان، پائین بودن قدرت ریسک زنان است. معمولاً زنان اگر هم در فعالیت اقتصادی وارد شوند وقتی است که ۹۰ درصد احساس امنیت را داشته باشند. وقتی هم قدرت ریسک پائین باشد، کارهای بزرگ کمتر می توان انجام داد. زنان نیاز دارند تا برای ورود در حوزه اقتصاد ریسک کنند. سود و ضرر را با هم در نظر بگیرند. جانداختن این موضوع نیازمند فرهنگ سازی است. زنان باید بدانند که کار اقتصادی با سود و ضرر همراه است. کسانی که می خواهند وارد چرخه سود دائم شوند، معمولاً کسانی اند که آرام آرام به سیستم های ربوی نزدیک می شوند. کسب درآمد سالم نیازمند حداقلی از ریسک پذیری است. کارآفرینان بزرگ کسانی هستند که ضریب ریسک بالایی را می پذیرند.

آیا زنان تاجر و بازرگان و یا زنانی که در اتاق بازرگانی بودند و در جلسات شما حضور داشتند هم همین رویه را داشتند؟ مردان حاضر مانعی بر سر راه نبودند؟

نه. ولی مشکل ما در ارتباط با این زنان این بود که اکثرشان مخالف تأسیس شرکت سهامی خاص بودند. این افراد می خواستند وارد یک حوزه سرمایه گذاری بزرگ شوند. دلیل این بود که خودشان دارای شرکت های سهامی خاص

بودند. آنها فقط برای ایجاد یک شرکت سرمایه گذاری بزرگ وارد کار شده بودند. اتفاقاً مردان حاضر در کار حمایت های خوبی کردند و به نوعی می توان گفت در پرورش ایده کاملاً سهیم بودند. اما عوامل بیرونی بر روند فعالیت آنها تأثیر می گذاشت.

شما در طول کارتان از تجربه کشورهای منطقه از جمله زنان عرب هم استفاده کردید؟
بله کسانی که در جلسات شرکت می کردند، متخصصینی بودند که در این زمینه کار کرده بودند و نتایج تجربیات و تحقیقات خود را در جلسات بیان می کردند. قرار بود در راستای تقویت کار با عده ای از زنان بازرگان در امارات (دوبی) هم ارتباط برقرار شود. می دانید که در اکثر کشورهای دنیا نسبت به این موضوع نوعی سمت گیری وجود دارد و جریان های مختلف سرمایه گذاری، کارآفرینی، تولید و اشتغال در حال شکل گیری است.

بعد از گذشت دو سال و نیم و تلاش های مستمری که انجام دادید در حال حاضر چه فکر می کنید؟ نتیجه این جلسات را چگونه ارزیابی می کنید؟ آیا در شرایط حاضر می خواهید این کار را دوباره دنبال کنید و آیا امیدی برای ادامه کار در قالب تأسیس یک شرکت سرمایه گذاری عام برای زنان وجود دارد یا خیر؟

من این کار دو سال و نیمه را یک کار بیهوده و زمان تلف شده نمی بینم. در این مدت مطالعات انجام شد. افراد شناسایی شدند و راه ها و استراتژی تعیین شد و امیدوارم شرایط

تحقق این ایده در آینده فراهم شود صد البته نابسامانی های اقتصادی در کشور و فشارهای سیاسی وارده به کشور و تحریم ها نیز در عدم موفقیت این طرح بی تأثیر نبوده است.

همه این ایده را دوست داشتند و ظرفیت موجود در جامعه زنان نیازمند ایجاد این شرکت سرمایه گذاری عام بود. ولی وضعیت سیاسی و اقتصادی کشور بر همه افراد خواه ناخواه تأثیر می گذارد. لذا گمان می کنم باید حداقلی از شرایط در کشور فراهم شود تا بتوانیم مجدداً توجه زنان را به موضوع سرمایه گذاری جلب کنیم.

حرف و نظر دیگری دارید؟

فرهنگ سرمایه گذاری در میان زنان باید نهادینه شود، چرا که آن وقت توسط زنان به فرزندان منتقل خواهد شد و در این صورت نه تنها زنان که تمام اعضای خانواده با نگاه و دیدگاه اقتصادی و فرهنگ سرمایه گذاری آشنا شده و نفع این فرهنگ سازی نصیب تمام افراد جامعه خواهند شد.

با تشکر.

زنان سرپرست فانوار به عنوان یکی از گروه های مهم آسیب پذیر جامعه وجود دارند که حمایت اقتصادی و توانمند سازی آنان نیز ضروری است.

گوناگون

آیا زنان حسودتر از مردان هستند؟

های جنسی و احساسی به یک اندازه واکنش نشان داده اند و هشتاد درصد از زنان گفته اند گمان می کنند خیانت احساسی شوهرانشان بیشتر برای آنها عذاب آور است. پس می بینیم که مردان هم به اندازه زنان حسود هستند اما زمینه های حسادتشان فرق می کند، شاید حسادت مردان در مورد همکاران زنشان که در پیمودن پله های ترقی از آنها پیشی گرفته اند نیز مثال زدنی باشد.

در زمینه خیانت های جنسی است. از سوی دیگر در مطالعاتی که دانشگاه کالیفرنیا سان دیگو انجام داده به جای سوال کردن از افراد در مورد واکنش هایشان به موقعیت های مختلف، فشار خون و ضربان قلب آنها مورد بررسی قرار گرفته است. بر اساس نتایج به دست آمده مردان به خیانت های جنسی همسرانشان واکنش های فیزیکی شدیدتری نشان داده اند. در مورد هر دو خیانت

در تصورات عامیانه مردم، زنان بیش از مردان حسود هستند و این مسئله در موقعیت های رمانتیک بیشتر به چشم می آید. اما تحقیقات نشان می دهد که زنان حسودتر از مردان نیستند بلکه آنها فقط در مورد موقعیت های متفاوتی حسادت می کنند. بر اساس مطالعه ای که در آلمان انجام شده، زنان بیشتر در مورد خیانت های احساسی حسادت می کنند، حال آن که حسادت مردان بیشتر

می شوند در حالی که پسران از این کار منع می شوند. البته یک استثناء در این زمینه به محیط های کاری مربوط می شود. امروزه زنان از گریه کردن در محل کار منع می شوند چون این کار می تواند نشان دهنده ضعف آنها باشد.

افسرده بیشتر از افراد غیر افسرده گریه می کنند و بر اساس تحقیقات انجام شده دو سوم افراد افسرده را زنان تشکیل می دهند. البته زمینه های اجتماعی نیز می توانند در گریه زنان موثر باشد، چرا که در بیشتر جوامع دختران به گریه کردن تشویق

چرا زن ها بیشتر گریه می کنند؟

موسسه گالوپ در یک نظر سنجی، دیدگاه آمریکائی ها را در مورد ویژگی های زنان و مردان جویا شد. نود درصد از پاسخ دهندگان ویژگی احساساتی بودن را برای زنان برگزیدند. اگر چه در این نظر سنجی به نوع احساسات یا مثبت و منفی بودن آن اشاره ای نشده بود اما نشان می دهد که آمریکائی ها نیز مثل سایرین زنان را موجوداتی احساساتی می دانند. بنا به یک عقیده کلیشه ای زنان در موقعیت های مختلف و به ویژه در شرایط رمانتیک علامت های پیچیده ای از خود نشان می دهند. اما آیا واقعاً زنان احساساتی تر از مردان هستند و بیشتر از آنها گریه می کنند؟ به ظاهر زنان بیشتر از مردان گریه می کنند. اما در زمان کودکی، دخترها و پسرها تقریباً به یک اندازه گریه می کنند و تنها در دوران بلوغ است که میزان گریه دختران از پسران پیشی می گیرد. بنا به گزارشی که روزنامه نیویورک تایمز در سال ۲۰۰۵ منتشر کرد دختران در سن ۱۸ سالگی چهار برابر همسالان مرد خود گریه می کنند. یکی از دلایل این مسئله به وجود هورمون پرولاکتین (prolactin) مربوط می شود که در چگونگی گریه کردن افراد تاثیر دارد. این هورمون در خون و اشک وجود دارد و در زنان بیش از مردان رایج است. مجرای اشک زنان نیز تفاوت اندکی با مردان دارد که می تواند یکی از دلایل گریه بیشتر در زنان باشد. بعلاوه افراد



گوناگون



شهر ویژه زنان احداث می شود

و مردان باید حرف شنو باشند و از زنان پیروی کنند. به گفته رسانه ها زمانی که گروه های گردشگری وارد این شهر شوند در خرید یا انتخاب مکان اقامت، حرف اول با زنان گردشگر خواهد بود و اگر مردان خلاف نظر زنان گردشگر عمل کنند با شستن ظروف رستوران ها مجازات خواهند شد. احداث این شهر که از اواخر سال دو هزار و پنج آغاز شده است سه تا پنج سال زمان خواهد برد.

تعقیب و مجازات خواهند شد. این مقام چینی افزود: دهکده لونگشویهو که سه کیلو متر مربع مساحت دارد به عنوان نخستین شهر زنان انتخاب شده است. اندیشه احداث این شهر در اندیشه سنتی محلی این منطقه ریشه دارد که بر اساس زن سالاری است و مردان از زنان پیروی می کنند. رسانه های چین اعلام کرده اند شعار جدید این شهر آن است که "زنان هرگز اشتباه نمی کنند. تصور رایجی که از زنان وجود دارد

دولت چین برای جذب بیشتر سرمایه گذاری در این کشور کار ساخت نخستین شهر ویژه زنان را در جهان آغاز کرده است یک مقام چینی در گفت و گو با شبکه تلویزیونی العالم گفت: "مقامات بخش گردشگری این کشور تلاش می کنند با احداث نخستین شهر ویژه زنان منبع جدید مالی برای چین ایجاد کنند." در این شهر، مردانی که مرتکب خلاف شوند

آیا زنان بیشتر از مردان دچار استرس می شوند؟

بدان معنی است که استرس در زنان بیشتر با دلایل فیزیکی در ارتباط است. به علاوه بدن زنان بیش از مردان هورمون های استرس تولید می کند. در شرایط استرس زا نیز بدن زنان نسبت به مردان در مدت زمان بیشتری هورمون توقف استرس را تولید می کند. ممکن است به همین دلیل زنان بیش از مردان موقعیت های استرس زا را در ذهن خود مرور می کنند

فیزیولوژیکی نیز در استرس زنان موثر باشند. به عنوان مثال، بخش های بادامی شکلی که (amygdale) نام دارند، در مغز در فرایند احساساتی مثل ترس و اضطراب دخیل هستند، در مردان با اعضای که به فرایند اطلاعات دیداری مربوط می شوند در ارتباط هستند. در زنان این بخش با عضلاتی که به تنظیم هورمون ها و گوارش می پردازد، در ارتباط است. این

اغلب آنها را افرادی نگران نشان می دهد. بر اساس یک نظر سنجی که موسسه گالوپ انجام داده زنان بیش از مردان در مورد موضوعات مختلف ابراز نگرانی کرده اند. یعنی زنان در مورد هشت موضوع از دوازده موضوع مورد تحقیق ابراز نگرانی کرده اند. مطالعات نشان می دهد علاوه بر نگرانی های بیشتر زنان، ممکن است برخی ویژگی های

در حاشیه طرح اصلاح مواد ۹۴۶، ۹۴۷، ۹۴۸ قانون مدنی در مجلس شورای اسلامی

آیا زنان از زمین ارث می برند؟

اشرف گرامی زادگان

واشجار ارث می برد. توضیح بیشتر این موضوع در ماده ۹۴۷ قانون مشخص شده است: زوجه از قیمت ابنیه واشجار ارث می برد و نه از عین آن ها. طریقه تقویم آن هم به این صورت است که ابنیه واشجار با فرض استحقاق بقاء در زمین بدون اجرت، تقویم می گردد.

تنها در صورتی که ورثه از اداء قیمت واشجار امتناع کنند زن می تواند حق خود را از عین آن ها استیفاء نماید.

به این ترتیب اگر مردی فوت کند و دارای یک زندگی متوسط و معمولی باشد بهره زن غیر از ازدست دادن شوهر و شریک زندگی و زیان معنوی گاه جبران ناپذیر و متلاشی شدن خانه و خانواده، زیان مادی خواهد بود که تا آخر عمر هم جبران نخواهد شد.

لذا مرگ همسر برای زوجه - در صورت عدم اصلاح قانون موجود و بستر سازی و تدوین و تصویب حمایت های اجتماعی - فقط خسران خواهد بود.

سابقه طرح

مجلس شورای اسلامی در دوره ششم اقدام به اصلاح قانون ارث زنان کرد که ماده ۹۴۹ قانون مدنی را نیز شامل شد.

در ماده ۹۴۹ قانون مدنی اگر هیچ وارث دیگری به غیر از زوج و زوجه نباشد شوهر تمام ترکه زن متوفی خود را می برد لیکن زن فقط نصیب خود را. بقیه ترکه شوهر در حکم مال اشخاص بلا وارث و تابع ماده ۸۶۶ قانون مدنی خواهد بود. نظر به آنچه گفته شد، زوجه یک وارث کامل شناخته نشده است.

این طرح در مجلس ششم مورد بررسی قرار گرفت اما به تصویب نرسید. طرح بجای مانده از مجلس قبل در مجلس هفتم مسکوت ماند. تا این که پس از ملاقات نمایندگان مجلس با مقام معظم رهبری و تاکید ایشان در دستور کار قرار گرفت.

زوج و زوجه مورد تاکید قرار می گیرد. ماده ۹۱۳ قانون مدنی در محور طبقه اول اعلام می کند که هر یک از زوجین که زنده باشد فرض خود را می برد و این فرض عبارت است از نصف ترکه برای زوج و ربع آن برای زوجه. در صورتی که میت اولاد یا اولاد اولاد نداشته باشد، و از ربع ترکه برای زوج و ثمن آن برای زوجه در صورتی که میت اولاد یا اولاد اولاد داشته باشد.

مجددا در ماده ۹۲۷ قانون مدنی در طبقه دوم گفته می شود که هر یک از زوجین که باشد فرض خود را از اصل ترکه می برد و این فرض عبارت از نصف اصل ترکه برای زوج و ربع آن برای زوجه. در ماده ۹۳۸ در طبقه سوم نیز مجددا تاکید می کند که هر یک از زوجین که باشد فرض خود را از ترکه می برد و این فرض عبارت از نصف اصل ترکه برای زوج و ربع آن برای زوجه.

در هر سه صورت هنگام محاسبه و نصیب از ترکه، هر گونه نقصی متوجه زوجین نخواهد بود.

نکته مهم در بحث ارث زوج و زوجه این است که:

۱- زوجیت باید دائمی باشد تا زن و شوهر از یکدیگر ارث ببرند.

۲- سهم الارث زوج نصف و سهم الارث زوجه ربع خواهد بود.

۳- زوج از تمام اموال زوجه ارث می برد اما زوجه فقط از اموالی که در قانون مدنی ذکر شده است. (ماده ۹۴۶)

۴- اگر وارث دیگری غیر از زن و شوهر نباشد، شوهر تمام ترکه زن متوفی خود را می برد ولی زن فقط نصیب خود را می برد. بقیه ترکه شوهر در حکم مال اشخاص بلا وارث و تابع ماده ۸۶۶ قانون مدنی خواهد بود.

نقص ارث زوجه

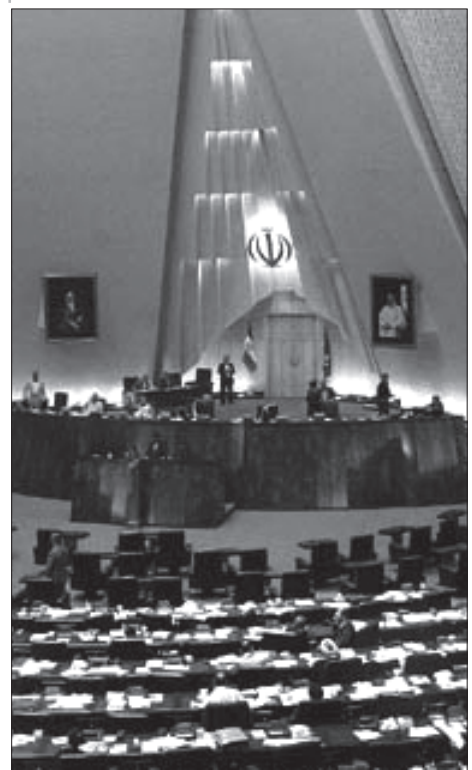
قانون مدنی اعلام می کند که زوجه فقط از اموال منقوله از هر قبیل که باشد و ابنیه

این سوالی است که پاسخ مثبت به آن در احقاق حقوق زنان نقش بسیار مهمی دارد و گامی اساسی به شمار می آید. با بررسی اجمالی این طرح و نگاه به سابقه حق ارث زنان در نقش زوجه به اهمیت آن بیشتر پی خواهیم برد. بی شک در آینده تاثیر این حرکت رادر زندگی زنان شاهد خواهیم بود.

قانون مدنی در باب دوم موضوع ارث را بیان کرده و در شش فصل به موجبات ارث، تحقق ارث، شرایط و موانع ارث، حجب، فرض و صاحبان فرض و در سهم الارث طبقات مختلفه وراث (طبقه اول، دوم و سوم وارث زوج و زوجه) و شرح آن پرداخته است. مبحث چهارم اختصاص به ارث شوهر و زن از یکدیگر دارد و سهم الارث زوج و زوجه رادر مواد مختلف تشریح کرده است.

ارث زوج

یادآوری این نکته لازم است که گفته شود در مشخص شدن هر طبقه از وراث، نصیب



گوناگون

اما توصیه ما به شما این است که گریه نکنید؟

زندگی اصلا خوب نیست. حال آنکه رفتارهای عاقلانه شما حتی در موقعیت هایی که به نفع شما نیست، می تواند زمینه ساز گفت و گو های بیشتر شما با همسرتان باشد. البته از شما نمی خواهیم که احساساتتان را نادیده بگیرید اما با احترام به تمام احساساتتان راه گفت و گو را نبندید و حتی اگر همسرتان خواست بعد از گریه شما این کار را انجام دهد مانع شوید و به او بفهمانید کلید حل اختلافات گفت و گو است.

گفت گو گریه نکنید. حتی اگر قادر به کنترل اشک هایتان نیستید اما گفت و گو را قطع نکنید. چون قطع گفت و گو بدان معنی است که شما قابلیت مکالمه را ندارید و حتی اگر بتوانید در کوتاه مدت یا حتی بلند مدت با گریه به مقصود خود برسید اما باعث می شوید طرف مقابل به این نتیجه برسد که شما نمی توانید طرف مشورت و گفت و گو باشید و اگر او همسر شما باشد هر روز فاصله تان بیشتر خواهد شد و این برای ایجاد یک تفاهم ایده آل در

بسیاری از زنان گمان می کنند که با سلاح گریه می توانند به هدفی که می خواهند برسند، به همین خاطر در میان گفت و گو و در شرایطی که احساس می کنند حق با آنها است و طرف مقابل قادر به درک این مساله نیست با قطع گفت و گو به گریه متوسل می شوند. اگر شما جزء این گروه از زنان هستید باید بدانید که اگر چه گریه در آن شرایط می تواند صحنه را به نفع شما تغییر دهد اما این یک تغییر اساسی نیست. پس سعی کنید هیچ گاه با قطع



هفت راز موفقیت زنان

دیگران نشان دهند یکی دیگر از رازهای موفقیت زنان بوده است. توسعه یک شبکه کاری و ارتباطی خوب، دانستن اصول مذاکره موثر، ایجاد تعادل بین کارهای خانه و کار بیرون، آگاهی از زمان استفاده از ریسک های هوشمندانه و دانستن اصول سازماندهی از دیگر رازهای موفق بودن زنان در عرصه های اقتصادی بوده است. در فصول مختلف این کتاب به تفصیل در مورد هر یک از این استراتژی ها توضیح داده شده و نمونه ای نیز از چگونگی استفاده از آن از سوی زنان موفق برای خوانندگان آورده شده است. البته این کتاب مخصوص زنان نیست و همه می توانند از تجربیات موفق موجود در آن استفاده کنند، البته اگر مردان با نگاه تعصبی به آن نگاه نکنند.

دو خواهر به نام های دونا و لینا بروکز بعد از مطالعه دقیق عملکرد صد هائزنی که در زمینه های اقتصادی مشغول به کار بودند توانستند به مجموعه ای از مهارت ها و فعالیت هائی دست پیدا کنند که در بین زنان موفق مشترک بوده است. آنها نتیجه تحقیقات خود را در کتابی با عنوان (هفت راز موفقیت زنان) به چاپ رسانده اند. این دو خواهر با چند صد زن مصاحبه کردند و در مورد روش های کاری با آنها صحبت کردند. در نتیجه این تحقیقات مشخص شد زنان موفق از اهمیت داشتن یک مشاور خوب آگاه بودند و از آن استفاده می کردند. چگونگی دیده شدن در مجامع عمومی و افزایش شرایطی که بتوانند با حضور در جامعه موفقیت خود را به

ثروتمندترین زن سیاهپوست دنیا

لیست صد نفر از تاثیر گذارترین انسان های دنیا که هر ساله از سوی مجله تایم اعلام می شود قرار داشته است. وی در آغاز کار خود سالانه دو میلیون دلار در آمد داشت اما اکنون در آمد وی در حدود ۲۲۵ میلیون دلار تخمین زده می شود که از طریق کار در تلویزیون، رادیو، مجله و سایر فعالیت های رسانه ای بدست می آورد. او از دارائی خود در زمینه امور خیریه استفاده می کند و یکی از پیام های برنامه های او این است که چگونه می توانیم از زندگی خود برای کمک به دیگران استفاده کنیم.

سرگرمی است. وی که کودکی را در روستائی فقیر در حاشیه می سی سی پی طی کرده اکنون در سن پنجاه دو سالگی تنها زن سیاه پوست بلیونر دنیا محسوب می شود. او پیرا در دهه ۱۹۸۰ و زمانی که تنها ۱۹ سال داشت کار خود را به عنوان مجری در تلویزیون های آمریکا شروع کرد. او در آن زمان جوان ترین مجری و البته تنها سیاهپوست شاغل در این حوزه بود. این دختر جوان به تدریج پله های ترقی را پیمود و به چهره ای ماندگار در عرصه رسانه تبدیل شد. او پیرا در سال های متمادی در



اوپرا وینفری (Oprah Winfrey) با هزار و پانصد میلیون دلار دارائی ثروتمندترین زن دنیا در حوزه

حذف نابرابری زن شاغل در بخش مستمری

اصل بیست و نهم قانون اساسی ناظر به برخورداری از تامین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی، بی سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت های پزشکی به صورت بیمه و غیره است که حتی همگانی شمرده می شود. دولت مکلف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم خدمات و حمایت های مالی فوق را برای همه افراد کشور تامین کند. با توجه به این اصل، تامین اجتماعی حق همگان است و زنان و مردان می توانند در چارچوب قوانین مصوب از این حق بهره مند شوند. از این رو هرگونه تبعیض و بی عدالتی در اجرای قانون مذکور موجب لوث قانون و ضرورتا اصلاح آن می شود. ارائه طرح تعلق مستمری پس از فوت بیمه شده زن به فرزندان یکی از آن پیشنهادهایی است که برای حذف تبعیض های ناروا و ناعادلانه به مجلس ارائه شد. سابقه این طرح به دوره پنجم و ششم مجلس برمی گردد. مهمترین حسن این طرح کمک به برقراری عدالت اجتماعی، توسعه چتر حمایتی برای فرزندان متوفی و گسترش امنیت خاطر مادران از آتیه فرزندان است.

در قانون تامین اجتماعی موادی وجود دارد که مانع از پرداخت مستمری پس از فوت (مادر) بیمه شده زن، به فرزندان است. البته در مورد بیمه شده مرد مشکلی وجود ندارد.

در طی این سالها زنان به این تبعیض معترض بودند و اقدامات صورت گرفته به علت فقدان اراده کافی برای احقاق حقوق آنان و دلایل ارائه شده از جمله استناد به تامین منابع مالی! سالها این تعلق حق را از آنان سلب کرد. پیشنهاد دو طرح، طرح اصلاح بند ۲ ماده ۸۲ قانون تامین اجتماعی و طرح حذف ماده ۸۲ و اصلاح ماده ۸۱ قانون تامین اجتماعی در مجلس ششم و در جلسات کارشناسی پیشنهاد شد.

در مجلس پنجم در سال ۱۳۷۵ طرحی تقدیم مجلس شد که بنای آن توجه به اصول ۲۰ و ۲۱ قانون اساسی و ماده ۱۱۱۸ قانون مدنی و همچنین ماده ۶

قانون کار و تاکید بر رعایت عدالت و مساوات بین زن و مرد قرار داشت. این طرح پس از تصویب در مجلس به دلیل ایجاد بار مالی مغایر با قانون اساسی شناخته شد و شورای نگهبان آن را به مجلس بر گرداند. پس از بررسی مجددا این مسیر طی شد و به مجمع تشخیص مصلحت نظام رفت و از سوی مجمع مورد تایید قرار نگرفت.

طرح مجلس پنجم مورد موافقت قرار نگرفت و مسئله تامین بار مالی طرح بیشترین زمان و انرژی را از کارشناسان و نمایندگان مجلس گرفت و به علت مغایرت با اصل ۷۵ قانون اساسی متوقف شد. قابل توجه است که در قانون تامین اجتماعی، به میزان مساوی از بیمه شدگان زن و مرد حق بیمه دریافت می شود و استفاده از مزایا و حمایت های مندرج بر اساس این پرداخت، باید به زنان نیز تعلق بگیرد. اما فقط مردان بیمه شده از آن بهره می برند.

موضوع تامین بودجه که دغدغه این طرح شناخته شده بود در عمل به علت پرداخت حق بیمه توسط زن شاغل این حق را برای او ایجاد می کرد که از مزایای این قانون مانند مستمری استفاده کند ولی اصرار بر مسئله تامین مالی قابل تامل بود.

تفاوت در

طرح پیشنهادی در دوره پنجم و ششم
این دو طرح دو تفاوت اصلی در محتوا با یکدیگر داشتند.

۱- در طرح پیشنهادی مجلس پنجم بیشترین مستمری مورد توجه طراحان بود در حالی که در دوره ششم تامین اجتماعی موظف شده بود هر دو مستمری رابه فرزندان دارای شرایط مستمری پردازد.

۲- در طرح دوره پنجم فرزندان شامل دریافت مستمری می شدند که طبق آرای محاکم قضایی تحت سرپرستی زن باشند، حال آنکه موضوع تحت سرپرستی در طرح دوره ششم مطرح نبود. به هر حال طرح نهایی پیشنهادی در دوره ششم مجلس، حذف ماده ۸۲ و اصلاح ماده ۸۱ قانون تامین اجتماعی بود.

در گزارش توجیهی طرح مذکور هم به ماده واحده "قانون پرداخت حقوق و وظیفه به فرزندان

که پدر و مادرشان مستخدم دولت بوده و هر دو فوت شده اند" مصوب ۱۳۵۵/۱۳ اشاره شده بود و هم به بخشنامه شماره ۵۹۵ فنی مربوط به سازمان تامین اجتماعی تاریخ ۱۳۶۸/۸/۱۱.

متأسفانه تلاش های صورت گرفته در دوره سابق مجلس به نتیجه نرسید و زمان زیادی برای حق برابری زنان و استفاده از مزایای بیمه آنان صرف و چه بسا بیهوده تلف شد.

لایحه ای از دولت

همزمان با اقدامات کارشناسی صورت گرفته در مرکز پژوهشهای مجلس و تهیه گزارش توجیهی و طرح ارائه شده، دولت نیز با ارائه لایحه اصلاح مواد ۸۱، ۸۲ و ۸۶ قانون تامین اجتماعی با طرح اینکه "به منظور ایجاد عدالت اجتماعی، رفع تبعیض در زمینه برخورداری ورثه قانونی از مستمری مستخدمین متوفی که حق بیمه خود را در طی سنوات خدمت پرداخت کرده اند و در جهت حمایت از حقوق فرزندان مستخدمین زن متوفی که جزو اقشار آسیب پذیر جامعه می باشند و در راستای احقاق حقوق زنان و جبران کمبود حضور مادران در منزل، این موضوع را در مجلس مطرح کرد. این لایحه نیز ناکام ماند.

مجلس هفتم

و سال ۱۳۸۶، تلاشی مجدد

طرح تسری قانون پرداخت حقوق و وظیفه به فرزندان مستخدمین متوفی مصوب ۱۳۵۵ به مشمولین قانون تامین اجتماعی در واقع همان طرح های قبل بود که با چهره ای دیگر به مجلس وارد شد. این طرح دو فوریتی عنوان گرفت و دو فوریت آن در جلسه علنی روز سه شنبه مورخ ۱۳۸۶/۱۰/۴ به تصویب رسید.

در توجیه طرح آمده است:

۱- به منظور هماهنگی بین فرزندان مستمری بگیر ویا وظیفه بگیر مشمولین قانون تامین اجتماعی و قانون استخدام کشوری

۲- به منظور یکنواختی و هماهنگی بین مردان و زنان شاغل یا بازنشسته مشمول قانون تامین اجتماعی که در سال های خدمت کسور بیمه و بازنشستگی خود را به یک میزان به صندوق تامین اجتماعی پرداخت نموده اند فلذا



طرح جدید در مجلس هفتم

طرح اصلاح مواد ۹۴۶، ۹۴۷ و ۹۴۸ قانون مدنی مصوب سال ۱۳۰۷ با امضاء ۱۰۹ نفر از نمایندگان تقدیم مجلس شد. این طرح دو فوریتی بود ولی یک فوریت آن تصویب شد. در دلایل توجیهی این طرح با استناد به بیانات مقام معظم رهبری در خصوص ارث زوجه از عقال که در ملاقات با بانوان بر آن تاکید شده بود، مجلس به سه دلیل ضرورت ورود این طرح را پذیرفت.

۱- قرآن کریم در خصوص سهم الارث زوجه در آیه ۱۲ سوره نساء می فرماید: «ولهن الربع مما ترکتم ان لم یکن ولد فان کان لکم ولد فلهن الثمن مما ترکتم...» یعنی زن یک چهارم یا یک هشتم از اموال شوهر متوفی خود را ارث می برد و هیچ تفاوتی بین اموال زوج قائل نشده و نیز بسیاری از روایات دلالت دارد که زن یک چهارم یا یک هشتم از تمام ماترک شوهر متوفی خود را ارث می برد در عین حال قائل شدن به این قول از میان اقوال فقهی که زوجه ذات ولد مشمول محرومیت نیست تخصیص کمتری به آیه وارد نموده است.

۲- جمع کثیری از فقهاء معتقدند زنی که از شوهرش دارای فرزند باشد هیچ گونه محرومیتی ندارد و از جمیع ماترک شوهر خود اعم از زمین و ساختمان و غیره ارث می برد مثلاً مرحوم محقق در شرایع می فرماید: «اذا کان لزوجه من المیت ولد ورثت من جمیع ماترک» و شیخ طوسی در نهاییه نیز می فرماید: «...وهذا الحکم الذی ذکرناه انما یکون اذا لم یکن للمراه

ولد من المیت فان کان لها منه ولد اعطیت حقها من جمیع ما ذکرناه من الضیاع والعقال والدور والمساکن» لازم به ذکر است که شهید ثانی این را قول مشهور دانسته است: «فالمشهور خصوصاً بین المتأخرین وبه صرح المصنف فی الکتاب اختصاص الحرمان بغیر ذات الولد من الزوج» همچنین فخرالمحققین در کتاب ایضاح الفوائد فی شرح اشکالات القواعد و مرحوم کراچکی در کنز الفوائد و فاضل مقداد در تنقیح، ارث بردن زوجه ذات ولد را از جمیع ماترک مفروغ عنه و مسلم دانسته اند و محل اختلاف رادر مورد میزان محرومیت زوجه از ماترک در مورد زوجه غیرذات ولد شمرده اند، چنانچه بیان داشته اند: «اختلف الاصحاب فی الزوجه اذا لمن یکن لها ولد علی اقوال ثلاثه» و این می رساند که در نظر آن ها ارث بردن زوجه ذات ولد از جمیع ماترک مسلم و مفروغ عنه می باشد، به هر حال فقهای بزرگی چون شیخ طوسی در نهاییه و مبسوط و شهید اول در لمعه و محقق در شرایع و شهید ثانی در مسالک و صدوق (به صورت اظهار تمایل) و علامه حلی در قواعد و تحریر و مختلف و ارشاد و تبصره و فاضل مقداد در فقه القرآن گویای این معنا می باشد که زوجه ذات ولد از جمیع ماترک ارث می برد.

۳- بیانات مقام معظم رهبری در جلسات اخیر بانوان به شرح ذیل: در همین مسئله ارث زن از زمین و غیر منقول نظر فقهی بعضی از بزرگان قدیم و امروز نظر فقهی خود ما هم همین است که آنچه منع از

میراث شده عین است و قیمت آن بلاشک حق همسر و زوجه است و اشکال هم ندارد. همچنین اخیراً در دیدار با فراکسیون بانوان مجلس شورای اسلامی دوره هفتم فرمودند: «مثل همین عقال که نظر من این است که زن از همه چیز ارث می برد و از قیمت - اما اگر از آن مرد فرزند داشته باشد از عین می برد این باید بیاید در قوانین ما.»

به این ترتیب طرح اصلاح مواد ۹۴۶، ۹۴۷ و ۹۴۸ قانون مدنی مصوب سال ۱۳۰۷ با مقدمات مذکور وارد مجلس شد. متن طرح پیشنهادی چنین است:

ماده ۱- ماده ۹۴۶ قانون مدنی به شرح ذیل اصلاح می گردد.

ماده ۲- ماده ۹۴۶: زوجین از تمام اموال یکدیگر ارث می برند لکن زوجه مستحق دریافت قیمت عرصه اعیانی و اراضی است.

ماده ۳- ماده ۹۴۷ قانون مذکور لغو می شود. ماده ۳- ماده ۹۴۸ قانون مذکور به شرح ذیل اصلاح می شود.

هرگاه در مورد ماده ۹۴۶ ورثه از اداء قیمت عرصه اعیان و اراضی امتناع کند زن می تواند حق خود را از عین استیفاء نماید.

با امیدواری به این که در همین مجلس قدم مثبتی به نفع حقوق زنان برداشته شود و زمان های از دست رفته جبران شود.

منبع: ۱- جلسه علنی ۳۸۶ مورخ ۲۷/۹/۸۶ مجلس شورای اسلامی

پانوش: ماده ۸۶۶ قانون مدنی: در صورت نبودن وارث، امر ترکه متوفی راجع به حاکم است.

سایه شوم هوو بر سر زن ایرانی

مینا جعفری

همه می گویند ازدواج امر خوشایند و مبارکی است. اما به واقع چه تضمینی به ویژه از نظر حقوقی برای زنان ایرانی در این امر مبارک وجود دارد؟ نمی توان منکر آن شد که از یک سو به علت وجود فقر مادی و فرهنگی، زنان و دخترانی وجود دارند که بدون توجه به کرامت و شرافت بشری شان حاضرند همسر یک مرد متاهل شوند و از سوی دیگر قانونگذار ایرانی در قانون مدنی بر خلاف اهداف اولیه حقوق یعنی برقراری عدالت و حمایت از گروههای عقب نگهداشته شده و آسیب پذیرتر (و در اینجا یعنی زنان) که به طور متمادی و نهادینه، مورد سرکوب و تحقیر و حذف از جامعه قرار گرفته اند، نه تنها به حمایت از این قشر بر نخاسته بلکه بر عکس، عوامل و دستاویزهای قانونی در جهت سرکوب هر چه بیشتر زنان در ید مردان قرار داده که از آن جمله بحث تعدد زوجات چه دایم و چه موقت می باشد. تا همین اواخر در هیچ قانونی به طور صریح به ماهیت این پدیده پرداخته نشده بود و بر همین اساس، داشتن همسران متعدد به نحو اغراق آمیزی، حق طبیعی مردان قلمداد نمی شد و صرفاً پرداختن به آثار آن مانند ارث در قانون مدنی و یا حق طلاق زن در صورت ازدواج مجدد مرد در قانون حمایت خانواده، نشانه تایید قانونگذار نسبت به وجود و تداوم این پدیده بود و این گونه به نظر می رسید که به دلیل قبح اجتماعی چند همسری در جامعه ایرانی، قانونگذار از پرداختن صریح به این پدیده طفره می رفت. اما گویا در یک چرخش ناگهانی، طراحان لایحه "حمایت از مردان در خانواده"، چند همسری را برای مردان، حق ذاتی و خلدشه ناپذیر انگاشته و دلیل این مدعا نیز بدیهی قلمداد کردن ازدواجهای بعدی دایم مرد در ماده ۲۳ و تبصره آن می باشد؛ ماده ای که در راستای محدود کردن حق تصمیم گیری زن اول و یا زنان قبلی مرد (!)، اذن دادگاه بر تایید عزم مرد عادل توانمند مالدار مبنی بر تجدید فرارش را جایگزین اذن زن دانسته است. فارغ از آنکه اذن دادگاهی که باید این خواسته غیر انسانی مرد را بر آورد متشکل از مردانی است که مردانگی شان همواره مجوز چنین عدالت گستریهایی را برمی تابد و گذشته از اینکه اصولاً انسان سلیم العقل و متعادلی حاضر می شود که در راستای اجرای عدالت، همسر خویش را با دیگران تقسیم کند و به همین دلیل اساساً باید در اصالت این اذن تردید داشت؛ قابل ذکر است که هر چند در ماده ۱۷ قانون حمایت خانواده ۱۳۵۳، گامی در جهت حمایت از زنان برداشته شد و آن هم تعیین

حس ۶ ماه تا سال برای مردی بود که بدون تحصیل اجازه از همسر اول خود، اقدام به ازدواج مجدد دایم یا موقت می کرد که این مجازات، مشمول حال زن دوم و عاقد نیز می شد، اما پس از انقلاب، شورای محترم نگهبان در راستای اسلامی کردن قوانین کشور، نظریه شماره ۱۴۸۸ خود را در مورخ ۱۳۶۳ مبنی بر غیر شرعی بودن این مجازات در مورد ازدواج مجدد اعلام کرد که البته گامی به عقب در راستای تضعیف و تزلزل هر چه بیشتر موقعیت زنان در کشور بود. اگر چه باید به یاد داشت که نظریه شورای نگهبان راجع به قانون عادی که قبلاً به تصویب مجلس رسیده است (یعنی سال ۱۳۵۳) لازم الاتباع محسوب نمی شود، اما رویه دادگاهها حتی در مورد مجازات ازدواج دایم مجدد مردان هم، قابل تامل و تعجب بر انگیز است؛ چرا که تمامی قضات دادگاههای خانواده در ایران، مرد بوده و ایشان از این نظریه در مورد عدم مجازات مرد حتی در برخی موارد، راجع به ازدواج مجدد دایم مردان هم پیروی کرده اند!

متأسفانه عرف رایج دادگاههای دارای ساختار کاملاً مردانه، چند همسری را حق طبیعی مردان دانسته و حتی در جهت حفظ و حمایت از خانواده ها نیز بر خورد جدی با آن نمی کنند. بر اساس داده های عقلی و نیز به تجربه ثابت شده که پدیده چند همسری، یکی از عوامل گسترش فساد در خانواده و اجتماع است؛ چرا که اگر زنان در گذشته، اهل اطاعت کورکورانه و تمکین محض بودند، در دوره کنونی با ورود هر چه بیشتر زنان ایرانی به محیط اجتماع و دستیابی به منابع اقتصادی، حاضر به سازگاری با مردی که همسر دیگری (چه دایم و چه موقت) اختیار کرده، نیستند و در برخی موارد، در واکنش به کرده همسر خویش، چه بسا زنان دست به اقدام متقابل زده و آسیب جدی به خود و خانواده وارد سازند. زنان ایرانی و یا حداقل بخش اعظم آنان، دیگر قوانین گذشته

ماده ۲۲ در راستای محدود کردن حق تصمیم گیری زن اول و یا زنان قبلی مرد (!)، اذن دادگاه بر تایید عزم مرد عادل توانمند مالدار مبنی بر تجدید فرارش را جایگزین اذن زن دانسته است

مربوط به ازدواج را بر نمی تابند و برای آنکه قانونگذار به عنوان نماینده و عصاره ملت، فاصله زیادی از واقعیتهای اجتماع نگیرد مکلف است هر چه زودتر دست به تدوین قوانین حمایتی زده و یا دست کم قوانین نابرابر را لغو نماید و بیش از این به اعطای اختیارات غیر انسانی به مردان که تطابق چندانی با زمانه ما ندارد، نپردازد و به یاد داشته باشد که افزایش آگاهی در زنان و ورود هر چه بیشتر آنان به اجتماع و اقتصاد، مصادف با مطالبه حقوق برابر از سوی ایشان است.

به طور اصولی، اگر نهاد قانونگذاری نتواند هماهنگ با خواسته های نیمی از مردمی که به حقانیت آن رای داده اند؛ یعنی زنان پیش رود، دیگر یک نهاد مردمی به شمار نمی آید. بر همین اساس قانون مدنی ایران در بخش خانواده، نیازمند تغییری جدی و بنیادین در راستای حمایت از زنان و توانمند سازی آنان (و نه صرفاً تجدید نظر مقطعی و جزئی) می باشد و افزون بر آن، تعیین مجازات برای برقراری روابط نامشروع و خارج از چارچوب خانواده مردان متأهل و زنانی که از تأهل مردانی از این دست آگاهند و با این وصف، تن به برقراری چنین رابطه ای با آنان می دهند نیز مورد لحاظ قرار گیرد نه آنکه مانند لایحه اخیر تقدیمی دولت به مجلس هفتم (لایحه حمایت از مردان در خانواده!)، مرد در صورت اثبات تمکن مالی و نه عاطفی (که عقلاً امر محالی است)، با اجازه دادگاه حق داشتن همسران دیگری را بیابد. از سوی دیگر باید بخشی از بودجه کشور به زنانی که یا خودسرپرست اند و یا به دلیل مردسالارانه بودن محیط های کاری موجود در جامعه ایران، توان یافتن کاری را نداشته و به علت جدایی از همسر و یا فوت او، به عنوان نان خور اضافی مورد استقبال خانواده خویش واقع نشده و مجبور به تن دادن به ازدواج با مردان متاهل و به ویژه صیغه، آنها هم صرفاً به دلیل نیاز مالی می شوند تخصیص داده شود. نه آنکه دولت به عنوان نگهبان حقوق به حق ملت، تکلیف اساسی خویش در جهت تامین مالی ملت را به دوش مردان متاهل مالدار بیندازد! مطمئناً این امر به افزایش آرامش جامعه خواهد انجامید و نه تصویب قوانینی که دست مردان را برای از هم پاشیدن کانون خانواده بازتر می سازد. قانون مدنی ایران در بخش خانواده، نیازمند تغییری جدی و بنیادین در راستای حمایت از زنان و توانمند سازی آنان (و نه صرفاً تجدید نظر مقطعی و جزئی) است.

طبق اصول بیمه‌گری باید حقوق زنان بازنشسته نیز نظیر مردان به عنوان حقوق وظیفه یا مستمری از محل پرداختی کسور بازنشستگی به فرزندان منتقل گردد بنابراین بار مالی نیز برای این طرح مطرح نمی‌باشد. نمایندگان دلایل دوفوریتی خود را در دوا بخش ارائه کردند:

۱- در برقراری عدالت اجتماعی و هماهنگی و یکسان سازی بین اقشار مشابه تامل جایز نیست و هرگونه تسریع مقرون به ثواب است. ۲- باتوجه به نزدیکی پایان دوره مجلس هفتم و حجم دستورات عادی با عنایت به مراتب فوق طرح مزبور برای سیر مراحل تصویب تهیه و به صورت دوفوریتی تقدیم می‌گردد. این طرح با امضای ۳۹ نماینده به مجلس ارائه شد و عنوان طرح تسری قانون پرداخت حقوق وظیفه به فرزندان مستخدمین متوفی مصوب ۱۳۵۵ به مشمولین تامین اجتماعی به خود گرفت. متن ماده واحده پیشنهادی چنین است: "قانون پرداخت حقوق وظیفه به فرزندان مستخدمین متوفی مصوب ۱۳۵۵/۱۱/۳ و

اصلاحات بعدی آن به مشمولین قانون تامین اجتماعی تسری می‌یابد و قوانین مغایر با آن لغو می‌گردد.

در سابقه این طرح به "قانون حقوق وظیفه به فرزندان مستخدمین متوفی مصوب ۱۳۵۵/۱۱/۳ و مصوب ۱۳۵۵/۱۰/۸" اشاره شده است. متن ماده واحده استنادی چنین است:

در صورت فوت مادر و پدری که مستخدم وزارتخانه‌ها یا موسسات یا شرکت‌های دولتی یا شهرداری‌ها باشند، فرزندان آنان می‌توانند با رعایت شرایط قانونی مربوط از هر دو حقوق وظیفه‌ای که طبق مقررات به علت فوت پدر و یا مادر برقرار می‌شود استفاده نمایند. حکم این ماده شامل سازمان‌هایی که شمول حکم درباره آنان مستلزم ذکر نام آن‌ها در قانون است نیز خواهد شد.

به این ترتیب یکی از تبعیضاتی که در مورد زنان در قانون وجود داشت با این طرح در دستور کار مجلس قرار گرفت به این امید که در سومین دوره‌ای که به صحن علنی می‌آید تصویب و به صورت قانون خود را نشان دهد. آرزو داریم این طرح در همین مجلس به

صورت قانون در آید و به مجالس بعدی کشیده نشود زیرا برای رسیدن زنان به حقوقشان حتی صبر کردن یک روز هم موجب ملامت خواهد بود.

منابع:

۱- گزارش توجیهی طرح پیشنهادی حذف ماده ۸۲ قانون تامین اجتماعی و اصلاح ماده ۸۱ قانون تامین اجتماعی - کد موضوعی ۲۴۰ - معاونت پژوهشی - مهرماه ۱۳۸۱ - تهیه و تدوین از نگارنده

۲- آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۹ - مواد ۱۵۸ - ۱۵۹ - ۱۶۰ - ۱۶۲ - ۱۶۴ - ۱۶۵ - ۱۷۷ - ۲۲۵

۳- اداره کل قوانین مجلس شورای اسلامی - دوره هفتم - تاریخ چاپ ۱۳۸۶/۱۰/۴

۴- اداره کل قوانین مجلس شورای اسلامی - ۱۳۸۳/۴/۱۷ - شماره چاپ ۱۷۱

۵- روزنامه رسمی کشور - شماره ۱۵۲۵۴ - جلسه‌های ۸۲ - ۹۹ - ۱۲۵ - ۱۳۴

پانویس:

هدف از طرح دوفوریتی، ضرورت جلوگیری از وقوع خسارت احتمالی و فوت فرصت است.



گزارش سازمان ملل از افزایش نقش جهانی زنان در مناصب سیاسی

مناصب وزارتی را به خود اختصاص دادند. "آندره جانسون" دبیر کل اتحادیه بین‌المجالس مستقر در ژنو، معتقد است که روند حضور و پیشرفت زنان در مسایل سیاسی کند و آهسته است و اگر روند حضور زنان در پارلمان‌ها به همین منوال ادامه یابد، تساوی جنسی در میان اعضای پارلمان تا بیش از سال ۲۰۵۰ محقق نخواهد شد. جانسون که سازوکار سهمیه‌بندی را چاره کار می‌داند، افزود: اگر به آمار کشورهایایی که در این زمینه پیشرفت کرده‌اند، نگاه کنید، یک عامل مشترک یعنی همان استفاده از سازوکار سهمیه‌بندی را در همه آنها خواهید دید. وی خاطر نشان کرد که در میان کشورهایایی که بیش از ۳۰ درصد نمایندگان مجالس آنان زن هستند، تنها کشورهای فنلاند، دانمارک و کوبا، سازوکار را آغاز و در برنامه خود گنجانده‌اند.



گزارش، کشورهای عربستان سعودی، قطر، امان، جزایر میکرونیزیای اقیانوس آرام، نورو، پالو، تووالو و جزایر سلیمان که هیچ زنی در پارلمان‌های آنها حضور ندارد، در ردیف‌های انتهایی این جدول قرار دارند. این گزارش همچنین حاکی است که برای نخستین بار، زنان در فنلاند و نورو بیش از نیمی از

ایرنا: نتایج مطالعات مشترک سازمان ملل و اتحادیه بین‌المجالس حاکی از افزایش نقش جهانی زنان در پارلمان‌ها و مناصب دولتی در طول سه سال گذشته است. به گزارش خبرگزاری رویترز از مقر سازمان ملل در نیویورک، گزارش موسوم به "جایگاه زنان در سیاست‌گذاری‌های سال ۲۰۰۸ جهان" که روز جمعه در سازمان ملل منتشر شد، حاکی است حدود ۱۸ درصد از قانونگذاران و نمایندگان در سطح جهان، زن هستند و ۷۱۶ درصد مناصب وزارتی در سطح جهان در اختیار زنان است که این، نشان‌دهنده افزایش دو درصدی این رقم به نسبت سال ۲۰۰۵ است. این گزارش نشان می‌دهد که "رواندا" با حضور ۴۹ درصدی زنان در پارلمان این کشور همچنان در صدر و "سوئد" و "فنلاند" هر کدام با ۴۷ و ۴۱/۱ درصد به ترتیب در مقام دوم و سوم قرار دارند. براساس این

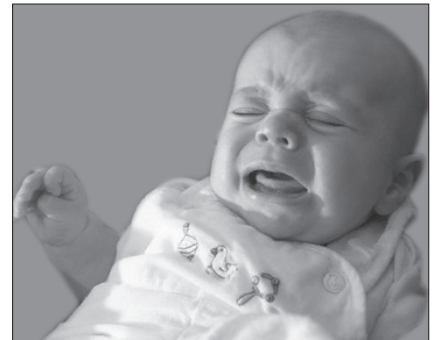
مرکز مشاوره ژنتیک کشوری در تهران گشایش یافت

تولد فرزند معلول پیشگیری می‌شود، افزود: بهترین زمان برای مشاوره، قبل از ازدواج و یا پیش از بارداری و حین بارداری است. زوج‌هایی که ازدواج فامیلی دارند باید با مراجعه به مراکز مشاوره ژنتیک برای داشتن فرزند سالم از راهنمایی‌های مناسب برخوردار شوند.

صفری افزود: زنان بالای ۳۵ سال، والدینی که سابقه داشتن فرزند بیمار ژنتیکی دارند، زوج‌های دارای سابقه نقص ژنتیک و گروه‌های قومی که نقایص خاصی در آنها دیده شده می‌توانند به مراکز مشاوره ژنتیک در سراسر کشور مراجعه کنند. بهزیستی تهران امسال یک میلیارد ریال به عنوان یارانه برای افرادی که قادر به آزمایش ژنتیک نبوده‌اند هزینه کرده است. به گفته وی، حدود ۷۰ درصد از هزینه مشاوره ژنتیک به عهده بهزیستی است و ۳۰ درصد دیگر را بیماران پرداخت می‌کنند.

بطورگروهی در این مرکز متمرکز شده‌اند. نسرین صفری اظهار داشت: بیماری‌هایی که در طول درمان به نتیجه نرسیده‌اند با مراجعه به این مرکز، تحت پوشش و درمان قرار می‌گیرند. وی ادامه داد: ۱۲۳ مرکز ژنتیک در کشور فعالند که از این تعداد ۱۱ مرکز خصوصی و هفت مرکز مشاوره ژنتیک دولتی در استان تهران وجود دارد. وی هدف از مشاوره ژنتیک را تشخیص مشکل ژنتیکی در خانواده و تعیین میزان خطر تکرار آن در حاملگی‌های بعدی ذکر کرد.

وی خاطر نشان کرد: در این مشاوره چگونگی به ارث رسیدن بیماری، ریسک بروز مجدد و روش‌های ممکن تشخیص قبل از تولد به بیماران توضیح داده و توصیه‌ها و راهنمایی‌های لازم در جهت پیشگیری به زوجها ارائه می‌شود. صفری با اشاره به اینکه با مشاوره ژنتیک از



ایرنا: مرکز مشاوره ژنتیک کشوری در تهران جنب شیرخوارگاه آمنه در خیابان ولیعصر (عج) گشایش یافت.

معاون امور فرهنگی و پیشگیری سازمان بهزیستی استان تهران گفت: این مرکز متشکل از کمیسوین کشوری اعم از پزشکان متخصص مشاوره ژنتیک و کارشناسان مشاوره است که

۴۶۰ قاضی زن در قوه قضاییه ایران فعالیت دارند

وظیفه دوم آنها بر شمرده. وی گفت: زنان کشور توانسته‌اند در عین انجام وظایف خود در خانواده، با پایبندی به احکام و اصول شرعی پایه عرصه جامعه گذاشته و همانند مردان برای جامعه خود سودمند باشند.

مسکو سفر کرده است طی سخنانی در جمع برخی از زنان ایرانی مقیم مسکو با تاکید بر ضرورت آگاهی بانوان نسبت به حقوق قانونی خود، مسوولیت اصلی آنها را حفظ کیان خانواده معرفی کرد و فعالیت در اجتماع را

ایرنا: مشاور وزیر دادگستری جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد در حال حاضر ۴۶۰ بانوی قاضی در قوه قضاییه ایران فعالیت دارند. "پوران ولویون" که برای شرکت در نشست علمی انجمن دوستی بانوان ایرانی و روس به

سازمان ملل در گزارشی اعلام کرد : ضرر ۴۷ میلیارد دلاری آسیا و اقیانوس آرام از مشارکت نداشتن زنان در عرصه های اقتصادی



آمده است: تحلیل بودجه پاسخگو به مسایل جنسیتی بر چیزی فراتر از ترازنامه هایی تمرکز دارد که این نکته را مورد بررسی قرار می دهد که آیا الگوهای فعلی دخل و خرج بر زنان و مردان به گونه ای متفاوت تاثیر می گذارند. منظور این نیست که بودجه های جداگانه برای زنان ایجاد می کنند، یا هدفشان منحصرافزودن هزینه های برنامه های مربوط به زنان است. بلکه به دولت ها کمک می کنند که درک کنند، چگونه ممکن است، نیاز به تعدیل اولویت های خود داشته باشند و برای محترم شمردن تعهدات خود در جهت دستیابی به برابری جنسیتی و پیشرفت در مسایل زنان منابع را دوباره اختصاص دهند، در دهه گذشته بیش از ۵۰ کشور، از جمله استرالیا، بولیوی، مصر، مکزیک، نپال، سنگال، اسپانیا و تانزانیا، ابتکارهایی را در زمینه تنظیم بودجه پاسخگو به مسایل جنسیتی آغاز کرده اند.

برای تحصیل، دسترسی به منابع و مکانی در گستره سیاسی به دست می آورند، زندگی آنان نه فقط از نظر کیفیت بهبود می یابد، بلکه از نظر اقتصادی نیز بهتر می شود. بر اساس برآوردهای بانک جهانی، افزایش یک درصدی مشارکت زنان در آموزش متوسطه با ۰/۳ درصد افزایش در درآمد سرانه همراه است. دسترسی نداشتن کافی زنان به اعتبار و وام، زمین، مراقبت بهداشتی و آموزش فن آوری های جدید، برخورداری از فرصت های آموزشی و کاری کمتر از مردان و در حاشیه قرار گرفتن به هنگام تصمیم گیری، نه فقط بر زندگی خود زنان و خانواده های آنان تاثیر می گذارد، بلکه از نظر توسعه سرمایه انسانی و مشارکت نیروی کار نیز مضر است.

فرصت های از دست رفته

در ادامه این گزارش با اشاره به فرصت های از دست رفته زنان در دنیا تصریح شده است: در آفریقا محدود بودن فرصت های اشتغال و آموزش برای زنان، رشد درآمد، سرانه سالانه را تا ۰/۸ درصد کاهش می دهد. اگر این رشد تحقق یافته بود، اقتصادهای آفریقا در ۳۰ سال گذشته دو برابر شده بود.

تنظیم بودجه بر اساس جنسیت

در ادامه این گزارش در تحلیل بودجه کشورها

ایستنا: بر اساس آمار کمیته یاری توسعه ای سازمان همکاری اقتصادی و توسعه از ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۶ تنها هشت میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار از مجموع ۲۶ میلیارد دلار بودجه کمک دوجانبه به بخش ها و فعالیت هایی اختصاص داده شد که آشکارا از برابری جنسیتی حمایت می کنند. قسمت عمده این مبلغ به بخش های اجتماعی، عمدتا به بهداشت و آموزش و پرورش اختصاص داده شده در حالی که اعتبارهای محدودی برای ارتقای از برابری جنسیتی در زمینه هایی مانند کشاورزی، امور زیربنایی یا امور مالی در نظر گرفته شده بود. سرمایه گذاری روی زنان و دختران تاثیری چندگانه بر بهره وری کارایی و رشد اقتصادی پایدار دارد، زنان تحصیل کرده امکانات اقتصادی بیشتری دارند و به گونه کامل تری در زندگی اجتماعی شرکت می کنند. این دسته از زنان تمایل دارند کودکان کمتر و سالم تر داشته باشند و احتمال این که فرزندان آنان به مدرسه بروند، بیشتر است. تحصیلات همچنین توانایی زنان و دختران را برای محافظت از خود در برابر ایدز افزایش می دهد. این گزارش با اذعان به این که زنان به ریشه کنی فقر و توسعه، مساعدت های بیشتری می کنند، تصریح می کند: وقتی زنان فرصت هایی

برای نخستین بار یک زن به عنوان عاقد نکاح در مصر انتخاب شد

استدلال او و همفکرانش بر پایه مذهب امام ابوحنیفه، یکی از چهار امام معتبر اهل تسنن استوار است. در مسائل شرعی مربوط به خانواده، مذهب حنفی مرجع اصلی قانون گذاری در مصر است. به موجب رای معتبر در این مذهب، یک زن بالغ و دانا در امر ازدواج می تواند ولی امر خود و ولی امر شخص دیگری نیز باشد. همانطور که این یک حق مسلم او است که وکیل خود را در هنگام عقد نکاح، خودش انتخاب کند. خانم امل می گوید، به عنوان یک زن می تواند در حل اختلافات خانوادگی، مسائل طلاق و جلوگیری از گسستن روابط میان زن و شوهر، نقش سازنده ای داشته باشد. همچنین او تلاش خواهد کرد تا خانواده ها را به پایین آوردن مهریه و کاهش دادن مصارف ازدواج تشویق کند.

استان شرقیه، واقع در ۹۰ کیلومتری قاهره است. او در چهار ماه گذشته با ۱۰ مرد برای بدست آوردن این مقام رقابت داشت و سرانجام دادگاه خانواده در این استان به نفع او رای داد. مزیت اصلی خانم امل در رقابت با این افراد، داشتن مدرک کارشناسی ارشد حقوق بود که آنان فاقد آن هستند. بی.بی.سی افزود: "در کشورهای عرب مسلمان سابقه ندارد یک زن به طور رسمی وظیفه عقدکننده نکاح را به عهده بگیرد و همین امر موجب شد تا واکنشهای علمای مسلمان و مردم عادی مصر نسبت به تعیین این خانم ضد و نقیض باشد.

دکتر "علی جمعه" مفتی اعظم مصر در راس کسانی قرار دارد که از این انتصاب دفاع کرده و فتوای رسمی در این زمینه صادر کرده است.



ایستنا: برای نخستین بار یک خانم در مصر به عنوان "مادون شرعی" یا متصدی عقد نکاح انتخاب شد. "امل سلیمان عقیفی سلیم" ۳۲ ساله اکنون مادون شرعی ناحیه دوم شهر قنایات در

نخستین زن ایرانی عضو مجلس اعیان انگلستان



عضویت مجلس اعیان درآمده بود. هاله افشار دکترای خود را از دانشگاه کمبریج دریافت کرده و پیشتر از دربار انگلیس لقب تشریفاتی «او بی

یک استاد مطالعات زنان در دانشگاه یورک در بریتانیا به عنوان نخستین بانوی ایرانی به عضویت مجلس اعیان این کشور در آمد. هاله افشار استاد علوم سیاسی و مطالعه قومی-مذهبی در دانشگاه یورک انگلستان و استاد قوانین اسلامی در دانشگاه بین المللی حقوق تطبیقی در استراسبورگ فرانسه است. پروفیسور «هاله افشار» که به عنوان نماینده مستقل و جدای از احزاب سیاسی به عضویت مجلس لردها برگزیده شده، دومین ایرانی عضو این مجلس محسوب می شود. پیش از «بارونس افشار»، لرد «دیوید (داوود) آلیانس» نخستین ایرانی بود که به

ای» را که مخصوص نخبگان این کشور است، دریافت کرده بود. خانم افشار به خصوص در شش سال اخیر و بعد از حملات یازده سپتامبر در آمریکا، یکی از فعالان حقوق مسلمانان و اقلیت های قومی و نژادی در انگلستان و منتقد پیگیر سیاست های این کشور و آمریکا محسوب می شود. پروفیسور افشار که فرزند دکتر حسن افشار، از روسای پیشین دانشکده حقوق دانشگاه تهران است، در حال حاضر رئیس و بنیان گذار دپارتمان مطالعات زنان در دانشگاه یورک و مشاور دولت انگلیس در زمینه مسائل زنان مسلمان، مقررات و حقوق اسلامی است.

رییس جمهور فرانسه برای سومین بار ازدواج کرد



رئیس جمهور فرانسه، نیکولاس سارکوزی، شنبه ۲ فوریه (۱۳ بهمن) ۲۰۰۸ با مدل و خواننده ایتالیایی، کارلا برونو، در کاخ الیزه ازدواج کرد. به گزارش خبرگزاری رویترز آن دو در یک مراسم ساده کشوری

که شهردار منطقه محل اقامت رسمی رئیس جمهور در پاریس آن را اجرا کرد، ازدواج کردند. آخرین رئیس دولت www.hamshahronline.ir که پیش از این در هنگام عهده دار بودن این مقام ازدواج کرده بود، ناپلئون سوم در سال ۱۸۵۳ بود. سارکوزی ۵۳ ساله در اکتبر گذشته پس از ۱۱ سال ازدواج و درست پس از پنج ماه ریاست جمهوری از همسر دومش جدا شد. همکاران او گفته بودند این طلاق به شدت او را پریشان کرده است. برونو ۴۰ ساله یک هوادار مشهور چپگرایان است، در حالیکه سارکوزی یک

دست راستی است که به عنوان طرفدار پرو پاقرص نظم و قانون شناخته می شود. سارکوزی رئیس جمهوری که توانست در انتخابات ریاست جمهوری با قدرت بسیار چپ گراها را از میدان بدر کند، اکنون در دام زیاروی خفته و وابسته به چپ گراهای پولدار افتاده است. رابطه سه ماهه سارکوزی و برونو که توجه گسترده رسانه ها را به خود جلب کرده بود، باعث کاهش میزان محبوبیت او در هفته های اخیر شده بود. برونو دارای یک پسر و سارکوزی دارای دو پسر بزرگ از ازدواج اول و یک پسر کوچک از زن دومش، سسیلیا است.

لغو ممنوعیت حجاب در دانشگاه های ترکیه



گل که خود مسلمان معتقدی به شمار می رود در پای این مصوبه پارلمان به معنای پایانی بر ممنوعیت تقریباً ۲۰ ساله حجاب در دانشگاه های دولتی ترکیه است. اما در سوی دیگر جبهه بی بین اسلام گرایان به رهبری حزب حاکم عدالت و توسعه و سکولارها بر سر این مساله شکل گرفته است. همزمان با تصویب اصلاحیه قانون اساسی در پارلمان ده ها هزار ترک سکولار در آنکارا پایتخت سیاسی ترکیه به تظاهرات علیه دولت پرداختند و خواستار استعفای دولت اسلام گرای رجب طیب اردوغان شدند. دینز بایکال، رهبر حزب جمهوری خواهان خلق که از اعضای اصلی اپوزیسیون به شمار می آید تهدید کرده بود در صورت لغو ممنوعیت حجاب موضوع را به دادگاه قانون اساسی ارجاع می دهد. اما در مقابل این مخالفت ها اردوغان نخست وزیر ترکیه ممنوعیت حجاب در دانشگاه های دولتی را مانعی در برابر حضور زنان جوان مسلمان در دانشگاه توصیف کرده بود که به ناچار در صورت

پارلمان ترکیه به رغم مخالفت سکولارها هر دو اصلاحیه لازم برای لغو قانون ممنوعیت حجاب (روسری) در دانشگاه های دولتی این کشور را تصویب کرد. به گزارش خبرگزاری رویترز، نهادهای سکولار شامل ژنرال های ارتش، قضات و اعضای ارشد دانشگاه ها بیم آن دارند که لغو ممنوعیت حجاب در دانشگاه ها جدایی دین از سیاست را در کشور که از اصول اصلی جامعه مدرن ترکیه به شمار می آید، از بین ببرد. رجب طیب اردوغان، نخست وزیر و رئیس حزب حاکم عدالت و توسعه قول داده بود که سکولاریسم را در کشور حفظ کند، اما تاکید کرده است که به عقیده وی دانشجویان محجبه باید به نشانه آزادی های فردی و مذهبی بتوانند در دانشگاه ها حضور یابند. دو سوم زنان ترکیه محجبه هستند و بسیاری از آنها به دلیل ممنوعیت حجاب در نهادها و موسسات دولتی که در سال ۱۹۸۹ به دانشگاه ها نیز کشیده شد، از حضور در دانشگاه و ادامه تحصیل بازماندند. اکنون امضای رئیس جمهور، عبدالله

انتخاب ادامه تحصیل در برابر ترک آن و حفظ حجاب به ناچار در ورودی دانشگاه ها حجاب خود را برمی داشتند و این مساله موجب شده بود حتی برخی از آنها برای پوشاندن موهای خود به شیوه هایی نظیر استفاده از کلاه گیس متوسل شوند. بر اساس تغییرات جدید ممنوعیت حجاب برای معلمان و کارمندان دولتی هم چنان به قوه خود باقی خواهد ماند.

سه‌میه بندی جنسیتی در کنکور ۸۷ آغاز می شود

« یک راه حل ساده برای مقابله با بیکاری »

علی عباسپور رئیس کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس هم برخی حساسیت های فرهنگی را در اعمال سه‌میه بندی برای برخی رشته های خاص قابل توجیه دانست. عباسپور در گفت و گو با اعتماد با تاکید بر همین موضوع حساسیت های فرهنگی در رشته هایی نظیر رشته های پزشکی گفت: «با توجه به حساسیتی که در کشور ما وجود دارد، باید در رشته هایی مثل پزشکی، تعداد پزشکان آقا و خانم متعادل باشد، چرا که در فرهنگ ما مساله مراجعه زنان به پزشک زن و مردان به پزشک مرد وجود دارد.» او با اشاره به سابقه پذیرش جنسیتی در رشته های پزشکی، تعیین سه‌میه ۵۰ درصدی به نفع خانم ها را در سال های ۷۳ و ۷۴ مثال آورد و گفت: «در آن موقع ما پزشک زن کم داشتیم و این سه‌میه را به نفع خانم ها اعمال کردیم و در حال حاضر وضعیت برعکس است و باید امتیازهایی برای آقایان قائل شویم.» رئیس کمیسیون آموزش مجلس در عین حال تاکید کرد که با سه‌میه بندی جنسیتی در باقی رشته ها مخالف است و این کار را فقط در باره رشته هایی خاص نظیر پزشکی قابل قبول می داند. عباسپور در مورد سه‌میه بندی به نفع دختران در رشته های فنی مهندسی و همین طور سه‌میه بندی در رشته های علوم انسانی گفت: «باید در این زمینه استدلال آقایان سازمان سنجش را شنید، چرا که ما معتقدیم سازمان سنجش قاعدتاً بر اساس منطق و مسائل اصولی کار می کند. حال باید پرسید که چرا مسئولان سازمان سنجش کشور به جای انجام وظایف خود در صدد تعدیل جنسیتی بازار کار و یا حل بحران بیکاری در کشور برآمده اند؟

سازی آزمون سراسری ضرابی را - به صورت ۴۰-۳۰ درصد زن، ۴۰-۳۰ درصد مرد و مابقی به صورت رقابتی - برای توزیع دانشجویان بر حسب جنسیت در نظر گرفته که این امر تاکنون در مراجع و مجامع کارشناسی به دقت واکاوی و بررسی شده است.» در بخش دیگری از این گزارش علت نگرانی ها مسائلی از قبیل تامین خوابگاه و حفاظت دختران در برابر آسیب های اجتماعی از حیث اجرایی و مسائلی چون بلا استفاده ماندن بخشی از هزینه های صرف شده برای تربیت نیروی متخصص، تغییر جنسیتی بازار کار و... از حیث اجتماعی و اقتصادی عنوان شده بود.

رئیس سازمان سنجش پس از درج این خبر در سایت ها و خبرگزاری ها، ضمن تایید اعمال پذیرش جنسیتی در آزمون کنکور سراسری ۸۷، اظهار داشت: «حداقل ورود شامل ۳۰ درصد دختر و ۳۰ درصد پسر می شود و بقیه داوطلبان به صورت رقابتی پذیرش می شوند و این بدان معنی است که ۳۰ درصد دختران با دختران و ۳۰ درصد پسران با پسران رقابت می کنند.» البته عبدالرسول پورعباس در گفت و گو با مهر با تاکید بر اینکه این نوع پذیرش به هیچ عنوان تبعیض تلقی نمی شود، گفت: «قانونی که ما اعمال می کنیم، ورود هر جنسیت را در برخی رشته های پزشکی و مهندسی و علوم انسانی تضمین می کند و این موضوع طبیعتاً در بخشی از ظرفیت ها به نفع دختران و در بخشی از ظرفیت ها به نفع پسران است.» با اعمال پذیرش جنسیتی در رشته های ریاضی و فنی به دلیل اینکه نمره دختران به طور میانگین پایین تر از نمره پسران است، به نفع دختران و در رشته های علوم تجربی، به دلیل بالاتر بودن نمره دختران، پذیرش بر اساس تفکیک جنسیتی به نفع پسران خواهد بود. پورعباس در پاسخ به این شبهه که با اعمال این قانون، امکان پذیرش بانمره های متفاوت میان دختران و پسران فراهم می شود، گفت: «تفاوت نمره بین دختر و پسر ناچیز و حدود ۲۰۰ نمره، یعنی یک یا دو سوال ممکن است. امکان ندارد دختر و پسر یکی بانمره بسیار پایین تر از دیگری، فقط به دلیل پذیرش بر اساس تفکیک جنسیتی پذیرش شوند.» او در توضیح صحبت های خود با ذکر مثالی افزود: «امکان ندارد در بخش ۳۰ درصدی پذیرش هر جنس، پسر یا بارتبه ۱۳ هزار قبول شود، اما دختری با ۱۰ هزار در همان رشته قبول نشود، بدین ترتیب اگر پسر یا بارتبه ۱۰ هزار قبول شود، دختر نیز بارتبه ۱۰ هزار و ۲۰۰ حتماً قبول می شود.»



با این که ضرورت سه‌میه بندی جنسیتی در سال های قبل بارها از سوی مسئولان وزارت علوم و سازمان سنجش کشور مطرح شده بود اما این بار دیگر موضوع کمی تقابلی جدی شده است. چه این که به نقل از سایت نوز، رئیس سازمان سنجش ضمن تایید اعمال پذیرش جنسیتی در آزمون کنکور سراسری ۸۷، حداقل ورود دختران و پسران را برای سال آینده ۳۰ درصد اعلام کرد. متأسفانه سه‌میه بندی جنسیتی به عنوان راه حلی برای مقابله با آمار بالای بیکاری در کشور مطرح شده و می شود و باز مثل همیشه مسئولان ساده ترین راه را انتخاب کرده اند. در واقع سه‌میه بندی جنسیتی که رسماً اعمال آن از سوی سازمان سنجش کشور و از سال جدید صورت می گیرد بر اساس گزارش مرکز پژوهش های مجلس در ارتباط بانگران کننده بودن وضعیت افزایش تعداد دختران در دانشگاه ها انجام شده است. گزارش مرکز پژوهش های مجلس که چندی پیش منتشر شد، با اشاره به این موضوع آمده بود: «نسبت دختران برای ورود به آموزش عالی و شرکت کنندگان در کنکور سراسری و پذیرفته شدگان دختر از سال ۱۳۶۲ تاکنون افزایش چشمگیری یافته است، به طوری که تعداد شرکت کنندگان زن در کنکور از ۴۲ درصد به ۶۵ درصد و میزان پذیرفته شدگان نیز از ۳۲ درصد به ۶۵ درصد ارتقا یافته است که این امر زمینه ساز بروز نگرانی هایی شده و به همین سبب سازمان سنجش در سال ۱۳۸۵ (برای ۲۶ رشته) و در سال ۱۳۸۶ (برای ۳۹ رشته) با اعمال سیاست متناسب



بایدها و نبایدهای مایکروفر

مترجم: ساناز فرازی

شده‌ای مضر بودن استفاده از مایکروفرها را تأیید نکرده است. اما همه می دانیم که اعتبار و صحت تحقیقات می تواند محدود و نسبی باشد. چنانچه در بعضی از موارد نیز عمدا این کار را انجام می دهند و بعدها ثابت می شود که بسیاری از این تحقیقات نادرست بوده اند.

ما به عنوان مشتری باید به میزان کافی هوشیار باشیم تا بتوانیم درست قضاوت کنیم

مثال تخم مرغ ها و این که چگونه در اواخر دهه ۱۹۶۰ اثبات شد که برای سلامتی ما بسیار مضر هستند را در نظر آورید. این امر منجر به بوجود آمدن محصولات متنوعی شد که خاصیت تخم مرغ را داشتند و در این جریان سود سرشاری عاید تولید کنندگان شد. در حالی که مراکز تولید تخم مرغ ورشکسته شدند. اما تحقیقات اخیر که با حمایت دولت انجام شده است، نشان داده که تخم مرغ برای سلامتی زیان آور نیست. بنابراین ما حرف چه کسی را باور کنیم و از چه معیاری برای تصمیم گیری درباره مسائل مربوط به سلامتی مان استفاده نمائیم.

گزینه های مادرانه

درست عمل می کنیم

از جنبه های بامزه تر قضیه می توانیم بگوئیم که حس ششم هر مادری بدون پروبرگرد درست عمل می کند. آیا تا به

انرژی برای پخت غذا می شناسیم. هر مایکرو فر شامل یک مگنترون است. همان لوله ای که الکترون ها در آن تحت تأثیر میدان الکتریکی قرار می گیرند. طوری که اشعه ای با طول موج بسیار کم در حدود ۲۴۵۰ مگاهرتز یا ۲۰۴۵ گیگاهرتز تولید می کنند. قطب کل موج نیرو در هر چرخش موج از مثبت به منفی تغییر می کند. در مایکروفرها این تغییر قطب میلیون ها بار در هر ثانیه اتفاق می افتد. همان طور که یک آهن ربا قطب شمالی و جنوبی دارد، مولکول های غذا مخصوصا مولکول های آب نیز سر منفی و مثبت دارند. یک فر قدرت درونی ای در حدود ۱۰۰ وات به صورت جریان متناوب دارد. اگر مایکروفرها از مگنترون تولید شوند غذا را بمباران می کنند و باعث می شوند مولکول های قطبی روند تغییر قطبیت را میلیون ها بار در هر ثانیه تکرار کنند.

تمام این تکان ها و تغییرات پیاپی موجب به وجود آمدن اصطکاک بین مولکولهایی می شوند که غذا را گرم می کنند. این روش غیرعادی گرم کردن زیان قابل ملاحظه ای نیز بر مولکول های پیرامون می گذارد و معمولا باعث تلاشی و یا تغییر شکل آن ها می شود. اما مایکروفرهای خورشیدی که بر اساس اصل ارتعاش جریان مستقیم عمل می کنند، گرمای اصطکاکی تولید نمی کنند. اجاق مایکروفری از جریان متناوب استفاده می کنند و حرارت مالشی تولید می نمایند. تاکنون هیچ تحقیق رسمی و دولتی منتشر

آیا این حقیقت دارد که تاکنون هزاران نفر ناآگانه سلامت خود را قربانی استفاده آسان مایکروفر کرده اند؟ تاکنون فکر کرده اید که چرا شوروی در سال ۱۹۷۶ استفاده از مایکروفر را ممنوع کرد؟ اصلا چه کسی مایکروفر را اختراع کرد و چرا؟ پاسخ این پرسش ها ممکن است شما را تا حدی شوکه کند که فوراً مایکروفرتان را دور بیندازید. بیش از ۹۰ درصد آمریکایی ها برای آماده کردن غذا از مایکروفر استفاده می کنند. چون مایکروفرها در مقایسه با فرهای معمولی هم کم مصرف و هم راحت ترند. مردم هم عموماً بر این باورند که مایکروفرها هیچ گونه اثر منفی بر روی سلامت غذا و آنها نمی گذارد. هدف از ارائه این گزارش بیان دلیل و مدرک برای اثبات این امر است که آشپزی با مایکروفر نه تنها طبیعی نیست بلکه برای سلامتی هم بسیار مضر است و ضرر آن به اندازه ای زیاد است که هیچ کس حتی نمی تواند تصورش را هم بکند.

اما سازندگان مایکروفرها، سیاستمداران آمریکایی و حتی انسان های عادی جامعه، همه و همه سعی در کتمان کردن و خاموش نگه داشتن حقایق و شواهد دارند، به همین دلیل هم مردم همچنان ناآگاهانه و البته بسیار خردمندانه به استفاده از مایکروویوها ادامه می دهند. بدون این که از تأثیرات زیان آور اطلاعی داشته باشند.

چگونگی عملکرد مایکروفرها

مایکروفرها همانند امواج نوری و رادیویی صورتی از انرژی الکترومغناطیسی هستند و بخشی از طیف الکترومغناطیس نیرو را تشکیل می دهند. در این عصر پیشرفته تکنولوژی ما از مایکروفرها برای مخابره پیام های تلفنی راه دور، فرستادن برنامه های تلویزیونی و اطلاعات کامپیوتری در سرتاسر و حتی به ماهواره ها در فضا استفاده می کنیم. اما بیشتر مایکروفرها را به عنوان منبعی از



چای سبز، اکسیر جوانی و سلامتی



درمانی که دارد مصرف آن در دنیا روند صعودی را طی می کند.

چای سبز بدون تردید یکی از اکسیرهای سلامتی است. این چای حاوی مقادیر زیادی آنتی اکسیدان است که تأثیر معجزه آسایی بر بدن می گذارد. به عقیده پزشکان چای سبز از به وجود آمدن سلول های سرطانی جلوگیری کرده و فشار خون را پائین می آورد. همچنین چای سبز تقویت کننده حافظه است و مصرف روزانه ۲ فنجان از آن احتمال آلزایمر و پارکینسون را کاهش می دهد. همچنین مصرف روزانه این چای از اشیاع چربی و کلسترول در بدن جلوگیری کرده و به حفظ جوانی و نشاط کمک می نماید. این نوشیدنی از طریق افزایش سوخت و ساز بدن به لاغر شدن نیز کمک می کند و تأثیر آن روی پوست خارق العاده است. این نوشیدنی مفید تمام معدنی و سودمند را برای پوست در خود دارد و خاصیت آن برای پوست تا حدی است که هیچ نوشیدنی دیگری را با آن نمی توان مقایسه کرد.

چای سبز دارای خواص ضد التهاب است و از غشای سلول حفاظت می کند. ضمناً خطر سرطان پوست را نیز کاهش می دهد. چه چای سبز را بنوشید و چه آن را بر روی پوست بمالید خطر آسیب پوست توسط اشعه ماورای بنفش خورشید کاهش پیدا می کند و به این ترتیب احتمال ابتلا به سرطان پوست کم می شود. ماده پلی فنول که در چای سبز وجود دارد نیز دارای خاصیت ضد التهاب است و سلامت پوست را به دنبال دارد.

و ایرانیان به جای چای قهوه می نوشیدند. به همین دلیل جای خانه های امروزی همان نام سنتی قهوه خانه را حفظ کرده اند. چای انواع مختلف دارد که دو نوع معروف آن چای سیاه و چای سبز است.

چای سیاه

این نوع چای پس از اتمام مراحل چای سازی به دست می آید و بیشترین مصرف را هم در دنیا دارد. این محصول به چای تخمیر یافته یا اکسید شده معروف است. این چای حاوی کمترین مقادیر آنتی اکسیدان ها و بیشترین مقدار کافئین است. کافئین ماده ای است با مزه کمی تلخ، که بر روی سلسله اعصاب مرکزی، ماهیچه ها و کلیه ها تأثیر می گذارد. ایجاد بی خوابی، افزایش فعالیت مغزی، رفع خستگی و کاهش فشار خون از خواص کافئین است. کافئین دارای اثر گشاد کننده گی رگهای خونی است که باعث افزایش سرعت تنفس و در نتیجه افزایش مقدار کاری می شود که توسط ماهیچه ها می تواند انجام گیرد. بدون این که ضربان قلب یا فشار خون زیاد شود.

چای سبز

برگ های چای پس از چیده شدن در معرض هوا تغییر رنگ می دهد. خیلی سریع پژمرده و اکسیده می شود. علت آن تخمیر برگ توسط آنزیمی است که باعث تجزیه کلروفیل و آزاد شدن تاتن برگ های چای می شود. اما در تولید چای سبز پس از چیدن برگ های چای آنزیم های اکسید کننده موجود در برگ های چای را سریعاً بخار آب از میان برده و سپس برگ ها را خشک می کنند.

به این ترتیب با از بین بردن آنزیم ها از تخمیر برگ های چای جلوگیری شده و چای حالت طبیعی خود را حفظ می کند. هر دو نوع چای سیاه و سبز برای سلامتی انسان مفید است اما همان طور که گفته شد، چای سبز به دلیل آن که اکسیداسیون روی برگ های آن صورت نگرفته نسبت به چای سیاه دارای خواص بیشتری است. چای سبز یکی از نوشیدنی های سنتی مردم چین و ژاپن است. این نوع چای طعم ملایم و گیاه مانندی دارد و با توجه به خواص

کشت چای برای نخستین بار در قرن سوم پیش از میلاد در سرزمین چین آغاز شد. کاشف چای امپراطور سین نانگ است که در قرن سوم پیش از میلاد می زیست. کشت چای از دوره یانگ تسه آغاز گردید و سپس از آن جا به سمت سواحل اقیانوس آرام و آن گاه به سمت جزایر ژاپن گسترش یافت. سرانجام عادت نوشیدن چای از چین به ژاپن رسید. پس از آن هم به نواحی دیگر آسیا از قبیل اندونزی، هندوستان، سیلان، پاکستان و ... منتقل شد.

تاجران هندی اولین کسانی بودند که در سال ۱۶۱۰ چای را به منظور فروش با خود به اروپا بردند. دردو محموله چینی که این تاجران با خود آورده بودند، تعدادی قوری نیز وجود داشت و به این ترتیب نوشیدن چای به سرعت در طول قرن هفدهم در اروپا رواج پیدا کرد. در سال ۱۲۸۰ هجری شمسی شاهزاده حاج میرزا کاشف السلطنه (نوه میرزا عباس) که در آن زمان ژنرال کنسول ایران در هند بود، این محصول را از هندوستان به ایران وارد کرد و توانست آن را در کناره های دریای خزر (لاهیجان) به عمل آورد. قبل از سال ۱۲۸۰ کشت چای در ایران رواج نداشت





غذاهایی که با مایکروفر تهیه می شوند، شامل مولکول ها و انرژی هایی هستند که در غذاهایی که بشر از بدو کشف آتش تا به حال پخته است. انرژی مایکروفر خورشید و سایر ستارگان جریانی است که به خط مستقیم سیر می کند در حالی که اشعه مایکروفری که به صورت مصنوعی ساخته شده مانند نمونه های به کار رفته در اجاق های مایکروفر از جریان متناوب به وجود آمده اند که در هر ثانیه یک بلیون بار و یا حتی بیشتر قطعیت هر یک از مولکول های موجود در غذا را تغییر می دهند و آن ها را گرم می کنند.

تولید مولکول های غیرطبیعی اجتناب ناپذیر است. امینه اسیدهایی که به طور طبیعی یافت می شوند تحت تأثیر مایکروفرها به فرم سمی تبدیل شده و دستخوش تغییرات ایزومتریکی (تغییر در شکل و ریخت) می شوند. دانشمندان طی تحقیقاتی کوتاه مدت به این نتیجه رسیدند که مصرف شیر و سبزیجات گرم و پخته شده با مایکروفر تغییرات بارز و نگران کننده ای در خون هر فرد به وجود می آورد. ۸ داوطلب ترکیبات مختلفی را از یک غذا که باروش های مختلفی طبخ شده بود، خوردند. خوردن تمام غذاهای پخته شده در مایکروفر منجر به ایجاد تغییراتی در خون داوطلبان شد. میزان هموگلوبین خون آن ها کاهش یافت و در کل میزان گلبول های سفید و کلسترول افزایش یافت.

لنفوسیت ها هم کاهش یافتند. دکتر هنز

اوربخ هر تال دانشمند تغذیه در سوئیس نخستین فردی بود که به تأثیر مواد تهیه شده در مایکروفر بر روی خون و کار اندام های بدن انسان پی برد و تحقیقات کلینیکی روی آن انجام داد. بررسی ها و نتیجه گیری های علمی نشان داد که آشپزی با مایکروفرها مواد مغذی موجود در غذاها را تغییر می دهد و این تغییرات منجر به تغییر خون می شود که می تواند سیستم بدن را مختل کند. در این تحقیقات تغییرات چشمگیری در نمونه های خون کسانی که از غذاهای تهیه شده درون اجاق های مایکروفر استفاده کرده بودند، مشاهده شد. این تغییرات شامل کاهش مقدار هموگلوبین و کلسترول، مخصوصا میزان کلسترول مفید و کلسترول مضر بود. لنفیست ها (گلبول های سفید خون) نیز کاهش کوتاه مدتی در این جریان داشتند. بروز هر یک از این علائم ها می تواند منجر به تخریب و آسیب بدن شود.

با توجه به این که مطالب علمی فراوانی در رابطه با تأثیرات مهلک اشعه مستقیم مایکروفر بر روی سیستم بدن موجودات زنده وجود دارد، جای بسی تعجب است که بدانیم چقدر کم در مورد این مسئله و جایگزین کردن این روش زیان بخش تحقیق شده است. مایکروفرهایی که به روش فنی تولید شده اند بر پایه اصل جریان متناوب عمل می کنند. اتم ها، مولکول ها و سلول هایی که تحت تأثیر برخورد این تشعشعات الکترومغناطیسی قوی قرار می گیرند مجبور به تغییر قطب با سرعت ۱۱ الی ۱۰۰ بلیون بار در ثانیه می شوند. هیچ اتم، مولکول و یا سلولی در هیچ یک از سیستم های طبیعی یافت نمی شود که بتواند چنین قدرت مخرب و ناگهانی را در این مدت طولانی یا حتی با میزان انرژی پائین تر در حد میلی وات تحمل کند.

در بین تمام مواد طبیعی قطبی-اکسیژن موجود در مولکول های آب از همه حساس تر است و بیشتر واکنش نشان می دهد. این همان سرمشاه و علت به وجود آمدن حرارت در سیستم آشپزی با مایکروفر است. اصطکاک حاصل از تنش و برخورد در مولکول های آب.

در طی این جریان ساختار مولکول ها از هم می پاشد و مولکول ها را وادار به تغییر

شکل می شوند. این فرایند باعث آسیب به خواص مولکول های می شود. این دقیقاً عکس روش گرم کردن غذا به روش معمول است که در آن گرما به طور طبیعی از خارج به داخل منتقل می شود. آشپزی با مایکروفر از درون سلول ها و مولکول ها جایی که آب وجود دارد و انرژی در آن جابه گرمای مالشی تبدیل می شوند، آغاز می گردد.

وقتی به طور غیرمستقیم در معرض تشعشعات مایکروفر قرار می گیریم تغییر شکل و نقص شدیدی در بدن ما اتفاق می افتد. درست مانند همان تغییراتی که در مولکول غذاهای پخته شده در مایکروفر به وجود می آید. این تغییرات منجر به تخریب و تغییر شکل مولکول های غذا می شوند. روش طبخ با مایکروفر همچنین باعث به وجود آمدن ترکیبات جدیدی به نام ترکیبات رادیواکتیوی می شود که ترکیبات ناشناخته ای هستند و در طبیعت یافت نمی شوند. ترکیبات رادیولیتیکی از فاسد شدن مواد به وجود می آیند که این خود نتیجه مستقیم پرتوافکنی است. سازندگان مایکروفرها معترضان به این امر تأکید می کنند که میزان ترکیبات رادیولیتیکی در غذاهایی که در مایکروفر پخته می شوند و در معرض اشعه قرار دارند. به هیچ وجه بیش از غذاهای کباب شده و یا پخته شده با دیگر روش های معمول نیست. اما دلایل و مدارک پزشکی و علمی که در این جا موجود است، نشان داده اند که این ادعا دروغی بیش نیست. در آمریکا هیچ گونه بررسی و آزمایشی در رابطه با تأثیر خوردن مواد تهیه شده در اجاق های مایکروفر روی بدن انسان نه در دانشگاه ها و نه از سوی دولت مرکزی انجام نشده است. آیا این امر عجیب به نظر نمی رسد؟

آن ها بیشتر تحقیقات شان را روی مسائلی مانند این که اگر در اجاق مایکروفرها درست بسته نشود چه اتفاقی خواهد افتاد و از این قبیل مسائل متمرکز کرده اند. بار دیگر عقل سلیم به ما هشدار می دهد که چرا آن ها توجهشان را روی اتفاقی که برای غذاهای پخته شده در مایکروفر می افتد، معطوف نمی کنند؟

دکتر لیتالی در کتابش با عنوان تأثیر تشعشعات مایکروفرها بر سلامتی و نیز در مجله نامه زمین چنین می گوید: تمام



به ندرت به آن اهمیت داده می شود. سازمان گسترش خدمات به خانواده های جوان وابسته به دانشگاه مینه سوتا مطلب زیر را در سال ۱۹۸۸ به چاپ رسانید. گرچه مایکروفرها غذا را به سرعت گرم می کنند، اما ما استفاده از آن را برای گرم کردن شیر نوزادان توصیه نمی کنیم. وقتی به بطری دست می زنید، ممکن است حس کنید که خنک است اما ممکن است مایع درون آن به شدت داغ باشد و دهان و گلوئی نوزاد را بسوزاند. همچنین بخار جمع شده در یک محفظه بسته مانند بطری بچه می تواند باعث انفجار آن شود. گرم کردن شیر درون مایکروفر می تواند تغییرات محسوسی در شیر ایجاد کند. ممکن است برخی از ویتامین های موجود در شیر خشک نوزاد از بین برود. شیر دوشیده شده از سینه مادر نیز ممکن است برخی از خواص حفاظتی خود را از دست بدهد. گرم کردن شیشه شیر با قرار دادن آن زیر آب گرم و یا گذاشتن آن در یک کاسه آب گرم و بعد تست کردن ن روی مچ دست ممکن است چند دقیقه طول بکشد اما مطمئن تر است. دکتر لینالی از هاوایی در ۹ دسامبر ۱۹۸۹ چنین گزارش داد: گرم کردن شیر خشک نوزاد درون مایکروفر ترنس آمینواسیدهای اساسی آن را به سیس ریزومرهای کاذب غیرطبیعی تبدیل می کند.

ایزومرهای غیرطبیعی چه سیس آمینواسیدها باشند و چه اسیدهای چرب ترنس از نظر بیولوژیکی فعال نیستند. این که در حال حاضر دیگر به اکثر نوزادان شیر طبیعی مادر رانمی دهند و در عوض به آن ها شیر تقلبی (شیر خشک) می دهند به اندازه کافی بد است چه برسد به این که شیر تقلبی را هم از این چیزی که هست بدتر کنند و آن را پس از سمی کردن درون مایکروفر به خورد افراد دهند.

گرم کردن خون درون مایکروفر بیماری را کشت

در سال ۱۹۹۱ دادخواستی مبتنی بر استفاده مایکروفرها برای گرم کردن خون مورد نیاز برای انتقال به بیماران در بیمارستانی که در اوکلاهما اقامه شد. موضوع مربوط به عمل جراحی باسن فردی به نام نورمن لویت بود که حین عمل جراحی به علت یک انتقال خون ساده جان

حال امتحان کرده اید؟ بچه ها هرگز نمی توانند بر حس درونی و ششم مادرها پیروز شوند. درست مانند این است که بخواهند بایک دست نیرویی را که معلوم نیست یک دفعه از کجا ظاهر شده را متوقف و با آن مبارزه کنند. اکثر ما متعلق به نسلی هستیم که مادرها و مادر بزرگ های مان از سیستم آشپزی مدرن "بگذار و بردار" ناراضی هستند و عقیده دارند که این روش برای پخت اکثر غذاها نامناسب است. مادر خود من که به طور کلی از پختن هر نوع غذایی در مایکروفر امتناع می کند. او حتی دوست ندارد فنجان قهوه ای را که درون یک اجاق مایکروفر گرم شده، بجشد. عقل سلیم و غریزه ذاتی مادرانه به او می گوید: آشپزی با مایکروفر به هیچ وجه طبیعی نیست و استفاده از این روش طعم واقعی غذاها را از بین می برد و با وجود این حتی مادر من هم بر خلاف میل اش به خاطر مشغله کاری گاهی تسلیم روش گرم کردن غذا در مایکروفر می شود. افراد زیادی هستند که همین حس را نسبت به استفاده از مایکروفر دارند اما آن ها جزء اقلیتی محسوب می شوند که پیرو مد نیستند و مربوط به زمانی اند که مایکروفرها تازه وارد بازار شده بود.

وقتی اجاق های مایکروفر به یک چیز معمولی و پیش پا افتاده بدل شدند، من هم مانند اکثر جوانان هم عصر خودم تصمیم گرفتم، حس و منطق ذاتی مادرم را نادیده بگیرم و به اکثریتی بپیوندم که همگی بر این باور بودند که آشپزی با مایکروفر آن قدر راحت و آسان و سریع است که به هیچ وجه نمی توان تصور کرد این روش اشکال دارد. باید این ذکاوت و احساس درست مادرم را به ثبت برسانم. به این دلیل که اگر چه او از دلایل علمی، تخصصی و بهداشتی بی اطلاع بود. اما تنها به دلیل طعم متفاوت غذاهای پخته شده درون مایکروفر می دانست که مایکروفرها خوب نیستند. او حتی شیوه تغییر قیافه غذاهایی را که در مایکروفر پخته می شدند را نیز نمی پسندید.

مایکروفرها

برای شیر بچه ها مضر هستند

برخی از مضرات استفاده از مایکروفرها برای عموم اعلام شده است. اما متأسفانه

خود را از دست داد. ظاهراً پرستار خون را در اجاق مایکروفری گرم کرده بود. این تراژدی نشان داد که استفاده از مایکروفر تنها یک فرایند گرم کردن ساده نیست و تأثیر آن به مراتب بیش از آن چیزی است که همه ما می پنداریم. همیشه خون مورد نیاز برای انتقال را گرم می کنند. اما نه در مایکروفر. در جریان بیماری خانم لویت گرم کردن خون در مایکروفر باعث تغییر خون و در نتیجه مرگ بیمار شد. این امر کاملاً محرز است که اشعه مایکروفر "اشعه گرمازا" روی موادی که گرم شان می کند تأثیر می گذارد. همچنین کاملاً روشن است که کسانی که غذایشان را در مایکروفر می پزند می توانند این مواد ناشناخته را ببلعند و هضم کنند. چون بدن در حالت طبیعی الکترو شیمیایی است، در نتیجه هر عاملی که فرایند الکترو شیمیایی انسان را برهم بزند و یا آن را تغییر دهد، روی کار اندام ها در بدن تأثیر می گذارد.

مدارک و حقایق علمی

در تحقیقی که به مقایسه غذاهای آماده شده به روش معمول و سنتی با غذاهای آماده شده در اجاق های مایکروفر پرداخته است و در سال ۱۹۹۲ از وی Raum و zolt به چاپ رسیده است، در صفحات ۳ تا ۴۳ چنین نوشته شده است: یک اصل ساده و در عین حال اساسی پزشکی بیان می کند که هرگونه دخل و تصرف و تغییر غیرعادی در مولکول ها و انرژی های موجود در بدن بیش از آن چه برای بدن مفید باشد، به آن ضرر می رساند.

زمینه ساز گسترش فرهنگ سپرده گذاری در میان زنان

فاطمه تهرانی

قرض الحسنه به بیش از ۱۱۶۲۴۲ نفر از زنان عضو طرح ایران پرداخت شده است.

همچنین به منظور فراهم کردن امکان دسترسی زنان به منابع اعتباری و بهره مندی آنها از تسهیلات و خدمات بانکی، صندوق حساب پس انداز زنان در بانک کشاورزی نیز شکل گرفته است.

این صندوق با هدف تجهیز پس اندازهای زنان و ارائه تسهیلات به آنان و گسترش دسترسی این گروه از جامعه به خدمات نوین بانکی فعالیت می کند.

بانک کشاورزی سال هاست که برای توانمندسازی و ایجاد فرهنگ سپرده گذاری در میان زنان تلاش می کند و امیدوار است که بتواند مشارکت روزافزون زنان جامعه را در افتتاح حساب و سرمایه گذاری به منظور بهبود کمی و کیفی شرایط زندگی در حال و آینده جلب نماید.

***معاون اداره کل بازاریابی و تجهیز منابع بانک کشاورزی و مسئول صندوق پس انداز زنان ایران**

کمک هزینه خرید رایانه و تعمیرات مسکن ملکی بر اساس مقررات و ضوابط بانک.

به این ترتیب که در ازای شش ماه موجودی حساب، یک دوم میانگین روزشمار تسهیلات اعطاء می شود. بعد از یک سال یک برابر، بعد از ۲ سال ۲ برابر و بعد از ۳ سال ۳ برابر حداکثر تا سقف ۶ میلیون ریال تسهیلات اعطاء می شود.

۳- کارمزد تسهیلات قرض الحسنه پرداختی ۴ درصد است و مدت بازپرداخت آن حداکثر ۳ سال و در اقساط مساوی و ماهیانه خواهد بود.

۴- تعاونی های زنان که در زمینه تولیدی، خدماتی و بازرگانی فعالیت دارند می توانند با افتتاح حساب و متمرکز کردن عملیات بانکی خود نزد شعب بانک کشاورزی از امتیازات طرح برخوردار شوند.

۵- ارائه خدمات بانکی در محل سکونت به آن دسته از زنان عضو که به لحاظ کهولت سن یا بیماری قادر به به مراجعه به بانک نیستند.

۶- صدور ایران کارت برای کلیه زنان عضو این طرح به منظور فعالیت الکترونیکی و امکان استفاده زنان از حساب خود به جای کیف پول.

۷- در اولویت قرار دادن ارائه خدمات بانکی به اعضای این طرح در شعب بانک کشاورزی

در واقع مهمترین هدف اجرای این طرح ارائه خدمات نوین بانکی ویژه زنان، فراهم ساختن زمینه حضور و فعالیت زنان در عرصه های مختلف اقتصادی به خصوص کشاورزی، ایجاد امکانات لازم برای رشد و توسعه فعالیت و ارتقای سطح زندگی بانوان و کمک به اقشار آسیب پذیر و فقرزدایی از جامعه زنان در کنار ایجاد پشتوانه مالی برای زنان و در نهایت آشنایی بیشتر زنان شهری و روستایی با فعالیت های بانکی و تشویق آنها به سپرده گذاری است.

تاکنون بر اساس آمار گزارش عملکرد بانک کشاورزی، از ابتدای اجرای این طرح تا پایان سال ۱۳۸۵، ۴۱۰۸۵۳ میلیون ریال تسهیلات

ماده ۱۱۱ و اصل ۲۸ قانون اساسی دولت را مکلف کرده است که با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای تمامی افراد با شرایط مساوی زمینه شغلی را فراهم سازد. نظر به اهمیت این اصول و تلاش برای تحقق آن، بانک کشاورزی برای اولین بار در سال ۱۳۷۳ با اجرای طرحی به نام طرح حضرت زینب کبری (س) تلاش کرد تا زنان را به عنوان یکی از گروه های مهم بانک در اعطای وام و تسهیلات مورد توجه قرار دهد.

در این طرح تلاش شد تا زنان سرپرست خانوار که به ویژه در بخش کشاورزی نیز در کنار سایر بخش ها نقش عمده ای ایفا می کنند، بتوانند از امکان دریافت وام با کارمزد ۴ درصد و دوره بازپرداخت ۵ ساله برخوردار شوند.

یکی از ویژگی های مهم این طرح دریافت وام بدون سپرده گذاری است که البته برای اخذ آن شرایطی مانند بومی بودن افراد، سرپرستی خانوار و داشتن یک فعالیت تولیدی در بخش کشاورزی الزامی است. بعد از موفقیت این طرح، در سال ۱۳۷۸ با توجه به این که ۹۰ درصد از تسهیلات اعطاء شده به زنان در قالب طرح حضرت زینب (س) وصول شده بود، مسئولان بانک کشاورزی این بار طرح ایران را برای زنان تعریف کردند. در برنامه ریزی برای طرح مذکور تلاش شد تا خدمات بانکی ویژه ای به زنان اعطاء شود.

مهمترین ویژگی طرح ایران این است که کلیه زنان اعم از شاغل، خانه دار، شهرنشین و روستایی می توانند از طریق حساب های بانکی به عضویت طرح مذکور درآیند و از مزایای ذیل برخوردار شوند:

۱- دارندگان حساب قرض الحسنه پس انداز ایران در قرعه کشی سالانه حساب های قرض الحسنه بانک شرکت داده می شوند.

۲- پرداخت تسهیلات بر اساس میانگین کارکرد روزانه حداکثر تا ۶ میلیون ریال برای تأمین هزینه خوداشتغالی، تهیه جهیزیه، ازدواج، کمک هزینه تحصیلات دانشگاهی خود یا فرزندان، کمک هزینه خرید کالا،



ای که یا خاصیت کمی از آن به بدن می رسد و یا اصلا هیچ خاصیتی را به بدن نمی رسانند و یا در حالتی دیگر بدن انسان مواد تغییر یافته را جذب می کند اما توانائی تجزیه آن را ندارد.

۶- وقتی سبزیجات را درون مایکروفر می پزیم ، مواد معدنی موجود در آنها تغییر کرده و به رادیکال های آزاد سرطان زا تبدیل می شوند.

۷- غذاهای پخته شده در مایکروفرها، باعث ایجاد دل درد و رشد سرطان های روده ای (تومورها) می شوند.

۸- تداوم در خوردن این غذاها باعث افزایش سلول های سرطان زا در بدن می شود.

۹- مصرف مداوم غذاهای پخته شده در مایکروفر باعث اختلال در سیستم ایمنی بدن در سراسر غدد لنفاوی و سرم خون می شود.

۱۰- خوردن این غذاها باعث کم شدن حافظه، تمرکز و تعادل روحی می شود و میزان هوش را نیز کم می کند.

۱۱- مصرف این غذاها همچنین باعث کاهش عمر انسان نیز می شود و خواب های آشفته را نیز به دنبال دارد. شما که دیگر تا الان مایکروفرهایتان را نگه داشته اید،

پس از دور انداختن مایکروفرهایتان می توانید از تستر به عنوان جایگزینی برای آن استفاده کنید. تستر هم خوب کار می کند و هم این که تقریبا همان سرعت پخت را دارد.

مایکروفرها اشعه های الکترومغناطیسی تولید می کنند که به غذاها آسیب می رساند و موادی را که درون آن ها پخته می شود را به مواد سمی و محصولات سرطان زا تبدیل می کنند.

دلایلی که باید به موجب آن مایکروفرها را دور انداخت

با توجه به نتایج به دست آمده از تحقیقات علمی و آزمایشگاهی محققان سوئیسی، روسی و آلمانی دیگر نمی توان وجود مایکروفرها را در آشپزخانه نادیده گرفت. بر اساس این تحقیقات می توانیم به نتایج ذیل برسیم.

۱- تداوم در خوردن غذاهایی که در مایکروفر پخته می شوند می تواند موجب تولید آسیب های طولانی مدت مغزی از طریق از بین بردن قطبیت و یا خاصیت مغناطیسی بافت های مغز شوند.

۲- بدن انسان توانایی متابولیسم (تجزیه) مواد ناشناخته و محصولات فرعی را که در غذاهای پخته شده در مایکروفر به وجود می آید، ندارد

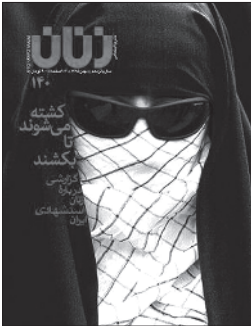
۳- در پی مصرف مداوم این نوع غذاها تولید هورمون های زنانه و مردانه مختل می شود و یا کاملا از بین می رود.

۴- آثار محصولات فرعی تولید شده از غذاهای مایکروفری یا به صورت طولانی مدت و یا به طور همیشگی در بدن انسان باقی می ماند.

۵- ویتامین ها، مواد معدنی و مغذی تمام غذاهای پخته شده در مایکروفرها کاهش می یابد و یا به طور کلی تغییر می کند به گونه

ماهنامه زنان لغو امتیاز شد

اکرم فرزانی



رویکرد تند فمینیستی است که به رغم تذکرات مکرر اداره کل مطبوعات داخلی و هیئت نظارت بر مطبوعات همچنان به تخلفات خود ادامه داده است. "این اطلاعیه می افزاید:"

ماهنامه زنان علاوه بر تذکرات شفاهی در تاریخ های ۸۲/۴/۱، ۸۲/۶/۳۰، ۸۳/۱/۹، ۸۳/۸/۲۵، ۸۴/۱/۲۲ و ۸۶/۵/۸ تذکر کتبی دریافت کرده و در آخرین تذکر از مدیر مسئول این نشریه خواسته شده بود که نتیجه اقدامات خود را برای اصلاح نشریه در پی تذکرات دریافتی به هیئت نظارت بر مطبوعات و اداره کل مطبوعات داخلی اعلام کند که تاکنون پاسخی دریافت نشده است. "در این اطلاعیه، برخی از مطالب مندرج در نشریه زنان آورده شده است. ماهنامه زنان در بهمن ۱۳۷۰ انتشار خود را آغاز کرد و تا بهمن ماه جاری ۱۵۲ شماره را در ظرف ۱۶ سال منتشر نمود. این ماهنامه به صورت تخصصی در موضوع زنان به بررسی مشکلات زنان در حوزه اجتماعی می پرداخت و نقش قابل توجهی در انعکاس

تلاش های زنان داشت. فریده غیرت و کالت این نشریه را بر عهده گرفته است. شهلا شرکت در دوران مسئولیت آقای خاتمی در موسسه کیهان مدیر مسئول مجله زن روز بود و پس از خروج از موسسه مذکور مجله زنان را منتشر کرد.

مجله حقوق زنان با تاسف از لغو مجوز نشریه زنان امیدوار است که این نشریه بتواند مجدداً به صحنه مطبوعات باز گردد.



ماهنامه زنان به مدیر مسئولی شهلا شرکت با تصمیم هیئت نظارت بر مطبوعات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی لغو امتیاز شد. خبرگزاری فارس به نقل از یک منبع آگاه

گزارش داد: "ماهنامه زنان به مدیر مسئولی شهلا شرکت در جلسه امروز هیئت نظارت بر مطبوعات به دلیل درج مطالب و اخبار به گونه ای که موجب سلب امنیت روانی جامعه می شد، لغو مجوز شد. "این مقام آگاه گفت: "این ماهنامه به دلیل اختلال در حقوق عمومی و تضعیف نهاد های نظامی و انقلابی از جمله بسیج مستند به اصل ۲۴ قانون اساسی و صدر ماده ۶ قانون مطبوعات و مصوبه نشست ۲۹۸ شورای عالی امنیت ملی به تاریخ ۲۸ آبان ۱۳۷۹ و تبصره ۲ از ماده ۵ قانون مطبوعات مبنی بر لازم الاجرا بودن این مصوبات به دلیل بی توجهی به تذکرات کتبی و شفاهی که پیش از این مکرراً به مدیر مسئول نشریه داده شده است بنابه رای اعضای هیئت، لغو مجوز شد. "وی همچنین از

ارجاع پرونده این ماهنامه برای رسیدگی به دادگاه خبر داد. دبیرخانه هیئت نظارت بر مطبوعات با انتشار اطلاعیه ای اعلام کرد: "ماهنامه زنان بر اساس تصمیم جلسه مورخ ۸/۱۱/۸۶ هیئت نظارت بر مطبوعات و به استناد تبصره ماده ۱۱ قانون مطبوعات لغو مجوز شده است. "در این اطلاعیه آمده است: "ماهنامه اجتماعی زنان از جمله نشریات پر تخلف با





محسوب شود.

پرسیدم: شاید با یک مارک بتوانیم چیزی گیر بیاوریم.

پدر گفت: یک مارک؟ و بعد با حالتی تحقیر آمیز نفس اش را از بینی خارج کرد و ادامه داد: دست کم دو مارک آب می خورد. تازه کجا می شود یکی پیدا کرد؟

پدر گفت: بیا! من هم داشتم دقیقا به همین فکر می کردم.

گفتم: اما ما که اصلا قادر به خریدن آن نیستیم. دو مارک! حالا از کجا می خواهی این پول را بیاوری؟ پدر چراغ نفتی را بلند کرد و به دور و بر اتاق نگاهی انداخت. می دانستم دارد فکر می کند. آیا چیزی برای گرو گذاشتن داریم یا نه؟ اما تقریبا همه چیزمان حتی گرامافون را داده بودیم. موقعی که مردک آن را با خودش برد، کلی زار زده و قشقرق به پا کرده بودم. پدر چراغ را دوباره سر جایش گذاشت و سینه صاف کرد. حالا دیگر بخواب، من خودم بعدا فکری در موردش می کنم. اما بعدا تنها کاری که کردیم گشت زدن در اطراف محل های فروش درخت های نوئل بود. مردم پشت سر هم درخت می خریدند و می رفتند و ما هنوز درخت نداشتیم.

روز پنجم وقتی که طبق معمول در موزه زیر دایناسورها به شواژ تکیه داده بودیم، پرسیدم: حالا همیشه...؟

پدر با لحن تندی پرسید: نمی شه چی؟ منظورم این است که نمی شود سعی کنیم یک درخت معمولی پیدا کنیم.

خل شدی؟

پدر عصبانی بود.

شاید منظورت کنده زغالی است که آدم آخرش سر در نمی آورد جارو دستی است یا مسواک، اصلا فکرش را هم نکن.

خوب. پس چاره چه بود؟ شب میلاد نزدیک تر و نزدیک تر می شد. اوایل در خیابان پراز درخت نوئل بود. اما کم کم آنها درآمد و یک بعد از ظهر خودمان شاهد بودیم که جیمی چاقه فروشنده درخت های نوئل چطور آخرین درخت خودش را که مثل چوب کبریت تنک و باریک بود. به قیمت ۳ مارک و ۵۰ فینیک فروخت. روی پول تقی انداخت، روی دو چرخه اش پرید و غیبت زد. حالا دیگر داشتیم غمگین می شدیم. اوضاع چندان بد نبود. اما به هر حال همین کافی بود که فریدا ابروهایش را همان طور که عادت داشت، بیشتر در هم بکشد و از ما بپرسد چه کرده ایم. هر چند ماه عادت کرده بودیم. غم و غصه های مان را برای خودمان نگه داریم، اما این بار استثنائی بود و پدر همه چیز را برای فریدا تعریف کرد.

فریدا با دقت به حرف های پدر گوش داد.

همه اش همین بود؟

سرمان را به علامت تأیید تکان دادیم.

فریدا گفت: واقعا که مسخره اید. باباجان چرا نمی روید به جنگل گرونن والد و یکی نمی کنید با خودتان بیاورید؟

من خشم پدرم را بارها دیده بودم. اما این تو بمیری دیگر از آن تو بمیری ها نبود. چهره پدرم مثل گنج سفید شده بود، بالحنی غضبناک پرسید: داری جدی حرف می زنی؟

فریدا بسیار جدی بود. گفت: معلوم است. این کار را همه می کنند.

پدرم در حالی که جوش آورده بود، حرف او را تکرار کرد: همه، همه!

سیخ ایستاد و دست مرا گرفت و خطاب به فریدا گفت: لابد اجازه می دهی قبل از این که یک جواب درست و حسابی به تو بدهم، این بچه را ببرم خانه؟

پدر هرگز جوابی به او نداد. فریدا زن عاقلی بود. او طوری وانمود کرد که انگار می خواسته نسبت به خودنمایی پدر عکس العمل نشان دهد و روز بعد از آن معذرت خواهی کرد. اما چه فایده، هنوز هم یک درخت حتی یک درخت ارزان قیمت مثل همانی که پدر تصورش را کرده بود، نداشتیم. آخر سر روز بیست و سوم دسامبر سر جای همیشگی مان زیر دایناسور نشسته بودیم که ناگهان ذهن پدر روشن شد.

او از نگهبان موزه که کنار ما روی صندلی تاشویش چمباتمه زده بود، پرسید؟

شما که بیل دارید؟

چی؟ و ادامه داد: چی دارم؟

پدر بابی صبری گفت: آقامی گویم بیل دارید؟ آیا شما بیل دارید؟

نگهبان بیل داشت. من با سوء ظن سرم را بالا کردم و نگاهی به پدر انداختم. اما چهره او طبیعی به نظر می رسید. فقط نگاهش نسبت به سایر اوقات کمی تندتر به نظر می رسید. در این لحظه پدر گفت: خوبه! ما امروز با شما به منزلتان می آیم و بیل را از شما قرض می گیریم. تازه شب که شد فهمیدم پدر چه خیالی در سر دارد.

شب پدر در حالی که من را در خواب تکان می داد، گفت: یالله، بلند شو. من که مست خواب بودم، از لبه تخت پائین آمدم و گفتم: چه خبر شده؟

پدر گفت: خوب گوش کن! دزدیدن یک درخت کار پستی است اما قرض گرفتن آن جرم نیست. در حالی که پلک می زد، پرسیدم: قرض؟

پدر گفت: آره، ما الان به بیشه فردریکس هائن می رویم که درخت کاج را از ریشه درآوریم. وان

امانتی

ولف دیتریش شنوره
مترجم: رضا نجفی

کار باید آنقدر صبر کند که موقع مناسب برسد.

پدر از او پرسیده بود: "و منظورتان از موقع مناسب چه وقتی است؟"

مدیر گفته بود: نمی‌خواستم با این حرف به شما طعنه بزنم. فریدا شانس بیشتری داشت. او در رستورانی در میدان الکساندر پلاتس در شغل کمک آشپزی استخدام و همان جا هم ساکن شده بود. برای ما هم بهتر این بود که مدام با او دمخور نباشیم. حالا که ما همدیگر را فقط یک بار در ظهر و یک بار در شب در رستوران می‌دیدیم، بسیار مهربانتر شده بود.

اما راستش را بخواهید ما بد زندگی نمی‌کردیم. چون فریدا غذای ما را حسابی فراهم می‌کرد و اگر هم خانه زیادی سرد می‌شد، می‌رفتیم داخل موزه و خوب که همه چیز را تماشا می‌کردیم، زیر اسکلت دایناسور به شوفاژ تکیه می‌دادیم، از پنجره بیرون را تماشا می‌کردیم یا با نگهبان موزه درباره پرورش خرگوش گپ می‌زدیم. به این ترتیب ظاهراً به نظر می‌رسید آن سال به طور کلی با خوبی و خوشی به پایان خواهد رسید. فقط کاش پدر آن همه نگران درخت کریسمس نبود. فکر خریدن درخت کریسمس کاملاً ناگهانی بود.

ما تازه دنبال فریدا به رستوران رفته و او را به خانه آورده و آسوده خیال نشسته بودیم که پدر کتاب زندگی حیوانات Brehm را که هر شب مقداری از آن را می‌خواند، بست و از من پرسید: الان می‌خواهی بخوابی؟

من گفتم: نه زیرا هوا برای خوابیدن زیادی سرد بود.

پدر گفت: الان به فکرم رسید که ما حتماً درخت نوبل لازم داریم.

پدرانذکی مکث کرد و منتظر پاسخ ماند. گفتم: این طور فکر می‌کنی؟

پدر گفت: بله! قشنگ و درست و حسابی‌اش را هم می‌خواهم. نه از آن کج و کوله‌ها که با گذاشتن گردو رویش غش می‌کنند روی زمین. من باشنیدن واژه گردو سرم را بلند کردم. نمی‌شد چند تا نان شیرینی هم برای اویزان کردن از درخت پیدا کرد؟

پدر سینه‌اش را صاف کرد و گفت: "خدا یا چرا نباید جور شود؟ با فریدا صحبت کنم؟"

گفتم: شاید فریدا کسی را بشناسد که بتواند به ما یک درخت بدهد. پدر در این مورد تردید

بیشتر از هر زمان دیگری، شب میلاد مسیح سر پدر شلوغ بود. البته این موقع از سال ما هم اوقات دشواری را در پیش داشتیم. حالا بگذریم از این که کاری نمی‌کردیم. شرکت کردن یا نکردن ما در دیگر جشن‌ها برای مان فرقی نمی‌کرد اما اصلاً برای رسیدن شب سال نو زنده بودیم و به محض این که این شب می‌رسید آن رامحکم می‌چسبیدیم. ویتترین مغازه ما هم در ماه ژانویه گویا لحظه‌ای از آدم برفی‌های شکلاتی خالی نمی‌شدند. آن چیزی که بیشتر از هر چیز دیگر توجهم را جلب می‌کرد، کوتوله‌ها و عروسک‌های خیمه شب بازی بود. اگر پدر با من بود، نگاهم را از آنها می‌زدیدم. اما همین کار بیشتر از نگاه کردن به آنها توجه پدرم را جلب می‌کرد. بنابراین کم‌کم دوباره شروع می‌کردم به تماشای مغازه‌ها. پدر هم مقابل ویتترین مغازه‌ها چندان بی‌اعتنا و بی‌توجه نبود. فقط بهتر از من می‌توانست بر خودش مسلط باشد. او می‌گفت: جشن میلاد مسیح باید جشن شادی‌ها باشد. بنابراین منظورش این بود که مهمترین چیز این است که آدم غمگین نباشد و لو آن که آهی در بساط نداشته باشد.

پدر می‌گفت: "بیشتر مردم فقط روز اول و دوم جشن خوشحالند و شاید هم بعد از آن در شب سال نو یک بار دیگر احساس خوشحالی کنند. اما این کافی نیست. خوشحالی آدم باید دست کم یک ماه پیش از جشن شروع شود. او می‌گفت: "پس از شب سال نو می‌توانی با خیال جمع باز هم غمگین باشی. چون هیچ خوشایند نیست که یک سال به همین سادگی تمام شود و برود پی کارش. فقط پیش از عید میلاد مسیح است که غمگین بودن مرسوم نیست." پدر خودش همیشه خیلی سعی می‌کرد در این وقت از سال غمگین نباشد. اما همیشه در این مورد به یک دلیل وضعیت او نسبت به من مشکل‌تر بود؛ احتمالاً به این دلیل که او دیگر پدری نداشت، که همان چیزی را که خودش همیشه به من می‌گفت، برای او تکرار کند. مسلماً اگر پدر هنوز شغلش را داشت، کار ساده‌تر از این‌ها هم می‌شد. شاید حتی می‌توانست در مقام یک دستیار متخصص تاکسیدرمی کار کند. اما آنها آن موقع به چنین دستکاری احتیاج نداشتند. مدیر موزه به پدرم گفته بود: "می‌تواند بدون هیچ نگرانی در موزه بماند. اما در مورد

داشت. تازه هیچ کس چنین درختی را که او تصور می‌کرد، به کسی نمی‌داد. این درخت می‌توانست یک جورهایی ثروت و یا گنج

(نیم‌نگاهی به حضور سینماگران در بیست و ششمین جشنواره فیلم فجر)

همیشه پای یک "مرد" در میان است!؟

دکتر شهرام خرازی ها

افتتاحیه مشخص شد که دایره زنگی را به بخش مسابقه راه نداده‌اند و فیلم در همان بخش مهمان به نمایش درخواهد آمد. اما این پایان ماجرا نبود. چند روز بعد اعلام کردند که نمایش دایره زنگی در جشنواره منوط به بیرون کشیدن صحنه‌های زیادی از آن شده است. تهیه‌کننده به این حذف‌ها تن نداد و فیلم با پیکری مجروح و معلول در اولین نمایش جشنواره ای خود بر پرده سینما فلسطین نشست و با هجوم وحشتناک تماشاگران مواجه شد. کف زدن‌های طویل‌المدت مردم هنگام ظاهر شدن تیتراژ پایانی حاکی از این بود که دایره زنگی نمره قبولی خود را گرفته و در برقراری ارتباط با مخاطب موفق عمل کرده است. هنوز خاطره خوش تماشای صحنه‌های مفرح فیلم از اذهان دور نشده بود که خبر رسید نمایش‌های جشنواره ای بعدی دایره زنگی فقط با حذف چند صحنه دیگر از آن مجاز است. این خبر واکنش دست‌اندرکاران فیلم را برانگیخت و آن‌ها را به این نتیجه رساند که عطای جشنواره را به لقایش ببخشند. دایره زنگی از همان زمان پیش تولید فیلم پر حاشیه ای بود. بخش عمده ای از این حاشیه به ترکیب تیم بازیگری آن برمی‌گشت که نام‌های مطرحی چون: هدیه‌تهرانی، مهران‌مدیری، محمدرضا شریفی‌نیا، گوهر خیراندیش، ترانه‌علی‌دوستی، گلشیفته‌فراهانی، امین حیاتی و همسرش نیلوفر خوش‌خلق و... را در بر می‌گرفت. بخش دیگری از حواشی نیز به سوژه اصلی تأثیرات فرهنگی برنامه‌های ماهواره ای مربوط می‌شد. با کلید خوردن فیلم سرانجام نقش هدیه‌تهرانی به بهاره رهنما سپرده شد و با منتفی شدن بازی ترانه‌علی‌دوستی و گلشیفته‌فراهانی از باران کوثری دعوت به عمل آمد. دایره زنگی به موقع برای شرکت در جشنواره آماده شد. اما چنان‌که ذکر گردید، با بدشانسی روبرو شد و این‌طور که به نظر می‌رسد احتمال اکران فیلم نیز در حال حاضر ضعیف است. فیلم جدید تهمینه میلانی "تسویه حساب" نیز در جشنواره حضور نداشت! این فیلم که چند ماهی در نوبت نمایش عمومی معطل مانده حکایت چند زن است که پس از ترخیص از زندان می‌کوشند تا با همکاری یکدیگر از مردانی که مسبب زندانی شدنشان بوده‌اند، انتقام بگیرند. بیرون‌ماندن فیلم تازه سیروس الوند-زن دوم- از بخش مسابقه م تعجب برانگیز بود. این فیلم که تهیه‌کننده مقتدر و مطلعی چون شیما

بیست و ششمین جشنواره فیلم فجر با "حاشیه" شروع شد، با اعتراض ادامه یافت و با "جنجال" به پایان رسید. دامنه جرح و تعدیل‌ها آنقدر وسیع و قیچی‌ممیزی آنقدر برنده بود که عملاً زهر جشنواره گرفته شد و این مهم‌ترین و معتبرترین رخداد سینمایی سال از تب و تاب افتاد. مطرح‌ترین فیلم‌ها به نمایش در نیامدند و از دور رقابت کنار گذاشته شدند. چند فیلم قابل‌اعتنا هم پس از حذف برخی صحنه‌ها و دیالوگ‌های کلیدی از امتیاز نمایش جشنواره ای بهره‌مند شدند. در چنین شرایطی پرده سینماهای نمایش‌دهنده آثار منتخب‌آکنده از فیلم‌هایی شد که یا ساختاری تلویزیونی و پیش‌پا افتاده داشتند مانند محیا (اکبر خواجویی) حقیقت‌گمشده (محمد احمدی) خواب زمستانی (سیامک شایقی) و... یا آن‌که به سوژه‌های تکراری پرداخته بودند. مانند ستایش (محمدرضا رحمانی) تولدی دیگر (عباس رافعی) و...

عضویت پوران در خشنده در هیئت انتخاب فیلم‌های داوطلب شرکت‌کننده در جشنواره به این امید و ایده دامن زد که در فجر بیست و ششمین شاهد حضور پررنگ سینماگران زن و راهیابی فیلم‌های زن محور به بخش مسابقه باشیم اما وقتی در آستانه برگزاری جشنواره فهرست آثار منتخب منتشر شد و اعتراض کارگردان‌ها و تهیه‌کنندگان به سانسور بیش از حد ساخته‌هایشان اوج گرفت، تازه کاشف به عمل آمد که پس از گذشت بیش از دو دهه از پیروزی انقلاب اسلامی ۵۷ هنوز هم مسائل زنان برای متولیان فرهنگی مملکت چالش برانگیز و حساسیت‌زاست. دایره زنگی نخستین ساخته پریسا بخت‌آور که به اعتقاد صاحب‌نظران سینمایی در صورت شرکت در بخش مسابقه جشنواره بخت اول تصاحب جایزه بهترین فیلم از نگاه تماشاگران را پیدا می‌کرد، به سوءتفاهم برانگیزترین و جنجالی‌ترین فیلم جشنواره تبدیل شد. بخت‌آور که دارای مدرک کارشناسی ارشد کارگردانی سینماست و سریال موفق پشت‌کنکوری‌ها را در کارنامه دارد، می‌توانست به مطرح‌ترین چهره زن جشنواره بیست و ششم تبدیل شود؛ اما فراز و نشیب‌هایی که فیلم اولش پشت سر گذاشت و حاشیه‌هایی که به وجود آورد، به حذف او منجر شد. گنج‌جانده شدن فیلم در بخش مسابقه برای اکثر دست‌اندرکاران حرفه‌ای سینما محرز بود. اما درست چند روز مانده به مراسم

حمام را پر می کنیم و می گذاریم داخل وان. فردا جشن می گیریم و دوباره درخت را می بریم و همان جای قبلی اش می کاریم. خوب شد؟ سپس مرا با نگاه نافذی زیر نظر گرفت. گفتم: فکر فوق العاده ای است.

زمنه کنان و سوت زنان راه افتادیم. پدر بیل را روی شانه اش گذاشته بود و من یک کیسه زده بودم زیر بغلم. پدر هر از چند گاهی یک بار دست از سوت زدن بر می داشت و دوتایی شروع می کردیم به خواندن آوازهای "بچه ها فردا یه خبریه" و "من از بالای آسمون میام پیش شما". پدر مثل همیشه که این نوع شعرها را می خواندیم، اشک به چشمانش دوید و من هم حسابی سر حال بودم. در این موقع فردریکس هائن جلوی رویمان ظاهر شد. سکوت کردیم. درخت کاجی که پدر آن را در نظر گرفته بود، وسط دایره ای از گل های سرخ که زمینش با کاه پوشیده شده بود، قرار داشت. قشنگ نیم متر می شد و نمونه ای از قد و قواره و رشد مناسب بود.

چون فقط قشر نازکی از بالای سطوح زمین یخ زده بود، کارمان به هیچ وجه زیاد طول نکشید و پدر خیلی زود ریشه های درخت را در آورد. با احتیاط هر چه تمام تر درخت را روی زمین خوابانیدم و ریشه هایش را داخل کیسه کردیم. پدر کت پشمی اش را دور انتهایی ریشه که از کیسه بیرون مانده بود، پیچید. سوراخ را پر کردیم و رویش کاه ریختیم. پدر درخت را روی کولش گذاشت و به خانه رفتیم.

در خانه وان بزرگمان را که از جنس روی بود، پر از آب کردیم و درخت را داخلش گذاشتیم. صبح روز بعد که از خواب بلند شدم، پدر و فریدا درخت را تزئین می کردند. آن را با یک طناب به سقف محکم کرده بودند و فریدا با کاغذ روغنی انواع و اقسام ستاره ها را درست کرده و از شاخه های درخت آویزان کرده بود. آن ها بسیار قشنگ به نظر می رسیدند. من دیدم که چند آدمک شیرینی هم از درخت آویزان است. نخواستم عیش آن دو را منگص کنم. در نتیجه خودم را به خواب زدم. در عین حال داشتم فکر می کردم، چطور می توانم محبت آنها را جبران کنم.

سرانجام به نظرم رسید؛ پدر یک درخت کریسمس قرض گرفته بود، پس چرا من نباید شادی مان را تکمیل کنم و برای روزهای تعطیل گرامافون گروبی مان را قرض بگیرم. بنابراین وانمود کردم که تازه بیدار شده ام و همانطور که

انتظار می رفت شروع کردم از خوشحالی به پایکوبی و سر و صدا راه انداختن جلوی درخت. بعد لباس پوشیدم و رفتم بیرون.

صاحب مغازه سمساری آدم و حشمتناکی بود. همان بار اول که پیش او رفتم و پدر پالتویش را به او داد، دلم می خواست متلکی بار آن مردک می کردم. اما حالا باید با او مهربان می بودم. به خودم خیلی زحمت دادم. برایش از مادر بزرگ هایم تعریف کردم و یک سری جمله مثل فقط به خاطر سال نو و آخرین خوشی روزهای قدیمی و چنین و چنان تعریف کردم او ناگهان دست هایش را از هم باز کرد، ضربه ای به پشتم زد و خیلی آرام گفت: هر قدر دلت می خواهد حقه بزنی، بزنی به من مربوط نیست. اما آدم شب میلاد مسیح دروغ نمی گوید. شیر فهم شدی؟ با گفتن این حرف، لخ و لخ کنان به اتاق پهلویی رفت و گرامافون را آورد.

فقط اگر خرابش کنید، خودتان می دانید. فقط هم برای سه روز پیش تان می ماند. به خاطر این که تو هستی قبول کردم.

چنان تعظیم غرایبی برایش کردم که پیشانی ام به زانوهایم ساییده شد. بعد جعبه را با یک دست و بلندگو را با دست دیگر برداشتم و دوان دوان به خانه رفتم. اول هر دو را در رختشویخانه پنهان کردم. البته باید موضوع را به فریدا می گفتم. چون صفحه هایش پیش او بود. فریدا راز را بین خودمان نگه می داشت.

رئیس فریدا صاحب رستوران ما را برای ظهر دعوت کرده بود و ناهار عبارت بود از: یک سوپ ورمیشل عالی. به علاوه پوره سیب زمینی و گوشت اردک. آنقدر خوردیم که داشتیم منفجر می شدیم. بعد رفتیم زغال جمع کنیم. کمی هم در موزه کنار دایناسور نشستیم و بعد از ظهر فریدا آمد دنبلمان.

خانه را گرم کرده بودند. فریدا یک کاسه غول پیکر از بقایای گوشت اردک، ۳ شیشه شراب قرمز و مقداری عسل روی میز چید. پدر هم کتاب زندگی حیوانات برم خودش را به عنوان هدیه من روی میز گذاشت. من در یک چشم به هم زدن به رختشویخانه رفتم، گرامافون را بالا آوردم و به پدرم گفتم: رویش را برگرداند. پدر حرفم را گوش داد. فریدا صفحه ها را بیرون آورد و چراغ ها را روشن کرد. من هم بلندگو را روی گرامافون محکم کردم و آن را کوک کردم.

پدر که از وقتی فریدا چراغ ها روشن کرده بود، تاب و تحملش را از دست داده بود، پرسید: می توان رویم را برگردانم. من گفتم: یک لحظه

صبر کن. بلندگوی لعنتی، فکر می کنی بتوانم محکمش کنم؟

فریدا با سرفه علامت داد. پدر پرسید: کدام بلندگو؟

دستگاه درست شد. آهنگ "بچه های کوچک بیاید" بود. هر چند صفحه کمی خش خش می کرد و حتما تاب برداشته بود اما اشکالی نداشت. من و فریدا هم با آهنگ هم صدا شدیم و در این لحظه بود که پدر رویش را برگرداند. اول آب دهانش را قورت داد و با دماغش صدایی در آورد. اما بعد سینه اش را صاف کرد و با ما شروع کرد به خواندن. وقتی صفحه تمام شد، برای همدیگر دست زدیم و من جریان گرامافون را برای پدر تعریف کردم.

پدر سرشوق آمده بود و فقط مدام به فریدا می گفت: که این طور" و در همان حال سرش را به سوی من تکان داده و می گفت: که این طور"

شب میلاد مسیح بسیار خوبی را گذرانیدیم. اول آواز خواندیم و صفحه گوش دادیم. بعد یک بار دیگر بدون آواز صفحه ها را گذاشتیم. پس از آن فریدا بار دیگر همه آوازها را تنها خواند. بعد یک بار دیگر با پدر آنها را خواند. سپس غذا خوردیم و شراب ها را تا ته نوشیدیم و پس از آن هم کمی موسیقی گوش دادیم. دست آخر فریدا را به منزل بردیم و خودمان هم گرفتیم خوابیدیم.

روز بعد درخت تزئین شده، هنوز آن جا بود. من اجازه داشتم در تخت بمانم. پدر هم سراسر روز گرامافون گوش می داد و با سوت آهنگ را همراهی می کرد. شب که شد درخت راز درون وان بیرون آوردیم و در حالی که هنوز با کاغذهای روغنی تزئین بود، آن را درون کیسه گذاشتیم و به فردریکس هائن برگرداندیم. در آن جا آن را دوباره میان گل های زر کاشتیم. خاک دورش را محکم کردیم و به خانه رفتیم. روز بعد هم من گرامافون را پس دادم.

آن درخت را بارها دیدیم. هر بار بیش از پیش رشد کرده بود. کاغذ روغنی ها تا مدت ها به شاخه های آن وصل کرده بودند، بعضی های شان حتی تا بهار ماندند.

چند ماه پیش بار دیگر درخت را دیدم. حالا دیگر درست به اندازه یک ساختمان دو طبقه ارتفاع دارد و اندازه یک دودکش متوسط کارخانه شده است. حدس زدن این موضوع که زمانی آن را به عنوان مهمان به اتاق غذای خوری مان برده بودیم، عجیب و غریب به نظر می رسد.



شیما منفرد فیلم انیمیشن نقش را در جشنواره نشان دادند که متأثر از گبه (محسن مخملباف) بود.

مریم کشکولی نیا که به خاطر ساخت انیمیشن در خانه ما توانست دیپلم افتخار بهترین فیلم کوتاه داستانی جشنواره فجر را کسب کند، در مورد شکل گیری ایده اولیه و ساختار فیلمش می گوید:

...چندسال پیش ... یک متن دکلمه مانند در مجله سروش کودکان خواندم که کار خانم "سندی پریمپین" بود و آقای رحمان دوست آن را ترجمه کرده بودند... در واقع متنی که در فیلم توسط کاراکتر بچه خوانده می شود، شعری است که براساس آن دکلمه نوشته شده است... من به جای نقاشی روی شیشه از کاغذ عکاسی استفاده کردم. تصاویر را به صورت فریم به فریم روی کاغذ عکاسی نقاشی کردم. چون بافت خوبی برای کار دارد...

پریوش نظریه- بازیگر کم کار و گزیده کار سینمای ایران- در جشنواره فجر امسال بسیار فعال بود. او در مقام بازیگر فیلم "حقیقت گمشده" (محمد احمدی) را در بخش غیررقابتی "مرور سینمای ایران" و "چراغی در مه" (پناه بر خدا رضایی) را در بخش نگاه اول و در مقام طراح، تصویربردار و کارگردان نزدیک تر از نفس را در بخش فیلم های کوتاه و نیمه بلند جشنواره داشت. نزدیک تر از نفس برشی است از زندگی دختری جوان که شغلش غسل دادن و شستن اجساد است. نظریه در مورد این دختر چنین توضیح می دهد:

... حضور این دختر اتفاق خیلی خوبی بود و باعث شد کمک زیادی برای شکل گیری ساختار فیلم باشد و شاید اگر این دختر نبود، برای خلق این حس و حال و این فضا باید از مولفه ها و اشخاص دیگری استفاده می کردم. در واقع این کاملاً کار من بود و این که چرا تنها یک چشم او پیداست به این دلیل که در ابتدا حاضر نبود، جلوی دوربین ظاهر شود و من از او خواستم تنها یک چشم او دیده شود. چون به

زن در به همین سادگی به وادی تربید می افتد. او میان ترک گفتن این زندگی سرشار از بی تفاوتی و تهی از ارتباطات صمیمع انسانی و ماندن و تن سپردن به یک دور باطل و تبدیل شدن به یک آدم آهنی فرمانبر، سرگردان بر جای می ماند.

نظر من چشم آدم ها حتی بیش تر از گفتار آن ها می تواند احساسات شان را بیان کند...

در فیلم محیا نیز الهام حمیدی ایفاگر نقش دختری مرده شور بود. حمیدی می گوید:

"بار اولی که وارد غسلخانه شدم، برای من خیلی سخت بود. تا قبل از شروع کار هر جمعه به غسلخانه می رفتم و در طول یک هفته ای هم که در بهشت زهرا کار می کردیم، مرتب به آن جا می رفتم. خانم های جوان زیادی هم آن جا بودند که شغلشان را دوست داشتند و در بین آن ها دانشجویانی بودند که مخارج تحصیل شان را از این راه تأمین می کردند..."

پریوش نظریه در چراغی در مه ایفاگر نقش زنی است تنها که همسرش مفقودالثر شده است. لحظات غم بار و سرشار از رختی را با پدر پیرش در یکی از روستاهای شمال می گذراند تا این که سر و کله یک خواستگار پیدا می شود. زن ابتدا مقاومت می کند اما در پایان با برافروختن فانوسی به طور نمادین پاسخ مثبت خود را اعلام می کند. چراغی در مه فیلم بسیار

دایره زنگی نفستین سافته پریسا بخت آور که بخت اول تصاحب جایزه بهترین فیلم از نگاه تماشاگران بود به سوء تفاهم برانگیزترین و جنجالی ترین فیلم جشنواره تبدیل شد.

کم دیالوگی است و به شدت به تصویر متکی است. نظریه تقریباً در تمام صحنه های فیلم حضور دارد. دوربین یک لحظه هم او را رها نمی کند. چراغی در مه؛ وفاداری، فداکاری و سخت کوشی زن ایرانی را تقدیس می کند و بی آن که لحنی تصنعی به خود بگیرد، قصه یک زندگی در دبار را به تصویر می کشد. نظریه در حقیقت گمشده نیز نقش زنی همسر از دست داده و تنها را در یک محیط شهری ایفا نموده است که البته به واسطه ساختار تلویزیونی و

ضعیف این فیلم بازی اش چندان به چشم نیامد. قصه به روزتر و پرتحرک تر سخت کوشی و پشتکار زن ایرانی را "محمد علی طالبی" با فیلم دیوار که برای ثبت در جدول برنامه های بخش مسابقه به مشکل برخورد، تصویر کرده بود.

دیوار قصه نمادین دختر جوانی است که می کوشد پس از مرگ پدر با موتورسواری آکروباتیک در استوانه چوبی شهر بازی راهی برای کسب درآمد پیدا کند. این ساخته جدید طالبی هرچند که بیشتر به سینمای تجاری و گیشه ای وابستگی خود را نشان می داد اما به

لحاظ پیامی که می خواست به مخاطبین خود القاء کند به اثری ماندگار در سینمای ایران بدل خواهد شد. قهرمان زن فیلم لحظه ای دست از تلاش بر نمی دارد. دست به سنت شکنی می زند و باتن دادن به کاری مردانه به جنگ با دنیایی بر می خیزد که تمام باید ها و نبایدهایش را مردان تعیین می کنند. او بارها به مانع برخورد می کند و همه آن ها را یک به یک از پیش پایش برمی دارد اما درست در یک قدمی موفقیت پروبالش رامی شکنند و او را از آدمی تلاش گرو پویا به موجودی خنثی و ایستاتبدیل می کنند. فیلم مادر این نقطه پایان نمی یابد و بانمایش صحنه اتومبیل رانی دختر در استوانه چوبی به جای موتورسواری به عنوان حسن ختام می خواهد سرشت آشتی ناپذیر و مبارز قهرمانش را در ذهن بیننده حک کند. طالبی می گوید:

... دختران موتورسواری رادر پیست می دیدم که بعد از رسیدن به سن قانونی دیگر اجازه

فرشته طائرپور را پشت سر خود دارد، قصه کلیشه ای و نخ نما شده مرد و زنه را از زاویه ای کاملاً متفاوت و جدید در قالب صدا و تصویر پیش چشم گذاشته است و بازیگران مشهور و پولسازی همچون نیکی کریمی، محمدرضا فروتن، آناهیتا نعمتی و سحر زکریا به نقش های جذاب و پرافت و خیز آن جان بخشیده اند. فیلمنامه زن دوم هفت سال پیش به قلم فرشته طائرپور و مینو کریم زاده به بازار نشر عرضه شده است. پیش بینی می شود که زن دوم گیشه پررونقی در سال ۱۳۸۷ داشته باشد.

با حاشیه های فراوانی که چندسال پیش پیرامون فیلم اول منیژه حکمت-زندان زنان-پیش آمد و متعاقباً ساخت فیلمی از جانب او درباره صدسالگی مجلس- که کسی از سرنوشت آن اطلاعی ندارد- می شد انتظار داشت که جدیدترین فیلم این کارگردان-سه زن-که حکایت سه زن از نسل های مختلف است، از نمایش جشنواره ای باز بماند. سه زن اگر چه جشنواره فجر را از دست داد اما به همراه فیلم جدید حنا مخملباف به نام بودا از شرم فرو ریخت، به جشنواره برلین راه یافت. فیلم خانم حکمت فعلاً پروانه نمایش در ایران را ندارد و صدور پروانه به حذف برخی از صحنه ها موکول شده است. نقش اصلی این فیلم را نیکی کریمی بازی می کند.

غیبت ناخواسته زنان فیلمساز از بخش مسابقه جشنواره با حضور کم سابقه، توجه برانگیز و قابل دفاع ایشان در دیگر بخش ها بالاخص بخش مسابقه فیلم های کوتاه داستانی و مسابقه فیلم های مستند تا حد زیادی جبران شد.

مهوش شیخ الاسلامی که با فیلم به کجا تعلق داریم؟ در بخش مستند شرکت کرده بود به مشکلات اجتماعی و خانوادگی آن دسته از زنان ایرانی که به عقد مردان افغانی درآمده اند، پرداخته بود. او برای ساخت فیلم دست به تحقیق دامنه داری زده و مدتی راهی هرات شده بود تا از نزدیک با نایسامانی های زندگی زن افغان آشنا شود. هرات محل سکونت افغان هایی است که مدتی در ایران سکونت داشته و تشکیل خانواده داده اند اما با بهبود اوضاع سیاسی-اجتماعی افغانستان به وطن خود بازگشته اند.

شیخ الاسلامی در مورد این گروه از زنان می گوید: "در ایران آن هانمی توانند برای فرزندان خود شناسنامه بگیرند... نوعی دوگانگی در زندگی این گروه از زنان وجود دارد... در ایران در اولین حضور ما در مناطقی که افغان ها سکونت داشتند، تعدادی از آنان فکرمی کردند که ما برای شناسایی به آن جا رفته ایم و روی خوشی به ما نشان نمی دادند و می ترسیدند که آنان را از ایران بیرون کنند. اما بعد از این که کار ما را می دیدند و آشنایی بیش تری حاصل شد به راحتی با ما ارتباط برقرار کرده و همکاری کردند..."

رخساره قائم مقامی که سیمرخ نوآوری و تجربه جدید فجر بیست و ششم را به خاطر انیمیشن مستند سیانوزه از آن خود ساخت، یکی از قابل بحث ترین چهره های جشنواره بود. او دارای مدرک لیسانس مهندسی شیمی، لیسانس سینما و فوق لیسانس انیمیشن است. سیانوزه درباره فرد نقاشی است که از طریق فروختن تابلوهایش در کنار خیابان امرار معاش می کند.

ساختار درست سیانوزه و سخت کوشی رخساره قائم مقامی از تولد یک فیلمساز با استعداد که در آینده قطعاً موفقیت های هنری چشمگیری را نصیب خود خواهد ساخت، خبر می دهد. سودابه مجاوری با فیلم روز آفرینش به جشنواره آمد. او در این فیلم

سعی در به نمایش کشیدن شش روز خلقت با تکیه بر مستندات دینی و اساطیری، ایده های ذهنی خود و مددگیری از معماری، مینیاتور و انواع هنرهای ایرانی دیگر داشت. مجاوری در این زمینه اشاراتی دارد:

"من از معماری و مینیاتور ایرانی کمک گرفتم تا ایده و طرحی را که در نظر داشتم به اجرا درآورم. از تصاویر نسخ خطی و نقاشی های شاهنامه هم استفاده کردم. تصاویر مربوط به کشته شدن سیاوش در شاهنامه های ما کم است... مجبور شدم از شاهنامه بایسنقری که یکی از با ارزش ترین شاهنامه هاست نقاشی مربوط به کشته شدن سیاوش را پیدا کنم که براساس این نقاشی صحنه ای در تخت جمشید با حضور بازیگران بازسازی شد..."

توجه به مینیاتور ایرانی در فیلم آتش سبز (محمدرضا اصلانی) هم نمود فراوانی داشت. بخش هایی از این فیلم روایت های کهن پارسی و کاراکترهای ایران باستان در قالب نقاشی های مینیاتور به تصویر کشیده شده اند. مهم ترین و بدیع ترین سکانس فیلم، سکانس حرکات موزون دو نفر از کاراکترهای زن است که توسط مهتاب کرامتی و پگاه آهنگرانی بازی و اجرا شده است. عاطفه خادم الرضا که فیلم کوتاه تنگ خالی ماهی را به جشنواره ارائه داده بود، از تجربه جدید خود این چنین یاد می کند:

"... به دلیل این که شباهت بازیگر خردسال به بازیگر بزرگسال برای من اهمیت زیادی داشت، از ابتدا سعی کردم بازیگر خردسال را از میان اقوام بازیگر بزرگسال انتخاب کنم که هم از لحاظ قیافه به هم شبیه باشند و هم آن کودک برای بازی روبروی بازیگر مقابلش راحت باشد و احساس غریبی نکند. خوشبختانه بازیگر خردسال فیلم به شدت باهوش و علاقه مند به بازیگری بود و مشکل کمی در این رابطه داشتیم..."

فرحناز شریفی که اهالی سینما پیش تر او را به واسطه فیلم مستندی که درباره زندگی جاودانه صدای ایرانی- قمرالملوک وزیری- می شناسند، ایران در اعلان را با موضوع تاریخچه آگهی ها و تبلیغات وارد جشنواره کرد.

دلارام کارخیران که تاکنون مستندهای زیادی با محوریت سوژه های اجتماعی ساخته، کودک دیروز، خیال را به جشنواره داد.

نام مهرناز اسدی، با فیلم ۵۱ دقیقه ای قدرت در برنامه نمایش فیلم های کوتاه و نیمه بلند فجر ۲۶ به چشم می خورد. او با این فیلم برای نخستین بار در سینمای ایران بیماری عصبی- عضلانی A.L.S مخفف آمیوتروفیک لترال اسکلوئزیس و عوارض ناتوان کننده اش را به تصویر کشیده بود. میترا منصوری با بم شهری دفاع به مدیریت بحران در جریان زلزله چندسال پیش بم پرداخته بود و یاد قربانیان این حادثه را برای تماشاگران جشنواره زنده کرد.

سحر سلحشور فیلم هراس و پرواز را در جشنواره به نمایش گذاشت. این فیلم در واقع بیوگرافی تصویری محسن وزیری مقدم - نقاش و مجسمه ساز معاصر- و پژوهش بصری آثار وی بود.

هدی مسعودی حکایت افسانه ای هزار و یک شب را در قالب یک انیمیشن ۶ دقیقه ای در بخش مسابقه فیلم های کوتاه جشنواره به تماشا گذاشته بود. آذر مهرابی که نخستین فیلم اش - کسی آغاز می شود- را درباره فروغ فرخزاد در سال ۱۳۷۸ ساخته بود، با مستند ساحل پاسیفیک به عنوان یکی از مستند سازان مطرح فجر شناخته شد. مهرابی این فیلم را با همکاری همسرش- محمد جعفری- کارگردانی کرده است. در بخشی از فیلم با زنی ۶۳ ساله مواجه می شویم که حدود بیست سال از کشته شدن فرزندش در عراق می گذرد. این مادر آمریکایی در مقابل کاخ سفید چادری زده و داخل آن زندگی می کند.



شاگرد دوست برای کسب سیم‌رغ بهترین بازیگر زن، بازی های خیره کننده افسانه بایگان در فیلم بی رمق و حس و حال کنعان (مانی حقیقی) تلاش قابل تحسین مهتاب کرامتی برای نمایش ناکامی های یک روانپزشک زن در فیلم خوش ساخت و شیک حس پنهان (مصطفی رزاق کریمی) بازی زیرپوستی و کوتاه مدت نیکی کریمی در جعبه موسیقی (فرزاد موتمن) و... اشاره کرد.

در هر حال یک دوره دیگر و البته بسیار پرتنش و التهاب از جشنواره فجر پشت سر گذارده شد. در حالی که زنان هنرمند را به جمع هیئت داوران بخش مسابقه این معتبرترین جشنواره سینمایی ایران راهی نبود. طبق انتظار مردان به تقسیم جوایز پرداختند و تلاش های همکاران و هم‌تایان زن خود را نادیده انگاشتند! یک نکوداشت باسمة ای هم برای پروانه معصومی - هنرپیشه بی مسئله دهه ۶۰ که در دهه هفتاد و سال های پس از آن به حاشیه رانده شد - ترتیب دادند. تا جای اعتراض باقی نماند. این حکایت فجر ۲۶ بود با همه تلخی ها و شیرینی هایش!

فیلم به کجا تعلق دارم؟ به مشکلات آن دسته از زنان ایرانی که به عقد مردان افغانی درآمده اند، پرداخته بود. مهوش شیخ الاسلامی برای سافت این فیلم دست به تمقیق دامنه داری زد.

تصاحب کند.

قاضیانی تحصیلکرده رشته جغرافیای انسانی - اقتصادی و فارغ التحصیل رشته فلسفه است. از جمله دیگر نمودهای حضور زنان هنرمند در فجر ۲۶ می توان به اجمال به بازی خوب نگار جواهریان در تنها دوبار زندگی می کنیم (بهنام بهزادی) که متأثر از نقش آفرینی مریم پالیزبان در فیلم نفس عمیق (پرویز شهبازی) بود، هنرنمایی الناز شاگرد دوست در باد در علفزار می پیچد (خسرو معصومی) و جان بخشیدن به نقش دختری روستایی که قرار است به زور و اجبار و از سر فقر به عقد جوانی مبتلا به سندرم دان درآید و البته کاندید شدن

جلوه می دهد. زن در این گیسو دار به وادی تردید فرو می غلتد. او میان ترک گفتن این زندگی سرشار از بی تفاوتی و تهی از ارتباطات صحیح انسانی و ماندن و تن سپردن به یک دور باطل و تبدیل شدن به یک آدم آهنی فرمانبر، سرگردان بر جای می ماند. فیلم در سکناس پایانی به تماشاگرش به صراحت نمی گوید که زن می رود یا می ماند و با تأکید بر تردید وی پایان قصه را باز می گذارد تا در ذهن مخاطبین ادامه پیدا کند. نویسندگان فیلمنامه و کارگردان به همین سادگی در خط روایی کلی و انتخاب پرسوناژها به وضوح از فیلم کاغذی خط (ناصر تقوایی) و در پرداخت دقیق به جزئیات احساسی و عاطفی یک زن خانه دار از رمان پرتیراژ و محبوب چراغ ها را من خاموش می کنم نوشته زویا پیرزاد، تأثیر پذیرفته اند. هنگامه قاضیانی - ایفاگر تنها نقش مطرح فیلم - در اولین تجربه سینمایی مهم خود خوش درخشید و آن قدر حرفه ای زیر و بم های زندگی زن خانه دار ایرانی را در بازی خود بازتاب داد که توانست سیم‌رغ بلورین بهترین هنرپیشه زن نقش اول را

بهترین های جشنواره فیلم فجر

بیست و ششمین جشنواره فیلم فجر امسال نیز در بخش های سینمای معناگرا، سینمای بین الملل و مسابقه سینمای ایران برگزار شد.

طبق نظر هیئت داوران بهترین های بخش مسابقه سینمای ایران عبارت بودند از: سیم‌رغ بلورین بهترین فیلم برای فیلم به همین سادگی ساخته رضا میرکریمی، سیم‌رغ بلورین بهترین کارگردانی برای فیلم آواز گنجشکها ساخته مجید مجیدی، دیپلم افتخار بهترین کارگردانی برای فیلم باد در علفزار می وزد ساخته خسرو معصومی، سیم‌رغ بلورین بهترین فیلمنامه برای فیلم به همین سادگی، به رضا میرکریمی و شادمهر راستین؛ سیم‌رغ بلورین بهترین بازیگر مرد به امین حیایی برای بازی در فیلم شب، دیپلم افتخار بهترین بازیگر مرد به شهاب حسینی برای بازی در فیلم محیا، سیم‌رغ بلورین بهترین بازیگر نقش مکمل مرد به محسن تنابنده برای بازی در فیلم استشهادی برای خدا، سیم‌رغ بلورین بهترین بازیگر زن به هنگامه قاضیانی برای بازی در فیلم به همین سادگی، سیم‌رغ بلورین بهترین بازیگر نقش مکمل زن به مهتاب نصیر پور برای بازی در فیلم فرزند خاک، سیم‌رغ بلورین بهترین فیلمبرداری به حسین جعفریان برای فیلم دیوار، سیم‌رغ بلورین بهترین تدوین به حسن حسن دوست برای فیلم آواز گنجشکها، سیم‌رغ بلورین بهترین موسیقی فیلم به حسین علیزاده برای فیلم آواز گنجشکها، سیم‌رغ بلورین بهترین صدا به ایرج شهزادی برای فیلم آتش سبز، سیم‌رغ بلورین بهترین طراحی صحنه و لباس به ژیللا مهرجویی و شعله نواب تهرانی برای فیلم آتش



موتورسواری نداشتند. به همین دلیل کناریست می ایستادند و برادرهایشان راتشویق می کردند. این مسائل در خیلی از رشته های ورزشی که برای خانم ها در نظر گرفته شده، هنوز وجود دارد.

نقش دختر موتورسواری را گل شیفته فراهانی بازی کرده است که همیشه پای یک زن در میان است راهم در بخش مسابقه داشت. همیشه پای یک زن در میان است کمندی بی دروپیکری است که مسئله ازدواج موقت را در پس ماجراهای خود دارد. فیلم از بازی ضعیف حبیب رضایی به شدت لطمه دیده است. کارگردان نگاه وقیحانه ای به زن دارد و به عنوان یک ابزار جنسی برای برآوردن نیازهای شهوانی مردان و یا به بیراهه کشیدن شان نگریسته است. جالب است که سیمرغ بهترین فیلم از نگاه تماشاگران راهم به این فیلم دادند! در میان ابرها (روح الله حجازی) آن روی دیگر سکه "همیشه پای یک... محسوب می شد. این فیلم مسئله شروع بلوغ جنسی پسران جوان را با چاشنی صیغه روایت می کند. در میان ابرها که با نیم نگاهی به فیلم ایتالیاتی مالنا (جوزپه تورناتوره - ۲۰۰۰) ساخته شده از ساختار و قصه محکمی برخوردار است. بازی الناز شاکردوست در نقش دختری عراقی که به ازدواج موقت با مردان مختلفی تن می دهد و همزمان مورد توجه پسری تازه بالغ قرار می گیرد از امتیازات فیلم به شمار می رود. او لهجه عربی را بسیار باورپذیر در گفتار خود انعکاس داده است. مهتاب نصیریور هم در فرزند خاک (محمد علی باشه آهنگر) بر لهجه کردی بسیار مسلط است و شاید به همین خاطر بود که سیمرغ بلورین بهترین هنرپیشه زن نقش مکمل را به او دادند. فرزند خاک فیلم لطیفی بود که جستجوی پرفراز و نشیب دو زن در نقاط مرزی را به نمایش می گذاشت. یکی از زنان باردار است و در پی یافتن همسر گمشده خویش و آن دیگری می کوشد که به همجنس خود در این

فیلم زن دوم که تهیه کننده مقتدر و مطلعی چون فرشته طائر پور را پشت سرفود دارد قصه کلیشه ای و نخ نما شده مردد و زنه را از زاویه کاملاً متفاوت و جدیدی در قالب صدا و تصویر پیش پیشم گذاشته است.

مسیر سخت و ناامن مدد رساند.

سیامک شایقی که تصمیم گرفته بود سه پروژه پشت سر هم با محوریت زندگی ۳ خواهر از طبقات مرفه، متوسط و فقیر را اجرایی کند، سرانجام موفق شد تا اولین قسمت سه گانه خود را با عنوان خواب زمستانی به جشنواره تحویل دهد. خواب زمستانی راوی زندگی سه خواهر از طبقه متوسط است که نقش های شان را فاطمه معتمد آریا، لادن مستوفی و پگاه آهنگرانی جان بخشیده اند.

فیلم اگرچه از ایده نسبتاً تازه ای بهره مند است اما در اجرا به شدت لنگ می زند و نمی تواند تماشاگر را تا پایان در سالن سینما نگه دارد. معتمد آریا در این فیلم به اقتضای نقش از پاهایش استفاده نکرده و با عصا و ویلچر جلوی دوربین ظاهر شده است.

و اما شهره قمر پدیده بازیگری بیست و ششمین جشنواره فیلم فجر بود. او در فیلم انعکاس (رضا کریمی) که بر مبنای فیلم نامه ای از محمد هادی کریمی ساخته شده، نقش یک

غیبت نافواسته زنان فیلمساز از بفتش مسابقه جشنواره با حضور کم سابقه، توجه بر انگیز و قابل دفاع در بفتش مسابقه فیلم های کوتاه داستانی و مسابقه فیلم های مستند تا مددزادی جبران شد.

زن اغواگر را ایفا کرده است که به لحاظ چهره شباهت زیادی با نیکی کریمی دارد. پیش از این فقط برای لحظات کوتاهی جلوی دوربین مسعود کیمیایی برای فیلم رئیس ظاهر شده بود. تسلط او بر فن بیان، میمیک چهره و حرکات دست جالب توجه است. انعکاس قصه پرکششی دارد. زنی متأهل در مظان اتهام خیانت به همسر قرار می گیرد. در حالی که شوهرش نیز در موقعیتی مشابه قرار دارد. اما سرانجام هر دو نفر به این نتیجه می رسند که این اتهامات سوءظنی بیش نبوده و آن ها باید به هم وفادار بمانند.

"به همین سادگی" فیلم جدید رضا میرکریمی - مدیر عامل وقت خانه سینما - همان طور که حدس زده می شد، توانست در کنار آواز گنجشکها (مجید مجیدی) به پدیده جشنواره تبدیل شود. جوایز جشنواره عمدتاً بین آن دو فیلم تقسیم شد. به همین سادگی فاقد داستانی با آغاز و پایان و اوج و فرود مشخص است. وقایع فیلم در فاصله یک شب تا صبح رخ می دهند. دوربین در بیش تر لحظات جزئیات زندگی یک زن خانه دار شهرستانی مقیم پایتخت - با بازی هنگامه قاضیانی - را ضبط و تصویر کرده است. زن از صبح شروع می کند به رفت و روب خانه، برقراری ارتباط با همسایه ها، رتق و فتق نیازهای روز مره دو فرزندش، خرید لوازم و اقلام مصرفی خانواده و... در حالی که علی رغم این همه تلاش نه پاسخ مناسبی از بچه هایش می گیرد و نه از همسرش؛ گویی آن ها وی را از یاد برده اند. مرد خانه آن چنان غرق در کار و وابسته به مناسبات حرفه ای خود است که بی آن که متوجه باشد، و خودش را مقصر بداند همسرش را به تدریج از دایره امور روزمره زندگی زناشویی به حاشیه رانده و فرزندانش را به فراموشی سپرده است. فیلم البته مرد را محکوم نمی کند و حاکمیت این طرز تفکر را منبعث از غلبه پرشتاب و بی محابای مدرنیسم بر سنت در جوامع در حال توسعه



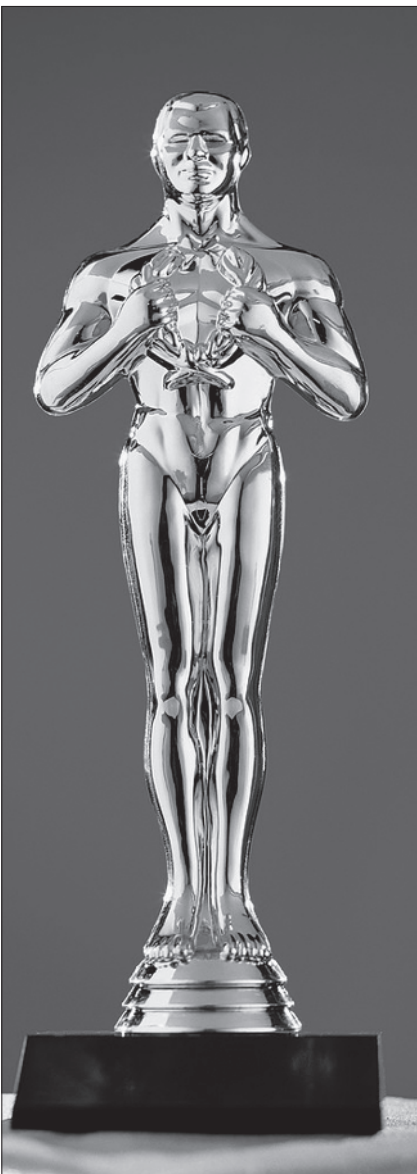
اسکار هشتاد ساله شد

اسکار یکی از معتبرترین مراسم سینمایی جهان است که به همت یکی از مهمترین سازمان‌های سینمایی آمریکا یعنی آکادمی هنر و علوم سینمایی برگزار می‌شود. این جشنواره به شیوه‌ای کارآمد و بسیار منظم از سال ۱۹۲۹ همه ساله در تاریخ ۵ مارس برگزار می‌شود. نتایج این جشنواره در سرنوشت و جایگاه فیلم‌ها و سینماگران گیرنده جایزه و حتی آن‌هایی که نامزد دریافت جایزه شده‌اند، تأثیر بسیار زیادی دارد. برای این که فیلمی بتواند نامزد دریافت جایزه اسکار شود، باید بین اول ژانویه تا ۳۱ دسامبر در یکی از سینمای لوس آنجلس و دست کم به مدت یک هفته روی پرده باشد. هر فیلمی که این شرط را برآورده سازد، به طور خودکار در فهرست آکادمی علوم و هنرهای سینمایی آمریکا ثبت می‌گردد. اواخر ماه ژانویه هر سال فهرست تمامی فیلم‌های ثبت شده به بخش‌های مختلف آکادمی اسکار ارسال می‌شود. به طوری که بازیگران عضو آکادمی در این باره رأی‌گیری می‌کنند که چه بازیگرانی در رشته بهترین بازیگران نقش‌های اول و دوم کاندید شوند. اما امسال در هشتادمین دوره برگزاری جشنواره اسکار در بخش بهترین فیلم؛ تاوان، پیرمردها سرزمینی ندارند، مایکل کلاتیون، خون همه جا را می‌گیرد و در بخش بهترین بازیگر مرد نقش اول: جرج کلونی (مایکل کلاتیون)، جانی دپ، نیل دی لوئیس، تامی لی جونز و در بهترین بازیگر نقش اول زن؛ کیت بلانشت در عصر طلایی (الیزابت) جولی کریستی (دور از این جا) و... به عنوان کاندیدهای اول جایزه اسکار معرفی شدند. به بهانه برگزاری مراسم اسکار به معرفی اولین زن و آخرین زنی که در سال ۲۰۰۷ جایزه اسکار نقش اول زن را گرفت، می‌پردازیم.

اولین بازیگر زن برنده اسکار: ژانت گینور

ژانت گینور در اکتبر سال ۱۹۰۶ در فیلا دلفیا به دنیا آمد. در سال ۱۹۲۳ به لوس آنجلس رفت و در یک فروشگاه کفش در قبال دستمزدی معادل ۸ دلار در هفته مشغول به کار شد. اما از آن جایی که لوس آنجلس شهر ستارگان بود تصمیم گرفت، استعداد خود را در زمینه بازیگری امتحان کند. بنابراین حاضر شد به طور رایگان برای فیلم‌های کم‌مردی و در نقش‌های کوچک بازی کند. او دو سال تمام بدون دریافت هیچ دستمزدی به ایفای نقش پرداخت. وی اعتقاد داشت: همه چیزهای خوب به کسی می‌رسد که انتظار آن‌ها را داشته باشد. این انتظار او طولانی نشد. در سال ۱۹۲۶ توانست برای نخستین بار به عنوان بازیگر نقش اول زن در فیلم سیل جانستون بازی کند. بعد از ایفای نقش در این فیلم بود که سیل پیشنهادها به سوی او سرازیر شد. در همان سال در فیلم‌های بوسه نیمه شب، عقاب آبی، بازگشت پیتر گریم و... ظاهر شد. در سال ۱۹۲۷ در فیلم‌های طبقه هفتم بهشت و غروب سرود دو انسان، بازی کرد. در سال ۱۹۲۸ در فیلم قابل تأمل رشته خیابانی ظاهر شد و به خاطر بازی در همین فیلم و نیز فیلم‌های طبقه هشتم بهشت و غروب دو انسان جایزه اسکار بهترین بازیگر نقش اول زن را دریافت کرد تا نامش به عنوان نخستین بازیگر زنی که توانست جایزه اسکار را در اولین دوره آن به دست آورد، ثبت شود.

او از معدود بازیگران سینمای صامت هم بود که توانست جایگاه خود را در سینمای ناطق هم حفظ کند. زیرا علاوه بر مهارت در ایفای نقش از صدای خوبی هم برخوردار بود. ژانت گینور در سال ۱۹۳۸ برای دومین بار کاندیدای جایزه اسکار شد. در دهه پنجاه پس از بازی در تئاتر هارولد و مود که یک شکست محض برای او به شمار می‌رفت از بازیگری در تئاتر برای همیشه کناره‌گیری کرد. در جریان یک سانحه تصادف در سال ۱۹۸۲ به شدت زخمی شد و سرانجام در سال ۱۹۸۴ پس از دو سال رنج فراوان درگذشت.





دست تعلق گرفت.

به علاوه در بیست و ششمین جشنواره فیلم فجر در مراسم ویژه ای از پروانه معصومی قدردانی و تجلیل شد. پروانه معصومی تاکنون دوبار به خاطر بازی در گل های داوودی و بهترین بازیگر ای برای رباب برنده سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول زن در جشنواره فیلم فجر شد.

بر اساس آخرین اخبار رسیده محمدرضا ناجی بازیگر فیلم آواز گنجشکها موفق به دریافت جایزه بهترین بازیگر نقش مرد خرس طلایی از جشنواره معتبر برلین شد که افتخاری دیگر برای سینمای ایران به ارمغان آورد.

برای فیلم تینار، دیپلم افتخار بهترین فیلم مستند بلند به فرزین رضائیان برای فیلم هفت رخ فرخ ایران، سیمرغ بلورین فیلم ویژه تماشاگران به محسن علی اکبری برای فیلم همیشه پای یک زن در میان است. سیمرغ زرین بهترین فیلم از نگاه ملی برای سید احمد میرعلایی برای فیلم فرزند خاک، پلاک طلایی همچنین سیمرغ طلایی به حسن حضرتی و فرزین رضائیان برای مستند هفت رخ فرخ ایران پلاک طلایی سیمرغ و لوح سپاس از نگاه ملی برای محمدرضا اصلانی و قاسم قلی پور برای فیلم آتش سبز، سیمرغ ویژه هیئت داوران برای یک عمر دستاورد فنی و هنری به علیرضا زرین

سبز، سیمرغ بلورین بهترین جلوه های ویژه برای فیلم پرچم های قلعه کاوه به حسین طلا بیگی؛ و سیمرغ بلورین بهترین چهره پردازی به سعید ملکان برای فیلم آواز گنجشکها از جمله جوایزه اهدایی در این جشنواره بودند.

همچنین سیمرغ بلورین بهترین فیلم اول به سید روح الله حجازی برای فیلم در میان ابرها، سیمرغ بلورین بهترین فیلم کوتاه داستانی به داریوش غریب زاده برای فیلم بوم رنگ، سیمرغ بلورین بهترین فیلم مستند کوتاه برای فیلم ترانه اندوهگین کوهستان به حامد خسروی، سیمرغ بلورین بهترین فیلم مستند بلند به مهدی منیری



برندگان جایزه اسکار ۲۰۰۸

روفیا تیرگری

باری است که دانیل دی لوئیس بازیگر بریتانیایی نامزد دریافت جایزه اسکار شده است. در فیلم "خون به پامی شود" دی لوئیس تلاش های یک معدنچی خرده پاره به تصویر می کشد که تبدیل به سرمایه داری بانفوذ می شود. بهترین بازیگر نقش مکمل مرد: خاویر باردِم. وی اولین هنرپیشه اسپانیایی است که جایزه اسکار گرفته است. او پیش از این نیز یک بار در سال ۲۰۰۱ برای فیلم دریای درون نامزد جایزه اسکار شده بود. بهترین موسیقی متن "داریو ماریانلی. داریو آهنگساز ۴۵ ساله ایتالیایی است که پیش از این برای فیلم غرور و تعصب در سال ۲۰۰۵ نیز نامزد دریافت اسکار شده بود.

بیاف، خواننده افسانه ای فرانسه در فیلم "زندگی به رنگ گل سرخ" این نقش مهم ترین نقش کوتیار تاکنون بوده است. فیلم فوق به کارگردانی الیور داهان پرفروش ترین فیلم فرانسوی در سال ۲۰۰۷ شد. بهترین بازیگر نقش مکمل زن نیز تیلدا سوئیدون بازیگر انگلیسی شد. این بازیگر پیش از این هم نامزد دریافت جایزه اسکار شده بود. وی سابقه بازی در فیلم های ارزشمندی مانند اقتباس را نیز در کارنامه بازیگری خود دارد. او در فیلم مایکل کلایتون ایفاگر نقش کارون کراوور است. بهترین بازیگر مرد نقش اول: دانیل دی لوئیس. این سومین

امسال برادران کوئن برنده اصلی هشتمین دوره از جشنواره اسکار و کارگردانان و هنرمندان آمریکایی بیش ترین برندگان آن بودند. اما بهترین فیلم؛ "فیلم پیرمردها سرزمینی ندارند" به کارگردانی برادران کوئن شناخته شد. این پنجمین باری است که این دو برادر نامزد جایزه اسکار می شوند. ولی برای نخستین بار است که موفق به دریافت جایزه آن شده اند و جایزه بهترین کارگردانی را به دست آورده اند. این دو برادر ۳۰ و ۵۰ ساله آمریکایی در سال ۱۹۹۷ نیز برای نگارش فیلمنامه فارگو اسکار گرفتند. بهترین بازیگر نقش زن نقش اول ماریون کوتیار شد. برای بازی در نقش ادیت



هیچکاک از جمله فیلم هایی بودند که گریس با دلربایی و زیبایی تمام در آنها ظاهر شد. آلفرد هیچکاک مجذوب بازی او شده بود و در گفتگویی اظهار داشت: هرگز سعی نکردم او را تغییر دهم.

پنجره عقبی از گریس یک ستاره ساخت. اما گریس دنبال فیلمنامه ای بود تا در آن بتواند به زیبایی استعداد بازیگری خود را نشان دهد. او این خواسته را در فیلم دختر دهایی یافت. دهاتی داستان زنی بود که شوهر الکلی خود را ترک می کند. نقش سلخته گریس در این فیلم کاملاً با نقش های دلربایش در فیلم های هیچکاک فرق داشت. او با بازی در فیلم دختردهاتی خطرهای زیادی را به جان خرید. در سال ۱۹۵۵ گریس به خاطر بازی در فیلم دختردهاتی موفق به دریافت جایزه اسکار شد. جایزه اسکار نقطه چرخشی در زندگی گریس بود. او از آن پس عینکش را به چشم می زد و بدون هیچ آرایش روح و شخصیت واقعی خود را نشان می داد. گریس با دریافت جایزه اسکار در کانون توجه همگان قرار گرفت. اما کم کمک تمایلش را به ستاره بودن از دست می داد. خودش نیز در این مورد گفته بود: من عاشق بازیگری بودم. اما هیچ وقت دوست نداشتم ستاره باشم. دوست نداشتم مثل یک ستاره سینما در انظار عمومی ظاهر شوم.

در بهار سال ۱۹۵۵ گریس در جشنواره کن شرکت کرد. در آنجا از وی دعوت کردند برای ملاقات با شاهزاده موناکو و گردش در کاخ او به کشورش برود. بعد از ظهری که زندگی او را به کلی تغییر داد. گریس کلی ۲۶ ساله جایزه اسکار بهترین زن را گرفته بود. او یکی از مشهورترین زنان جهان بود. شاهزاده ۳۲ ساله مجرد بود و سخت تحت تأثیر اعتماد به نفس گریس قرار گرفته بود. ظرف کمتر از یک روز آنها تصمیم گرفتند با هم ازدواج کنند. از نظر جک و مارگارت این رؤیایی بود که به حقیقت می پیوست. آنها با این ازدواج موافقت کردند و گریس برای اطمینان از این که می تواند برای شاهزاده فرزندی به دنیا آورد، راضی به آزمایش پزشکی شد. خبر این ازدواج تیترا اصلی روزنامه ها شد.

گریس گفت:
من عاشق بازیگری بودم
اما هیچ وقت دوست نداشتم
ستاره باشم.

در سال ۱۹۴۹ در برادوی و در نمایش پدر اثر استرینبرگ بازی کرد که با استقبال فراوان تماشاگران و توجه منتقدان روبرو شد. طی دو سال گریس در ۶ نمایش تلویزیونی بازی کرد در حالی که معتقد بود که تأثیر والا ترین هنرهاست. در تابستان ۱۹۵۱ گریس کلی پیشنهادی از هالیوود دریافت کرد که زندگی حرفه ای او را متحول نمود. در فیلم ماجرای نیم روز، نقشی کوچک اما مهم در مقابل گری کوپر به او پیشنهاد شد. گریس با بازی در ماجرای نیم روز جای خود را در هالیوود باز کرد. بازی گریس نظر جان فورد کارگردان افسانه ای هالیوود را جلب کرد و از او خواست در فیلم موگامبو در کنار بازیگرانی چون کلارک گیبل و آوا گاردنر بازی کند. موگامبو در آفریقا فیلم برادری می شد. استودیو مترو گلدین مایر از گریس خواست قبل از ایفای نقش در فیلم موگامبو قرارداد ۷ ساله با آنها ببندد. گریس برای بازی در موگامبو کاندید جایزه اسکار شد. برای قتل م رایگر (۱۹۵۴)، پنجره عقبی (۱۹۵۴)، دزد گیری (۱۹۵۵) به کارگردانی آلفرد

بود که هرگز نتوانست با آرمان های این خانواده خود را تطبیق دهد. او خجالتی و شکننده بود. در عین حال به خواهرها و برادرش بسیار علاقه داشت. اما اغلب احساس می کرد که با آنها فرق دارد. خواهران و برادر گریس همه ورزشکار و خوش مشرب بودند. اما گریس خجالتی و رؤیایی بود. او در دنیای کوچک رؤیاهایش زندگی می کرد. در حالی که خود را یک پرنسس می دانست. در ۵ سالگی به مدرسه کاتولیک ها فرستاده شد. محیطی سخت گیرانه، با انضباط اما دوست داشتنی. در آن جا بود که استعداد های این دختر کوچولو شکوفا شد. نمایش های آئین کاتولیک، شوق بازیگری را در گریس زنده کرد. گریس از علاقه به عمویش جرج کلی گفت. شاید اگر عموی ادیب، نمایشنامه نویس و برنده جایزه پولیتزر نبود، گریس هرگز موفق نمی شد در آکادمی هنرهای نمایشی ثبت نام کند. در آکادمی بود که گریس فهمید چقدر استعداد بازی در مقابل دوربین دارد. تنها ۲۰ ساله بود که پول زیادی از راه تبلیغ لباس در مجلات و بازی در نمایش های تلویزیونی به دست آورد.



برنده اسکار سال ۲۰۰۷:

هلن میرن

مکندر (۲۰۰۳)، پاک سازی (۲۰۰۴) و بازی در نقش ملکه الیزابت در فیلم ملکه موفقیت بسیار زیادی برایش به همراه داشت. او این نقش را در شرایطی بازی کرد که حتی یک بار هم ملکه کشورش را از نزدیک ندیده بود. در مجموع هلن میرن ۶ بار نقش ملکه های قدیمی و جدید انگلستان را بازی کرده است. وی تنها بازیگری است که اسکار خود را برای ایفای نقش شخصیتی واقعی گرفته که هنوز در قید حیات است. او برای ایفای نقش ملکه ۲۹ جایزه مختلف را دریافت کرد.

شوروی به لندن مهاجرت کرد. همسرش تیلور مک فورد کارگردان سینما و تئاتر است. میرن که در رشته بازیگری تحصیل کرد، کار هنری اش را با حضور در تئاتر شروع کرد و در سال ۱۹۶۷ برای اولین بار جلوی دوربین سینما رفت. از آن زمان تاکنون در بیش از ۹۵ فیلم سینمایی و تلویزیونی بازی کرده است. از فیلم های مطرح می توان به خانم جولی (۱۹۷۲)، هملت (۱۹۷۶)، جمعه خوب و طولانی (۱۹۸۰)، ماجراجو (۱۹۸۱)، شب های سفید (۱۹۸۵)، ملکه برفی (۱۹۹۵)، شیوع بیماری (۲۰۰۱)، دختران

هلن میرن برنده اسکار بهترین بازیگر زن در سال ۲۰۰۷ شد. این بازیگر انگلیسی تبار که در ۲۶ جولای ۱۹۴۵ در لندن به دنیا آمد، هم اکنون لقب یکی از بازیگران کلاسیک سینما را دارد. وی لقب هایی مانند دیم و بانو که حکایت از عالی رتبه بودن مقام هنری اش را دارد، دریافت کرد. هلن میرن طی سال های مختلف فعالیت خود موفق به دریافت ۶۳ جایزه بازیگری هم در انگلستان و هم در سطح بین المللی شده است. پدر بزرگش یکی از آریستوکرات های روسیه تزاری بود که بعد از انقلاب ۱۹۱۷

زندگی و آثار گریس کلی

ستاره ای که نمی خواست ستاره باشد

سرگذشت گریس کلی بی شباهت به افسانه نبود. هیچ ستاره ای چنین سرنوشت درخشانی نداشت. فتان، زیبا و دلربا در ۲۵ سالگی کاندید جایزه اسکار و در ۲۶ سالگی برنده جایزه اسکار شد. ستاره مورد علاقه آلفرد هیچکاک در اوج موفقیت از سینما کناره گیری و با شاهزاده وینیر ازدواج کرد. با این ازدواج سمت و جایگاه ملکه موناکو را پیدا کرد و به ظاهر زندگی زیبایی داشت. در حالی که در واقع چنین نبود. سال ۱۹۲۹ بحران رکود اقتصادی و اوضاع نابسامان بورس وال استریت، بسیاری از آمریکاییان را بهت زده و شرکت های زیادی را ورشکسته کرده بود. با این وجود در فیلا دلفیا اوضاع برای جک کلی مهاجر سخت کوش مستقلى که خود را از بازار بورس دور نگاه داشته بود، تغییر نکرد و او همچنان در خانه ۱۷ اتاق خوابه خود زندگی می کرد. جک فردی بلند قامت و با ابهت بود. میلیونر خودساخته ای که از بنایی شروع کرد و رفته رفته یک شرکت ساختمانی بزرگ ایجاد کرد و به زودی به ثروتمندترین افراد فیلا دلفیا تبدیل شد. مارگارت میجر دختر یکی از مهاجران آلمانی بود. تحصیل کرده و خصوصیات بلند پروازانه داشت که کاملاً با خصوصیات جک جور در می آمد. آن دو در سال ۱۹۲۴ با هم ازدواج کردند. مارگارت زنی بود تمام عیار با خصوصیات مادر سالارانه، باهوش و منضبط و خودرأی که فرزندانش وی را ژنرال مامان بورس صدا می کردند.

گریس پاتریشیا در روز ۱۲ نوامبر ۱۹۲۰ متولد شد. سومین فرزند در خانواده ای ۴ فرزندی





انتخابات مجلس
هشتم؛

حصار تنگ فیلترینگ این بار برای خود زنان

برچید. در این شرایط حتی در میان اصولگرایان انشقاق و صف آرایی در مقابل یکدیگر بسیار بالا گرفت، به گونه ای که جبهه اصولگرایان متشکل از راست سنتی، اصولگرایان و رایحه خوش خدمت یکپارچگی خود را از دست داد. جبهه متحد اصولگرایان تشکیل شد. همه علیه هم سخن گفتند و دیگر کسی تلاش نکرد نمایش وحدت را اجرا کند. با این وضعیت طبیعی به نظر می رسید که احزاب اصلاح طلب در مظان بیشترین فشارها، رد صلاحیت ها و اتهامات قرار بگیرند. صدا و سیما هم در این میان از تلاش بی شائبه خود فروگذار نکرد و هرچه بیشتر بر طبل انشقاق میان گروه های اصلاح طلب کوبید. این بار دیگر شرایط به گونه ای بود که کار از اعتراض مهدی کروبی هم گذشت. بلکه سید محمد خاتمی و هاشمی رفسنجانی نیز وارد عرصه رایزنی و چانه زنی ها شدند. روز شنبه ۶ بهمن ۱۳۸۶ این سه سیاستمدار روحانی در پی رد صلاحیت های گسترده ای که از سوی شورای نگهبان صورت گرفته بود جلسه ای تشکیل دادند تا به رایزنی در مورد رد صلاحیت نامزدهای اصلاح طلبی که برای ورود به مجلس هشتم داوطلب شده بودند، پردازند. این دیدار به اتحاد مثلث نام یافت که در واقعی تلاشی بود برای رایزنی در مورد

برای گروهها و احزاب سیاسی انتخابات مجلس هشتم این بار بیشتر از انتخابات ریاست جمهوری و یا شورای شهر و حتی دوره های قبل مجلس چالش برانگیز و حساس شد. در شرایطی که سکان دولت نهم در دستان گروهی از اصولگرایان حامی دولت قرار دارد، سایر احزاب تلاش زیادی کردند تا حداقل بتوانند کرسی های نمایندگی مجلس را در دست بگیرند و به نوعی خواسته های حزبی خود را نه از قبال قوه مجریه که این بار از مجرای نهاد قانونگذار در کشور دنبال کنند. با این حال تحقق این خواسته چنانکه تصور می رفت به آسانی صورت نگرفت. چه اصولگرایان که علیرغم تلاش بسیار نتوانستند به خواسته های مورد نظر خود در انتخابات شورای شهر دست یابند، این بار دیگر حاضر به تکرار تجربه قبل نبودند و تلاش زیادی کردند تا رقبای خود را از عرصه به در کنند. البته گذار از این مرحله سخت و چالش برانگیز از همان ابتدا هم پیش بینی می شد و نهایتاً در مقطع تعیین صلاحیت برای ورود به مجلس انعکاس یافت. شورای نگهبان نیز این بار بیشتر از قبل نشان داد که قائل به نظارت استصوابی است. به گونه ای که فرصت تکرار تجربه نمایندگی را حتی برای برخی از نمایندگان فعلی مجلس هفتم و حتی در میان خود اصولگرایان نیز از میان

گریس هنوز با کمپانی متروگلدین مایر قرارداد داشت و مشغول بازی در مجموعه موزیکال جامعه اشرافی در مقابل فرانک سیناترا بود. او نقش زن ثروتمند جوانی را بازی می کرد که قصد ازدواج دارد. برای نخستین بار گریس در طول دوران بازیگری اش در فیلمی آواز می خواند. او آهنگ عشق واقعی را خواند که مورد استقبال فراوان قرار گرفت.

سوالی که همه می پرسیدند این بود که آیا گریس بازیگری را ادامه خواهد داد؟ شاهزاده می گفت: خیر. او رسماً اعلام کرد که جامعه اشرافی آخرین فیلم گریس خواهد بود. تصویر او در ذهن ها کامل شده بود. گریس برای ایفای بزرگترین نقش زندگی اش آماده می شد. در آوریل سال ۱۹۵۶ گریس کلی علیا حضرت گریس ملکه موناکو شد. مراسم ازدواج او به صورت زنده برای بیش از ۳۰ میلیون بیننده تلویزیون پخش شد. زندگی جدید گریس پس از ماه عسل شروع شد. عادت کردن به شرایط موناکو برایش دشوار بود. خانواده همسرش به او که هنرپیشه ای آمریکایی بود، روی خوش نشان نمی دادند. به نوعی که اظهار داشته بود: هرگز در زندگی اش تا این حد احساس تهایی نکرده بود.

گریس واقعا دوران سختی را سپری می کرد. کارش را کشورش را و خانواده اش را ترک کرده بود برای چیزی که از آن هیچ شناختی نداشت. ۹ ماه بعد دختری به دنیا آورد که نامش را کارولین گذاشتند و یک سال بعد هم شاهزاده آلبرت ولیعهد موناکو به دنیا آمد.

او می خواست فرزندانش هم آمریکایی باشند و هم اروپایی. بچه ها به مدرسه فرانسوی می رفتند و در خانه با آنها انگلیسی صحبت می شد. مدنی بعد شاهزاده خانم استفانی به دنیا آمد. گریس و رینیر جز در زمینه تربیت فرزندان هیچ وجه مشترکی نداشتند.

رینیر اغلب عبوس و گوشه گیر بود. اما گریس اجتماعی و محبوب مردم. در اوایل دهه هفتاد گریس ۴۲ ساله ملکه موناکو چهره محبوبی در سطح جهان بود. تمام دنیا ماجرای دختری آمریکایی که با یک شاهزاده ازدواج کرده بود را دوست داشتند.

زندگی او ظاهراً همه را شیفته خود می ساخت اما واقعیت طور دیگری بود. در واقع در ۱۵ سال زندگی مشترک گریس و رینیر کاملاً از هم جدا بودند. گریس عاشق اپرا، باله و تئاتر بود. مدتی بود که آن دو با سردی با یکدیگر رفتار می کردند.

از گریس دعوت شد برای ملاقات با شاهزاده موناکو و گردش در کاخ او به کشورش برود. بعد از ظهری که زندگی او را به کلی تغییر داد.

اگرچه تظاهر می کردند که همیشه با هم هستند، اما کاملاً راهشان را از هم جدا کرده بودند. گریس از موقعیت خود به خوبی استفاده کرد. صلیب سرخ موناکو را به یکی از سخاوتمندانه ترین صلیب سرخ های دنیا تبدیل کرد و بنیادی برای حمایت از هنرمندان جوان تأسیس نمود.

اما زنی که در ۲۶ سالگی برنده جایزه اسکار شده بود، به بیش از این ها نیاز داشت. در نیمه دوم دهه هفتاد گریس را برای خواندن شعری به جشنواره لنین برگ دعوت کردند. دوباره لذت حضور در صحنه نمایش را احساس می کرد. معلوم شد که او هنوز هم می تواند مخاطبانش را به وجد آورد. هر کاری که گریس می کرد در رسانه ها بازتاب می یافت و کنجکاوای رسانه ها در زندگی خصوصی رینیر و گریس تبدیل به یک تراژدی شده بود.

در سال ۱۹۷۶ گریس با کارگردان جوانی به نام رابرت رودنر ملاقات کرد که فیلم مستندی درباره مدرسه باله لنینگراد ساخته بود. رابرت از او خوست تا گویندگی این کار را بر عهده بگیرد. گریس دوباره به اصل خود بازگشته بود و از این که دوباره با سینماگران کار می کرد خود را در خانه اش احساس می نمود.

گریس داشت در موناکو تئاتر کوچکی می ساخت و از این که مردم درباره بازگشت او به دنیای بازیگری سوال می کردند، خوشحال بود. در پایان دهه هفتاد، عکس هایی از گریس در مطبوعات چاپ شد که اندکی وی را چاق و رنگ پریده نشان می داد.

دیگر از آن همه آراستگی خبری نبود. گریس اغلب اوقات خود را در آپارتمانی در پاریس می گذراند تا نزدیک دخترش کارولین که در آنجا

زندگی گریس ظاهراً همه را شیفته خود می ساخت اما واقعیت طور دیگری بود.

درس می خواند، باشد.

در این دوران بیشتری نگرانی گریس زندگی فرزندانش بود. سال ۱۹۸۱ بیست و پنجمین سالگرد ازدواج گریس و رینیر بود. آنها سخت ترین سال های زندگی مشترکشان را پشت سر گذاشته بودند و زندگی شادتری داشتند. اما کمی بعد سردرد به سراغ گریس آمد. سردردهایی که اغلب از آن می نالید.

سال ۱۹۸۲ با خوبی و خوشی برای گریس آغاز شد. طوفان سال های سخت زندگی او با رینیر فرونشسته بود. تمام نگرانی گریس استفانی بود. استفانی ۱۷ ساله اعلام کرد بود که می خواهد به جای تحصیل در پاریس در مدرسه مسابقات اتومبیل رانی در کنار دوستش باشد. گریس اصلاً حال خوبی نداشت و سردرد همچنان آزارش می داد. صبح روز ۱۳ سپتامبر گریس به اتفاق استفانی منزل ویلاقی را به سمت کاخ شان در موناکو ترک کردند. با وجود مخالفت راننده خصوصی اش، گریس اصرار داشت که خودش رانندگی کند. این کار اشتباه بزرگ او بود.

گریس می خواست با استفانی تنها باشد و در همان مسیری رانندگی می کرد که کری گرانت در فیلم دستگیری یک دزد رانندگی کرده بود. وقتی اتومبیل به پیچ تندی رسید گریس نتوانست اتومبیل را کنترل کند و روی لبه یک پرتگاه اتومبیل واژگون شد. استفانی موفق شد خود را از ماشین بیرون بکشد در حالی که مادرش بیهوش افتاده بود.

در بیمارستان مشخص شد دو نقطه از مغز گریس به خاطر جراحات ناشی از تصادف و سکتة آسیب دیده است. معلوم شد آن سکتة یکی از چند سکتة های متوالی بود که سردردهای گریس هم به خاطر آنها بوده است. پزشکان گریس گفتند: وی ممکن است دیگر به هوش نیاید. ۲۴ ساعت بعد رینیر، کارولین و آلبرت مصیبت زده با خاموش کردن دستگاه های پزشکی موافقت کردند.

در ۲۱ سپتامبر ملکه گریس در سن ۵۲ سالگی در همان کلیسایی که ازدواج کرده بود، به خاک سپرده شد. شاهزاده رینیر تا لحظه مرگش در سال ۲۰۰۵ به یاد و خاطره گریس وفادار ماند. شاهزاده هرگز دوباره ازدواج نکرد. گریس بدون شک تنها عشق او در زندگی بود.

شیفتگی جهانیان به گریس با مرگ او به پایان نرسید. مردم هنوز هم تجسم رؤیاهایشان را در گریس کلی می بینند. واقعیت این است که زندگی او خارق العاده بود اما افسانه نبود.

افزایش تعداد بانوان شایسته در لیست منتخبین جبهه متحد اصولگرا در حوزه تهران با حداقل ۱۰ نفر یکی از فواید زنان اصولگرا بود.

های سیاسی عمده ای بودند که در جریان انتخابات برای ورود به مجلس تلاش کردند. دوباره چانه زنی ها و ائتلاف ها بر سر تهیه لیست های مشترک از نمایندگان مورد حمایت شروع شده بود. در میان این گروه ها در حزب اعتماد ملی فاطمه کروبی، دبیر کل مجمع اسلامی بانوان، عضو شورای مرکزی حزب اعتماد ملی که سمت سخنگویی ائتلاف مردمی اصلاح طلبان را هم بر عهده داشت، اعلام کرد: طی جلسات مشترک با حزب اعتماد ملی بر سر یک فهرست ۱۷ نفره توافق کرده ایم. در لیستی که در همین خبر درج شده بود نام فاطمه کروبی، اختر درخشنده، نجمه گودرزی، فریده کریمی و اعظم سقطی به عنوان کاندیداهای زن مورد توافق به چشم می خورد. البته ایشان اضافه کرد که هنوز این جلسات مشترک ادامه خواهد داشت.

جبهه متحد اصولگرایان هم لیست ۳۰ نفره ای را برای کاندیداهای نمایندگی مجلس از شهر تهران ارائه کرد. با این که در ارتباط با چند و چون حضور زنان اصولگرا در این لیست تا روزهای آخر جای شک و تردید وجود داشت و زنان اصولگرا باز هم نسبت به زنان اصلاح طلب گرفتار چنبره مردان سیاستمدار یا سیاستمداران مرد همانند گذشته گرفتار شده بودند و یا خودخواسته به آنها و نظرات آنها اقتدا می کردند، در بحبوحه شرایط عضو کمیته بانوان جبهه متحد اصولگرایان اظهار داشت: در لیست جبهه متحد اصولگرایان حضور شش نفر از زنان اصولگرا قطعی شده است. نسرین سلطانیخواه در گفتگو با فارس اظهار داشت: "در لیست جبهه متحد شش نفر از زنان اصولگرا قطعی شده اند و کمیته بانوان برای حضور حداکثری زنان در انتخابات تلاش می کند." سلطانیخواه با بیان این مطلب که کمیته بانوان جبهه متحد اصولگرایان در دو جهت برنامه های خود را دنبال کرده است، گفت: "در این کمیته از سه ماه قبل با زنان موثر برای حضور در صحنه رایزنی هایی داشته ایم و در این جهت زنان را به حضور پررنگ تشویق کرده ایم." علیرغم این که زنان اصولگرا تلاش می کردند تا زنان را به حضور پررنگ در انتخابات تشویق می کردند، اما در واقع این تلاش بیشتر برای جذب عموم زنان برای شرکت در انتخابات به عنوان رأی دهندگان بود نه نمایندگی و ورود در حوزه تصمیم گیری و قانون گذاری.

در همان زمان زنان اصولگرا برای تجدید پیمان با رهبری نامه ای نوشتند و در آن به شمارش فعالیت های زنان اصولگرا در عرصه

مسایل و مشکلات زنان و شناسایی خلاءها و نواقص قانونی در مورد زنان و خانواده مانند تهیه و تدوین ۲ طرح حقوقی و ارسال آن به مجلس شورای اسلامی پرداختند. مخصوصاً به تصویب یک فوریت اصلاح سهم الارث زنان از اموال همسر متوفی هم در این نامه اشاره شده بود. در حالی که خبرها حاکی از آن است که تصویب همین یک فوریت نه در نتیجه تلاش این زنان بلکه به دنبال اظهار نظر رهبر در ارتباط با لزوم بررسی و تجدیدنظر در مسئله ارث زنان از اموال همسرشان صورت گرفته بود. در واقع این تلاش نه خودخواسته که در پی اقتدا به بیانات مقام رهبری انجام گرفت. در نامه فوق الذکر زنان اصولگرا بر شناسایی زنان شایسته و کارآمد برای حضور در مجلس هشتم تأکید نمودند و رعایت اخلاق اسلامی در خانواده، درک مبانی اسلامی و تهذیب مردان را عامل اصلی جلوگیری از زورگویی به زنان اعلام کردند. البته در همین نامه اظهار شده بود



که: متأسفانه علی رغم تعامل نسبی و فکری با شورای زنان احزاب اصولگرا این تبادل نظرها و تبیین خواسته ها از حد حرف جلوتر نرفت. کما اینکه در عمل هنگام چینش افراد (سهم دهی) در لیست کاندیدها بدون در نظر گرفتن معیارها و تلاش های شورای زنان احزاب اصولگرا صرفاً به عنوان پیاده نظامی که همیشه در خدمت است تلقی شدند. در پایان نامه نیز زنان اصولگرا خواسته های خود را به این شرح اعلام کردند:

۱- افزایش تعداد بانوان شایسته و متدین و کارآمد در لیست منتخبین جبهه متحد اصولگرا در حوزه تهران با حداقل ۱۰ نفر

۲- قرار گرفتن بانوان در لیست با نظر توافقی شورای زنان احزاب اصولگرا که به صورت تعیین امتیاز، افراد اصلاح را مشخص می کنند نه بر اساس حمایت های خاص که توسط برادران و مطابق اجرایی کردن خواسته ها و نظرات طیف های سیاسی آنها انجام می گیرد.

۳- در صورت تامین نشدن این خواسته ها شورای احزاب زنان اصولگرا این آمادگی را دارد تا نسبت به انتشار اسامی بانوان حائز شرایط به منظور دفاع از حق نمایندگی نیمی از جامعه اقدام کند.

اما در آخرین روزها خبر رسید که شورای احزاب اصولگرا (متشکل از ۱۵ حزب و گروه سیاسی) توافق کرده است که از ارائه لیست جداگانه صرفنظر کند. مریم بهروزی دبیر کل جامعه زینب در این ارتباط افزود: در سالی که از سوی مقام معظم رهبری به عنوان سال اتحاد ملی و انسجام اسلامی اعلام شده است، در راه وحدت اصولگرایان از ارائه لیست جداگانه خودداری می کند. وی تصریح کرد: هنوز امیدواریم که اصولگرایان بتوانند با یک فهرست واحد در این انتخابات حضور یابند و در صورت تحقق چنین امری زنان اصولگرا نیز از این فهرست حمایت خواهند کرد. همچنین شورای مرکزی جامعه زینب هم تراکت ها و بنرهایی را در راستای حضور حداکثری مردم به ویژه زنان در عرصه انتخابات در شهر توزیع کرد. این اظهارات در حالی بیان شد که در اوایل اسفند ماه کمیته بانوان ائتلاف فراگیر اصولگرایان اعلام کرد: بازنگری در قوانین جزایی زنان و خانواده، اصلاح قوانین مدنی و ایجاد آیین دادرسی خانواده از برنامه های مورد نظر کمیته ی بانوان ائتلاف فراگیر اصولگرایان است. ضمن این که مسئول این کمیته اظهار نمود: ما معتقدیم به آیین دادرسی مستقل برای خانواده نیاز داریم. همچنین حفظ حقوق

چند و چون خیل عظیم رد صلاحیت ها که البته بلافاصله با نقدها و ایرادات فراوان از سوی اصولگرایان مواجه شد.

از جمله این که جناب آقای محمدرضا باهنر از رد صلاحیت های گسترده هیئت های اجرایی و نظارت دفاع کرده و افزود: "برخی از نمایندگان مجلس ششم صلاحیت ندارند که هیچ بلکه اگر هم اکنون دارند زندگی می کنند، به خاطر رأفت اسلام است. به زعم ایشان مجلس و دولت نباید از دست اصولگرایان خارج شود". همچنین وی اشاره کرد که "حادثه دوم خرداد یک هشدار جدی به تصمیم گیران و تصمیم سازان دایره اصولگرایی بود که از زلزله هشت، نه ریشتری جلوگیری کرد. در انتخابات ریاست جمهوری نهم و شورای شهر سوم اتفاقی افتاد که جریان اصولگرا نتوانست یک حرف را بزند و این احساس شد که اگر دیر بجنبیم، خدای ناکرده داستان عوض می شود".

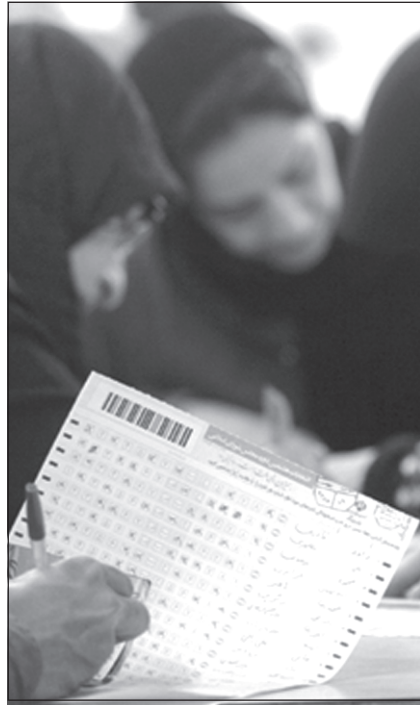
صف آرای، یارگیری

ائتلاف و ترس از رد صلاحیت

در شرایطی که رقابت میان مردان سیاست بسیار سخت و پرچالش است، شاید صحبت از حضور سیاسی زنان به ویژه این که نمی توان قلبا و عمیقا اعتقادی به آن را در هیچ گروه یا حزب سیاسی یافت چه بسا سخت و دشوارتر از همیشه خواهد بود. لذا در این دور از انتخابات مجلس زنان باز هم با چالش هایی بسیار بیشتر از پیش مواجه بودند.

در وهله اول زنان اصلاح طلب که تقریبا نسبت به دیگر گروه ها و احزاب متشکل تر عمل کرده و خواسته های جامعه زنان را تا حدی بهتر و جدی تر در نظر گرفته و دنبال می کنند، نیز از این قاعده مستثنی نبوده و بخش بزرگی از خیل عظیم رد صلاحیتی ها و عدم احرازها را به خود اختصاص دادند. چنانکه شورای نگهبان صلاحیت اکثریت قریب به اتفاق این افراد را به استناد بند ۱ ماده ۲۸ (عدم اعتقاد و التزام عملی به اسلام و ...) رد یا احراز نکرد.

اعمال محدودیت در تعیین صلاحیت کاندیداهای نمایندگی مجلس هشتم از سوی شورای نگهبان تا حدی بود که نه در میان اصلاح طلبان بلکه در بین افراد رد صلاحیت شده اسامی تعدادی از نمایندگان فعلی مجلس (مجلس هفتم) هم به چشم می خورد. برخی از این افراد که تعدادشان کم هم نبود به اتهام سوء شهرت در حوزه انتخابیه (بند ۵ ماده ۲۸ آن قانون) صلاحیتشان رد شد. این موضوع شاید قطعاً یکی از دلایلی بود که باعث شد تعداد



ثبت نام کنندگان زن بسیار پایین تر از حد انتظار و حتی کمتر از دوره مجلس هفتم باشد. در این دوره تنها ۵۹۰ زن از میان ۷۰۰۰ واندی ثبت نام کردند. در واقع ترس از رد صلاحیت عملا موجب شد تعداد زیادی از زنانی که قصد ورود به مجلس هشتم را داشتند، از جامه عمل پوشیدن به میل و خواسته خود دست بکشند. این رد صلاحیت ها در شرایطی صورت گرفت که زنان اصلاح طلب از مدت ها قبل برای تهیه لیستی از کاندیداهای مورد نظر خود مکررا جلساتی را برگزار می کردند. در این جلسات از افراد همسو و همفکری که تمایل به کاندیداتوری مجلس هشتم را داشتند دعوت نموده و تلاش کردند تا از همان ابتدا لیستی از نمایندگان زن مورد حمایت خود را تهیه نمایند. در لیست کاندیداهای اصلاح طلب زن در تهران که برای ورود به مجلس هشتم ثبت نام کردند و رد صلاحیت شدند، نام کسانی مانند مهر انگیز مروتی، آذر منصوری، اکرم منصوری منش، فخر السادات محتشمی پور، فریده ماشینی، شهیندخت مولاوردی، جمیله کدیور، شهربانو امانی، فاطمه راکعی، و... به چشم می

در این دور از
انتخابات مجلس زنان
باز هم با چالش هایی
بسیار بیشتر از پیش
مواجه بودند.

خورد. اما همه این افراد از دم رد صلاحیت شدند.

با این حال زنان جبهه اصلاحات باز هم در صدد دستیابی به خواسته های خود در انتخابات بودند. چنان که پس از مدتی ستاد انتخاباتی زنان جبهه مشارکت آغاز به کار کرد. به گفته فخر السادات محتشمی پور رئیس شاخه زنان جبهه مشارکت، "این ستاد با هدف تبلیغات انتخاباتی برای کاندیداهای ائتلاف اصلاح طلبان و با تکیه بر حضور معترضانه و فعال زنان در عرصه انتخابات، کار خود را آغاز کرده است". وی همچنین توجه به برنامه های مجلس هشتم برای زنان و حمایت از حضور موثر و کارآمد معدود زنان باقی مانده از کاندیداهای اصلاح طلبان، در مجلس شورای اسلامی را انگیزه اصلی برای تشکیل این ستاد اعلام کرد و گفت: "هر چند امکان رقابت کامل برای اصلاح طلبان با تنگ نظری ها و محدودیت های اعمال شده وجود ندارد، اما استفاده از همین امکان محدود و تلاش برای معرفی کاندیداهای و برنامه های مورد نظر به مردم (که قرار بود میزان رأی آنان باشد و بعضی در این فرمایش امام هم تردید کرده اند) ضروری می نماید". علاوه بر این طی برگزاری یک کنفرانس مطبوعاتی از سوی شاخه زنان جبهه مشارکت، فریده ماشینی به ارائه گزارشی در مورد اهداف، برنامه ها و اقدامات این حزب در مورد زنان پرداخت. در همین کنفرانس بود که وی اشاره کرد: در تلاش هستیم تا سهمیه ۳۰ درصدی را برای زنان در انتخابات دنبال کنیم. البته وی افزود که: هدف نهایی ما این نیست که تنها چند زن به عنوان نماینده وارد مجلس شوند بلکه هدف ما این است که نمایندگان مسایل زنان را مورد توجه قرار دهند و مشارکت سیاسی زنان و آگاهی بخشی به آنان را در صدر اولویت های مان قرار دهند. همچنین اعلام فراخوان زنان برای ثبت نام گسترده در هشتمین انتخابات مجلس شورای اسلامی، برگزاری اولین دوره توانمندی سیاسی - انتخاباتی زنان توسط کمیته فرهنگی مجمع زنان اصلاح طلب و برگزاری اولین جشنواره وبلاگ نویسی زن و مشارکت و تقویت فعالیت شاخه زنان جبهه مشارکت از دیگر اقدامات زنان اصلاح طلب در آستانه نمایندگی مجلس هشتم شورای اسلامی بود. چه این که در واقع این تنها راه برای باقی ماندن در صحنه سیاسی تلقی می شد.

به طور کلی ۳ گروه اصلی اصلاح طلب با عناوین ائتلاف اصلاح طلبان (یاران خاتمی) اعتماد ملی و حزب اعتدال و توسعه از گروه

عضو کمیته بانوان
جبهه متمد اصولگرایان
اظهار داشت که در لیست
جبهه متمد حضور شش نفر از
زنان اصولگرا
قطعی شده است.

شاید در چند سال اخیر بی نظیر بوده است، توقیف یک باره مجله زنان و آخرین اقدام دولت برای سهمیه بندی جنسیتی داوطلبان ورود به دانشگاه و... همه از این امر حکایت دارد که با این شرایط خود زنان هم در مجلس هشتم جایی نخواهند داشت، چه برسد به طرح مسائل زنان در رکن قانون گذاری کشور. بنابراین انتظار بهبود وضعیت زنان بعید به نظر می رسد. به علاوه باز هم زنان نتوانستند برنامه ها و استراتژی های مناسبی را برای زنان کشور تعیین کنند به دلیل این که دغدغه عبور از فیلترینگ شورای نگهبان مجالی را برای طرح این مسائل فراهم نکرد. اگر تا دیروز واژه زن مورد فیلتر

دوما در طیف اصلاح طلبان در میان لیست های ۳۰ نفره تنها ۵ یا ۶ زن جای گرفتند که می شود ۲۰ یا کمتر از ۲۰ درصد بود علیرغم همه تلاشی که زنان اصلاح طلب از خود نشان دادند و با همه خوش بینی ها در این مورد که هر ۵ یا ۶ نفر به مجلس راه یابند. مسئله مهم تر این که کسانی وارد لیست شده اند که به لحاظ دانش، توان و پیشینه کاری نمی توان انتظار زیادی از آنها برای در نظر گرفتن نیازها و خواسته های طیف وسیع جامعه زنان داشت.

در شرایطی که فضای سیاسی و اجتماعی به ویژه برای فعالان زن روز به روز سخت تر و محدود تر می شود، انتظار زیادی نمی رود که در مجلس هشتم به حضور زنان و خواسته های آنها وقعی گذارده شود. دستگیری و بازداشت های مکرر فعالان زن، محدود کردن فعالیت سازمان های غیردولتی زنان و یا فعالیت هایی که با اهداف و برنامه هایی برای زنان صورت می گیرد، فیلترینگ بیش از پیش واژه زن در اینترنت، طرح مسائلی که قصد خانه نشین کردن زنان به بهانه های حمایت از کانون گرم خانواده در پس آنها محرز و آشکار است، برخوردهای توهین آمیز با طرز پوشش زنان که

قرار می گرفت و یا فعالیت های اجتماعی و طرح خواسته های آنها محدود می شد، در این انتخابات آنها باید از دایره تنگ و محدود کننده فیلترینگ خودشان عبور می کردند. جو حاکم بر انتخابات مجلس هشتم، رقابت های فشرده بین احزاب، حذف ها و تنگ نظری ها، ائتلاف ها و کوتاه آمدن ها و ترس های ناشی از رد صلاحیت مانع از این شد که تعداد زیادی از زنان حتی برای ورود به مجلس ثبت نام کنند و در برخی موارد بعد از تأیید صلاحیت هم، از حضور در آن انصراف دادند. روند انتخابات هشتم یک بار دیگر نشان داد که نه تنها اعتقادی به مسئله زنان وجود ندارد که چه بسا عده بسیار زیادی در خفا یا آشکارا در نظر دارند زنان را بیشتر و بیشتر محدود کنند. بنابراین در عین یأس و ناامیدی باید گفت: مرا به خیر تو حاجت نیست، شر مرسان.

تا آخرین لحظاتی که مجله به چاپخانه می رفت، ۱۹ نماینده در تهران در مرحله اول به مجلس راه یافتند که تنها دو زن در بین آنان بود. لازم به ذکر است انتخابات در تهران و برخی از شهرستانها به مرحله دوم کشیده شد.





تأیید نهایی صلاحیت ها و ارائه لیست های انتخاباتی

در نهایت پس از رد صلاحیت ها، اعتراض های بسیار به عدم احراز صلاحیت ها و تأیید مجدد صلاحیت برخی از افراد از تاریخ ۵شنبه ۸۶/۱۲/۱۶ لیست های نهایی شده ارائه شد، شورای نگهبان از تلاش مجدانه خود برای رد صلاحیت ها فارغ گردید و رسماً فرایند تبلیغات آغاز گردید. بر مبنای لیست های منتشر شده در روزنامه های کثیرالانتشار تهران در ائتلاف اصلاح طلبان ۶ زن از جمله کاندیداهای مورد حمایت بودند: سهیلا جلودار زاده، نرگس کریمی، الهه راستگو، طیبه گلپایگانی، نیره اعظم خوش خلق و جمشیدی. در لیست مورد نظر حزب اعتماد ملی نام ۵ زن؛ فاطمه کروبی، اعظم سقطی، نجمه گودرزی، اختر درخشنده و الهه راستگو وجود داشت. حزب اعتدال و توسعه ۴ زن اعم از سهیلا جلودار زاده، نیره اعظم خوش خلق، فاطمه کروبی و الهام امین زاده را مورد حمایت خود قرار داده بود. ائتلاف فراگیر اصولگرایان الهام امین زاده، نفیسه فیاض بخش و منصوره سادات هاشمی و در جبهه متحد اصولگرایان فاطمه آلیا، لاله افتخاری، زهرالهیان، فاطمه رهبر و نسربین سلطانخواه قرار داده شدند. البته جمعیت زنان جمهوری اسلامی نیز که کم سرو صداتر نسبت به دیگر احزاب فعالیت کرده بود، لیست نهایی

یکی از طرح های
ائتلاف کاندیداهای مستقل،
تلاش در جهت
ایجاد وزارت خانواده
عنوان شد.

خانواده، رفع تبعیض به ویژه در بحث اشتغال و آموزش، سهولت و دقت در رسیدگی های قضایی، فراهم کردن منشور حقوق زنان و حضور این قشر در عرصه های بین المللی، حمایت از حقوق زنان و خانواده، شناسایی موارد نقض و اتخاذ تدابیر لازم در این راستا، بازنگری در قوانین اشتغال، کار، اداری و استخدامی با هدف طراحی الگوی اسلامی اشتغال بانوان با توجه به مسوولیتی که زنان در خانواده دارند از دیگر مواردی است که این کمیته جزء برنامه های خود قرار داده است.

در میان سایر احزاب، حزب عدالت و توسعه هم لیستی متشکل از ۲۰۰ کاندیدای مورد حمایت خود را در سراسر کشور تنظیم کرده بود که از میان لیست ۳۰ نفره در تهران نام ۲۴ نفر مورد توافق قرار بود و در این لیست نام الهام امین زاده به عنوان نام تنها زنی بود که به چشم می خورد.

از طرف دیگر جمعی از کاندیداهای مستقل هم برای ورود به مجلس شورای اسلامی با یکدیگر ائتلاف کردند. تعداد زنان خواهان نمایندگی مجلس در این ائتلاف معهود بود چنانکه در تهران، ری و شمیرانات بر حسب اطلاعات موجود تنها ۱ زن به نام معصومه دبیرزاده در جمع لیست قطعی کاندیداهای مستقل وجود داشت.

با این حال ائتلاف کاندیداهای مستقل تلاش کرد در حد ارائه دو طرح نشان دهد که برای ورود به مجلس هشتم برنامه ریزی کرده است.

یکی از طرح های این ائتلاف طرح ایجاد وزارت خانواده بود که البته در مورد نوع نگرش اتخاذ شده در تدوین طرح و یا اصلاً در حالت خوش بینی هم نسبت به اجرایی شدن آن جای شک و تردید بسیار وجود دارد.

خود را منتشر ساخت و در آن نام ۶ زن عبارت از سهیلا جلودار زاده، فاطمه کروبی، اختر درخشنده، نرگس کریمی، مرجان شیخ الاسلامی آل آقا و الهام امین زاده وجود داشتند.

باز هم مدارای زنان با مردان

با وجود شرایط فوق، سختگیری های شورای نگهبان و جو حاکم بر شرایط قبل از انتخابات، باز هم در تمام گروه ها زنان بر سر گنجینیدن کاندیداهای زن مورد نظر خود کوتاه آمدند و یا حتی در برابر فشار های درونی و بیرونی احزاب خود نتوانستند مقاومت کنند. بنابراین اصلاً جای هیچگونه امیدواری نیست که اولاً: اگر زنان اصولگرا وارد مجلس شوند، بخواهند و بتوانند برای جامعه زنان کاری از پیش ببرند و گاه اگر لازم باشد، در ارتباط با خواسته های خود در برابر مردان اصولگرا قرار بگیرند. چه این که خود مریم بهروزی اظهار داشت که گر چه برخی از خواسته های زنان اصولگرا در فهرست لحاظ نشد، اما مجموعه احزاب زنان اصولگرا به این نتیجه رسیدند که در شرایط فعلی به صلاح نیست که فهرست جداگانه ای ارائه کنند. و البته زنان اصولگرا اعلام نکرده اند که خواسته هایشان چه بوده و چرا با مردان هم حزبی خود بر سر آن ها کوتاه آمده اند.

بنابراین توان مقاومت و یا حتی انگیزه و اعتقاد درونی آنها با توجه به نوع عملکردشان بسیار شکننده و غیر قابل باور است. چنان که در نشست سراسری زنان اصولگرا نیز که با حضور نمایندگان زن مجلس و اعضای کمیته بانوان جبهه متحد اصولگرا به منظور اهمیت بخشیدن به حضور زنان در عرصه سیاست روز هفدهم دی ماه برگزار شد، مردانی چون الیاس نادران، «صدر» دبیر اجرایی جبهه متحد اصولگرایان و «زاکانی» دبیر جمعیت اصولگرایان تحول خواه از جمله سخنرانان اصلی مراسم بودند. که حداقل الیاس نادران و مواضع وی تا حدی بر همگان شناخته شده است. از سوی دیگر نمایندگان زن مجلس هم که عضو جبهه متحد اصولگرا هستند تاکنون کارایی و کارآمدی و حتی اشتیاق خود را در ارتباط با مسائل زنان نشان داده اند و چه شاهدی بهتر از این که نمونه هایی از اقدامات آنها برای جامعه زنان در ۴ سال اخیر خود نشانگر مواضع آنها برای احقاق حقوق زنان بوده است.

معلوم نیست وقتی به بیان خودشان برخی از خواسته های زنان اصولگرا لحاظ نشده است ولی از فهرست مورد نظر حمایت خواهند کرد، چه انتظاری باید از آنها داشت؟

Interview with Ms. Roghayeh Hatami Pourfarshi, executive director of Flamingo Travel Agency and Flamingo Investment Company

Doors of tourism are opening to women

Laleh Rastegar
Laleh.rastgar@gmail.com

Women status in every development plan is of great importance, not only because they constitute half of the total population but also because they bring up the other half too. Study of the development history and literature, indicates that although women status has improved so much comparing to the past, they are still far from their real status. An outlook of Iran's First and Second Economic, Social and Cultural Development Plans show that women status has not been specified in these plans.

The First Economic, Social and Cultural Development plan, however, underlined the need for birth control. Whereas, the Second Plan specified the need for setting up of special facilities for women to spend their spare times. Women issues and the need for dealing with



their problems have been specified for the first time in the Third Development Plan.

Only one article of the plan, article 158, has been dedicated to women status. As for the Fourth one, Article 111 of Law on Fourth Development Plan is allocated to women and calls the government to take certain measures for the purpose of enhancing the role of women in the society. Furthermore, article 30 (3-d), article 54 (a), article 71, article 97 and article 102, each have certain paragraphs underlining the need for attending women issues.

Although it seems that women's real status in development was considered by none of the plans, the general trend for drafting the development plans (First to Fourth) is quite promising.

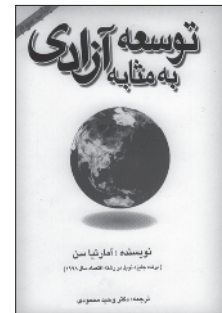




ناشر: جمعیت حمایت از حقوق بشر زنان
 شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
 بها: ۱۰۰۰ تومان
 در این کتاب دو مقاله در موضوع زنان و مشارکت سیاسی آنان به چاپ رسیده است. در مقاله دوم زنان در سیاست: همچنان «جنس دوم» چنین آمده است: «در تمام کشورهای جهان صرف نظر از وابستگی سیاسی زنان باید بر انبوهی از موانع محدود کننده که بر سر راه پیشرفت سیاسی شان قرار می گیرد، فائق آیند». این مقاله با تاکید بر موضوع سهمیه بندی جنسیتی و منفی بودن این نظریه پرداخته است.

است: «با خواندن این کتاب در می یابیم که توسعه و پیشرفت مستلزم تقویت قابلیت های انسانی، مشارکت مردم و آزادی مباحثه عمومی است که بیشتر در مطبوعات و میزگرد های مختلف تجلی می یابد.» درآمد می خوانیم: «به اجمال می توان گفت که حلقه مفقوده توسعه نیافتگی هر جامعه ای در همه عرصه هارا باید در نبود عنصر رقابت جستجو کرد. در این نیز تردیدی نیست که برای ایجاد رقابت باید شرایط و فرصت های برابر برای افراد در همه زمینه ها ایجاد شود تا بتوانند با رشد و تعالی قابلیت های فردی خود و حضور در عرصه های مختلف اجتماعی به رقابت و ایفای نقش بپردازند... در فصل هشتم این کتاب با محور نقش فاعلی زنان و تغییرات اجتماعی نتیجه گیری می شود که «هیچ چیز امروز در اقتصاد سیاسی توسعه مهم تراز درک کافی مشارکت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی زنان و رهبری آنان نیست. این در واقع جنبه مهم توسعه به مثابه آزادی است.»

زنان پیش به سوی قدرت
 تدوین و تالیف: شهیندخت مولاوردی



توسعه به مثابه آزادی
 نویسنده: آمار تیا سن
 ترجمه ی دکتر وحید محمودی
 ناشر: دانشکده مدیریت دانشگاه تهران
 شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه
 بها: ۳۰۰۰ تومان
 نویسنده کتاب آمار تیا سن، اقتصاددان، استاد دانشگاه کمبریج و برنده جایزه نوبل در رشته اقتصاد به سال ۱۹۹۸، دارای آثار، نظریه ها و ابزار های اندازه گیری مهمی در حوزه توزیع درآمد فقر و اقتصاد رفاه است. آثار نویسنده به ویژه این کتاب مورد توجه بسیار محافل علمی و مجامع بین المللی قرار گرفته است. در مقدمه کتاب آمده

حقوق زنان

برگ اشتراک

شماره اشتراک: نام: نام خانوادگی: سن: تحصیلات:
 شغل: نشانی: یا صندوق پستی: تلفن:
 به پیوست فیش بانکی به شماره مبلغ ریال بابت اشتراک یک ساله مجله حقوق زنان (برای ۱۲ شماره) فرستاده می شود. خواهشمند است مجله را برای مدت یک سال از شماره به نشانی بالا بفرستید.
 ● برگ اشتراک را کامل و خوانا پر کرده و کد پستی را حتماً یادداشت کنید.
 ● بهای اشتراک را به حساب جاری شماره ۱۳۹۲۰ بانک ملی ایران شعبه امیرآباد (کد ۱۲۸) به نام مجله حقوق زنان (قابل پرداخت در کلیه شعب بانک ملی ایران) واریز کرده و اصل فیش بانکی را همراه با برگ تکمیل شده اشتراک به آدرس: تهران - صندوق پستی ۱۳۱۴۵ / ۳۶۳ بفرستید.
 ● لطفاً کپی فیش بانکی را تا زمان دریافت نخستین شماره اشتراک نزد خود نگاه دارید. بهای اشتراک برای یک سال (۱۲ شماره) با پست عادی برای تهران و شهرستان ۱۲۵۰۰ تومان است. بهای اشتراک برای شش ماه (۶ شماره) نصف مبلغ بالا خواهد بود.
 ● در صورت هر گونه تغییر در نشانی، سریعاً دفتر مجله را آگاه کنید.

شرایط اشتراک خارج از کشور

خوانندگان عزیز مقیم خارج از کشور می توانند حق اشتراک خود را به نشانی زیر پرداخت کنند و اصل فیش بانکی را همراه با فرم اشتراک به نشانی مجله حقوق زنان بفرستند.

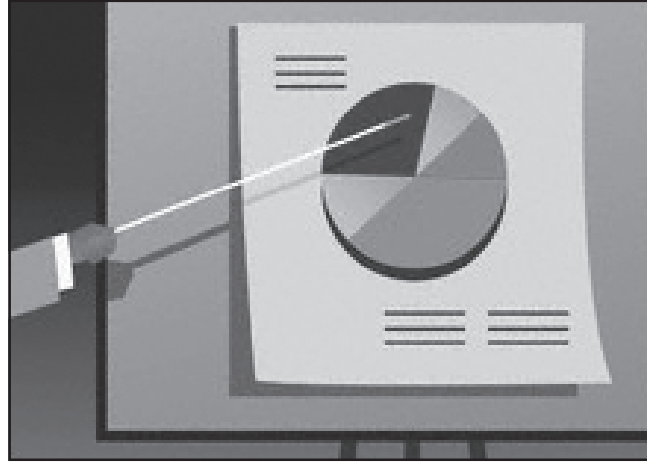
خوانندگان گرامی مقیم در کشورهای دیگر می توانند حق اشتراک خود را توسط خویشاوندان و دوستان در ایران پرداخت کنند. حق اشتراک سالانه: آمریکا، کانادا ۴۴ دلار - اروپا ۳۹ یورو

شماره تماس: ۰۹۱۲۱۳۰۲۷۷۵

تلفکس: ۵۵۴۳۹۱۷۲

BANK MELLI IRAN
DANESHGAH BRANCH
BANK CODE: 0087
SWIFT CODE: MELIIRTH 087
A/C: 2201206

Beneficiary: HOGHOGH-e-Zanan



Gender equality means having an equal platform for men and women in society. Gender equality does not mean physical similarities between men and women or that women must make use of opportunities, the right to choose, and have access and control of resources similarly to men. Gender equality means that men and women must be officially recognized in society as equals and be valued equally. Gender equality is men and women having equal conditions to access social rights, opportunity to participate and have a share in development and access to the benefits of development, and participation in the planning process. Gender equality means the existence of necessary norms, views and impressions for equal

opportunities between men and women without taking their biological differences into consideration, and being manly or womanly does not cause deprivation and cruelty of one towards the other.

Thus gender justice shall be the precursor to gender equality. When men and women are not fully equal, in some instances it is necessary to treat them differently.

This difference is to make up for historical and social deprivation of women. In fact gender justice which means a balance between men and women in having access to social and economic resources, conditions that bring about the opportunity for men and women to have active participation in different fields.

Women Can!?

A. Gramizadegan

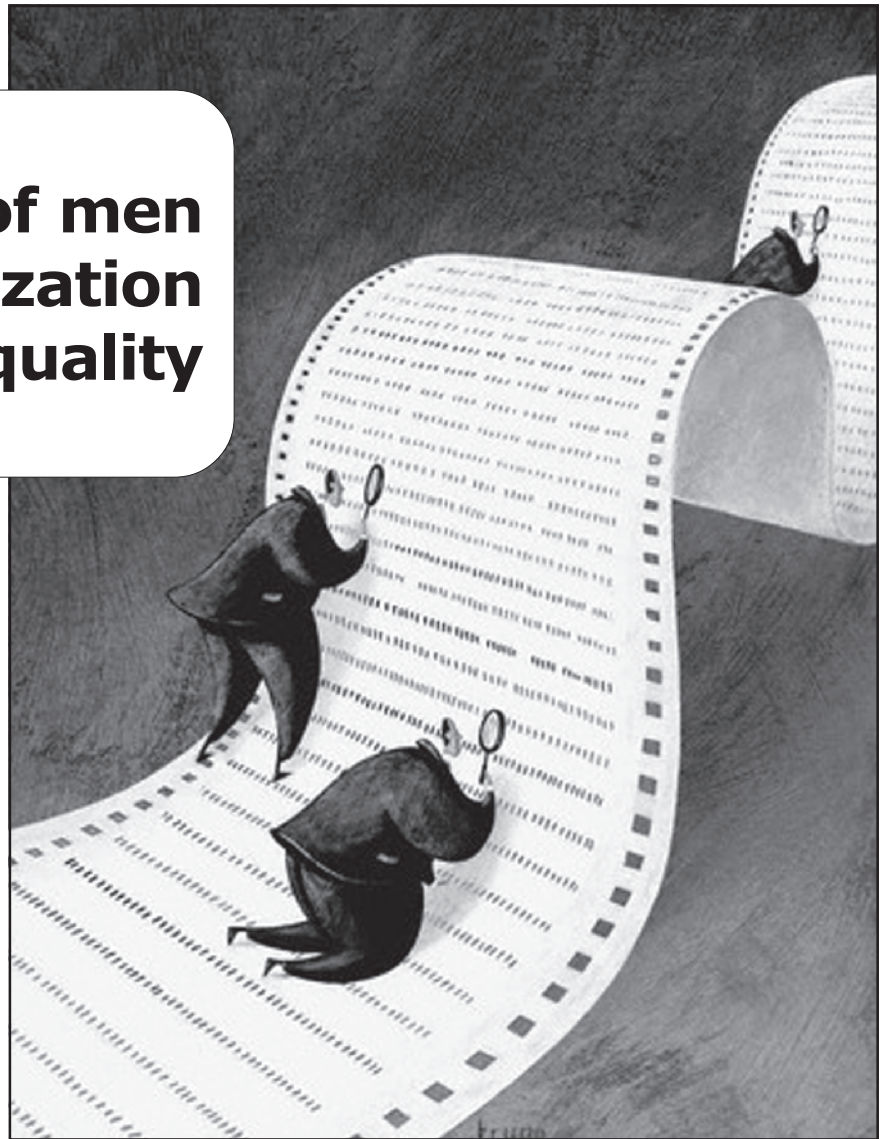
We spoke of women's share in the economy in the last issue, and also the necessity for its development and growth is dependant on women's presence, and any country that does not benefit from this human power, then it will not have a very good prospective.

Although approaching this subject requires further study and research, to clarify the reason women have not been able to make advancements in the economy, and why isn't their present situation satisfactory? But in a media outlet such as this magazine, the necessity to show examples of presence and getting answers from people that were active in these economic environments, brought us to the conclusion that there is this attitude that women can and must enter the investment sector alongside men in this day and age; and they must let society see their capabilities, because its least

result is further benefit and easier accessibility for the family will be the end result – a family that must make efforts to have access to bear essentials, education, suitable work and proportionate welfare.

We said before that the age where only men work and in order to keep the family they don't have the time to spend time with their family is over. The high cost of living for the family, forces men to take on extra jobs, and reduces their rest and recreation time drastically. The family needs a time for recreation without worrying about extra expenses and complications, and the family needs to plan for the improvement of its emotional and mental conditions. A family is a good family when is organized with a plan, and or the plan takes hold, and also its internal relationships are strengthened.

The role of men in the realization of gender equality



What is the role of men in the path of women's access to gender equality? Can there fundamentally a role be given to men in this regard? What are the necessities, reasons and whys of men playing a role and what are the consequences and lack of their participation and siding with women? What roles and duties can be given to men in this regard? What does gender equality mean and what consequences does gender inequality have on society? These are questions that this narrative has tried to answer in its own ability:

1 – What does gender equality mean, and what is its prerequisite, and its importance and effects?

Many countries are still influenced by the universal patriarchal culture, which indicates the fact that the differences between men and women in achievements and activities is due to the consequences of society's

gender roles and not the unchangeable biological differences is ignored. Although most of the existing differences are undeniable, but overall it cannot be said that there is that there are that many differences in the inherent and inborn qualities and upbringing of men and women. The thing is that no one must be deprived of a right because of gender, or be forced to follow a particular way of living. The issue is what the differences are. Some see gender equality and sex equality as the same thing, and suggest that in the event of the realization of equality between men and women, their differences will be ignored, and women will become "like" men. These people do not have a correct impression of this, and in trying to denigrate women's movements achievements, resort to these tactics.

In the name of the
Almighty God

Hoghoogh-e-Zanan
(Women's Rights)

30

Contents

- ▶ Share of Iranian women in Economy
- ▶ Womens Low Economic participation is Rather a Cultural Issue
- ▶ Driving: new professional for women
- ▶ Women status in Irans Development plans
- ▶ More self-esteem means less stress

Address:

P.O.Box: 13145-363
Tehran, Iran

Tel:

0098-09121302775
0098-(021) 55439172

Email:

info@Hoghooghezanan.com
www.Hoghooghezanan.com

Sadly we find that not only no plans are drawn up in this regard, but whatever that can be added to this unit's [family] rest assuredness is lost. By allocating portions to the children's education – girls in particular for whom once upon a time getting education was seen as a credit to them – and reducing the number of girls studying in universities, new mental and emotional pressures have been brought onto this sector. Giving women and girls a gender-based share that is against their interests, on baseless excuses, undoubtedly results in the reduction of women in this level. This shows that by removing – without a replacement – the deserving path that girls had, has brought about a vacuum, and families were faced with new problems. Therefore they did not take advantage of the privilege of having 62% women students in university, and without creating and developing professional skills and self-employment skills, girls were encouraged to loose interest and become lazy, and by staying at home increase family problems. This is while, the times are such that require the children (girls in particular) to gain knowledge and skills and employment to help improve family conditions.

Today is an age that the quality of the family must be considered, and that all of its members must join hands by education and cooperation and work hard for the development and raising of the members of this unit.

The necessity for women's presence in the economy field

shows that women's role in the promotion of the family's quality is very noticeable, and the family conditions can improve with their help. Various studies have concluded that women must be actively and extensively present in all levels of economy.

Examples that we published in our two recent issues, shows that self-belief, women's efforts and programmes, has directed them towards a correct path, the fruits of which are themselves and their families witness. As a lesson, we even mentioned experienced that women gained, but have still not reached a satisfactory conclusion, so that a defeat is not just a defeat, but a gained experience is a skill that we have acquired, and this in itself is seen as a victory.

Although the subject of women in the economy was published in these two issues of the magazine, and no claims were made for the subject, but we have allocated and reserved a page specifically on the subject so that it does not get forgotten that women must have more effective presence in order to reach decision making and decision setting levels. Let us hope for the day when by the establishment of commercial centres such as cooperatives, unions, new job opportunities, self-employment markets, and private companies, the formation of all of which will result in the country's growth and development. And eventually the economy sector's acceptance culture of women's participation is fulfilled. Without a doubt, just as in the education and health sector, women shall prove the urgency of their role in the economy sector too.